

طاغون علیہ مردم

مردی علیہ طاغون

نویسنده: محمد حنیفی

خواننده گرامی نوشتاری که در دست دارید مستندی مکتوب و مختصر از فعالیت نیم قرن انستیتوپاستور ایران است که در قالب کارنامه زندگی مولف آن به رشته تحریر درآمده است.

مکتوبات این نوشتار یک سفرنامه کوتاه علمی است که ابتدای آن بعبور از شهرها و روستاها، همه مرزهای مکانی و زمانی رادر بدترین شرایط درنوردیده و انتهای آن، آغازی است برای مسافران آینده علم و عمل.

ایشان در مدت پنجاه سال فعالیت رسمی و غیر رسمی خود در انستیتوپاستور ایران اغلب فراز و نشیبهای طی شده توسط پیشگامان و بنیانگذاران علوم بهداشتی و سایر علوم وابسته را (چونده شناسی، میکروبیولوژی، انگل شناسی، حشره شناسی و دامپزشکی و...) تجربه کرده اند و در این راه با نامدارانی خارجی تبار (از جمله دکتر مارسل بالتازار از فرانسه، دکتر گزاویه میزون از بلژیک (چونده شناس) دکتر داگلاس لی از دانشگاه شیکاگو آمریکا (جانور شناس)) و ناموران ایرانی نظیر دکتر شمس، دکتر مفیدی، دکتر یونس کریمی، دکتر تیموری و سایر اساتید و عزیزان در مقام شاگرد، همکار، همراه و گاه در جایگاه استادی با تجربه، دینش را به هم نوع و هم کیش وهم مرزان خود ادا کرده و در کمال صداقت و نهایت فداکاری و سعه صدر، پله های اصلی و اولیه این علوم را پایه گذاری کرده اند.

بدیهی است که امروزه برای بدست آوردن مندرجات تالیف ایشان باید روزها و ماه ها مخازن و منابع علمی و پرونده های بایگانی شده از فعالیتهای علمی و عملی انستیتو پاستور را در نقاط مختلف ایران ورق زده و به دست جستجوگران سپرد.

خوشبختانه این بزرگوار مختصری مفید از تمام این فعالیتها را برای ما در قالب این نوشتار و بدون هیچ چشم داشتی برای آیندگان به ارمغان گذاشته اند.

در تنظیم این نوشته سعی شده است تا سبک نوشتاری صاحب اثر دچار تغییر نشود. جا دارد از زحمات آقایان دکتر موبدی، دکتر مولوی و خانم ها سرور چاره دار، محبوبه سلیمی، آقای محمد باقر خادم عرفان از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران که در تنظیمات اولیه این نوشتار کمک نموده اند و از تلاش های آقای علی محمدی، دانشجوی کارشناسی ارشد حشره شناسی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران که در جمع بندی و نهایی نمودن آن نهایت تلاش خود را بکار گرفته اند تشکر گردد.

دکتر احسان مصطفوی

سرپرست پایگاه تحقیقاتی بیماری های نوپدید و بازپدید

انستیتو پاستور ایران (اکنلو)

## فهرست

۳	فهرست.....
۵	تاریخ پایه‌گذاری انستیتو پاستورایران.....
۶	بیوگرافی مؤلف از زبان مرحوم دکتر یونس کریمی.....
۷	بیوگرافی مؤلف از زبان دکتر مهدی آسمار.....
۸	طاعون در آق بلاغ.....
۱۱	سند و قباله واگذاری ساختمان آزمایشگاه اکنلو از طرف آقای منوچهر قراگوزلو.....
۱۱	گزارش بیماری طاعون از سنندج مربوط به قریه نورآباد.....
۱۷	مناطق کار شده در تربت جام.....
۱۸	مناطق کار شده در ماکو.....
۱۹	مناطق کار شده در ماکو.....
۲۰	حرکت ماموریت از ماکو به رضائیه.....
۲۲	ماموریت استان خراسان.....
۲۴	ماموریت قزوین جهت جمع‌آوری الایوس.....
۲۵	آنتی‌ژن استرالیا.....
۲۵	ماموریت ۱۷۹ ماکو و شاه‌آباد ماکو.....
۲۶	حرکت به اکنلو، اردبیل، آستارا.....
۲۷	ماموریت اکنلو.....
۲۷	محلات.....
۲۹	پیدا شدن طاعون وحشی جوندگان در سراب.....
۳۱	ماموریت کپور چال.....
۳۱	ماموریت گناباد فردوس و طبس.....
۳۲	ماموریت از سراب به سراسکندر.....
۳۳	ماموریت اطراف شمال غربی تهران.....
۳۳	ماموریت اکنلو.....
۳۴	بررسی موشهای انباری در تهران بعنوان مخزن بیماریهای مختلف.....
۳۴	ماموریت خوزستان، ماهشهر جهت مداوای مصدومین و مجروحین جنگ.....
۳۵	ماموریت اکنلو.....
۳۵	مطالعه سوری سیاه.....
۳۵	مطالعه نزوکیا اندیکا در مورد تولید مثل.....
۳۵	ماموریت برازجان.....
۳۶	ماموریت زاهدان: بررسی بیماری جذام، لیمشانویوز و لپتوسپیروز.....
۳۷	ماموریت اکنلو.....
۳۷	ماموریت بوشهر.....
۳۸	ماموریت اکنلو.....
۳۸	ماموریت دشت مغان.....

۳۹	ماموریت دشت مغان.....
۴۰	ماموریت زابل.....
۴۱	ماموریت اکنلو- جهت بررسی بیماری طاعون.....
۴۲	ماموریت ماهشهر، بررسی نوع جوندگان و آلودگی آنها.....
۴۲	ماموریت اکنلو جهت بررسی بیماری طاعون، مدت ماموریت ۳۰ روز.....
۴۳	ماموریت سنندج: درمورد بررسی بیماری روستای تخته.....
۴۳	ماموریت زابل: جهت بررسی خون جوندگان.....
۴۳	ماموریت چابهار.....
۴۵	قریه گز منزل.....
۴۵	ماموریت اکنلو.....
۴۶	ماموریت سنندج.....
۴۷	ماموریت فارسان.....
۴۷	ماموریت فیروزکوه.....
۴۸	ماموریت فولاد مبارکه- اصفهان.....
۴۸	ماموریت استان مازندران.....
۴۹	ماموریت گیلان.....
۴۹	ادامه ماموریت اکنلو.....
۵۰	ماموریت مازندران.....
۵۰	ماموریت اکنلو.....
۵۱	ماموریت تهران.....
۵۱	ماموریت گیلان.....
۵۲	ماموریت اکنلو.....
۵۲	ماموریت اکنلو.....
۵۲	ماموریت سرخس.....
۵۳	ماموریت استان گیلان -هشتپر.....
۵۳	جلسه تصمیم‌گیری در رابطه با ادامه فعالیت‌های مربوطه به طاعون.....
۵۴	ماموریت اکنلو.....
۵۴	برنامه ماموریت آموزشی اکنلو.....
۵۵	ماموریت اکنلو.....

## تاریخ پایه‌گذاری انستیتو پاستور ایران

### درباره انستیتو پاستور دولت عالیه ایران

بدنبال بازدید شاهزاده نصرت الدوله وزیر امور خارجه و رئیس هیئت اعزامی ایران (مذاکرات مقدماتی) به کنفرانس صلح، ایشان به اتفاق طبیب شخصی خویش آقای دکتر محمودخان از انستیتوپاریس پاریس دیدن کردند و در این دیدار برنامه تاسیس یک موسسه میکرب شناسی را فی مابین مطرح نمودند. برای اینکار جلسه ای با دکتر رو مدیر انستیتو پاستور پاریس برگزار کردند و کمیسیونی در چندین جلسه تحت ریاست دکتر رو و با عضویت آقایان ذکاء الملک (رئیس دیوان عالی تمیز)، دکتر لقمان الدوله (مدیر اطبای همایونی)، دکتر حکیم الدوله (طبیب مخصوص اعلیحضرت شهبازی) و چند نفر از روسای دوایر انستیتو پاستور پاریس تشکیل دادند و نهایتاً برسر این موضوع به توافق رسیدند و بنا به پیشنهاد دکتر رو آقای دکتر منار به سمت رئیس انستیتو پاستور آینده دولت ایران از طرف کمیسیون انتخاب شد. در همان حال شاهزاده نصرت الدوله موضوع را تلگرافی به دولت تهران گزارش داد و دولت هم بلافاصله موضوع را پذیرفت. در نهایت در مورخه ۸ آوریل ۱۹۲۰ قرارداد استخدام دکتر منار که توسط آقای ذکاءالملک تهیه شده بود بنام دولت ایران از طرف شاهزاده نصرت الدوله امضاء گردید. تشکیل رسمی انستیتو پاستور بعد از ورود مدیر به تهران و تنظیم بعضی مسائل جزئی صورت گرفت. کابینه حضرت اشرف آقای قوام السلطنه در اول سنبله تخاقوی ئیل ۱۳۰۰ (۲۴ اوت ۱۹۲۱) (۲ شهریور ۱۳۰۰) ضمن تصویب نامه شماره ۱۴۳۴ اعتبارات لازمه را تصویب نمودند.

چکیده وظایف انستیتو پاستور هر کشور عبارت است از مطالعه و بررسی و اکتشاف در زمینه بهداشت و سلامت در کشوری که در آن مستقر است. و در صورت تمایل پوشش کشورهای مجاور و سایر کشورها است. بنابراین این ارگان در هر کشوری باید دارای بخشهای مختلف و متخصصین کارآمد در زمینه های مختلف بهداشتی باشد. تا به وظایف و مسئولیتهای پیش رو به درستی عمل نماید

## بیوگرافی مؤلف از زبان مرحوم دکتر یونس کریمی

آقای محمد حنیفی در سال ۱۳۱۵ در دهکده آق بلاغ مرشد از توابع بیجار متولد شد. دوران کودکی و نوجوانی را در زادگاهش گذرانده و بکار کشاورزی مشغول بود. زبان مادریش ترکی و آشنائی مختصری به گویش فارسی داشت. در دهه ۳۰ انستیتوپاستور ایران در روستای اکنلو یک مرکز مطالعاتی دائر کرد تا درباره طاعون که بیماری بومی مناطق مجاور دهکده مذکور بود تحقیقات و بررسی های لازم را به انجام برساند، بنابراین ساختمانی برای آزمایشگاه و استقرار هیئت تجسسی در این روستا بنا کرد. برای انجام فعالیتهای صحرائی افرادی آشنا به محیط را از اهالی دهکده آق بلاغ مرشد بکار می گیرد که از آن جمله آقای محمد حنیفی وظیفه یافتن لانه های موش صحرائی و تله گذاری برای آنها را به عهده می گیرد و در این کار درایت و علاقه خاصی از خود نشان می دهد، تاجایی که به عنوان خدمتگزار آزمایشگاه به استخدام رسمی انستیتوپاستور در می آید. بنا به درخواست انستیتو به تهران می آید و از همان ابتدا تصمیم می گیرد که درس بخواند و زبان فارسی را می آموزد و در این زمینه به سرعت پیشرفت نموده و موفق به اخذ گواهی نامه ششم ابتدائی می شود و در ادامه موفق به اخذ دیپلم می گردد. در طول سالهایی که در انستیتو پاستور کار می کند آشنائی کافی و وافی را در رابطه با همه گیر شناسی طاعون وحشی (اپی زئوسی) به دست آورده و نه تنها در شناسائی جوندگان وحشی موجود در منطقه بلکه در شناخت این جانوران در سطح مملکت مقامی مورد اعتماد پیدا می کند. مخصوصا که دراکو- بیولوژی این حیوانات نیز مشاهدات و اطلاعات ارزنده ای به دست آورده و می داند که هر جونده چه نوع زمینی را برای سکونت و لانه سازی انتخاب می نماید و مشخصات و معماری لانه جوندگان مختلف را از لحاظ عمق و دالانهای انشعابی خواهد شناخت. واضح است که این معلومات با ارشاد و راهنمایی اساتید برجسته و معروف جهانی چون آقای دکتر میزان از بلژیک و دکتر دوگلاس لی از دانشگاه شیکاگو و صبرو پشتکار ایشان به دست می آید. در اجرای برنامه های تحقیقاتی انستیتو پاستور با کندن صدها لانه و مشاهده جزئیات ساختمان آن و همچنین با قالب گیری ده ها لانه که متعلق به انواع مختلف موش های صحرائی و این روشی ابتکاری و نوینی است و برای اولین بار در ایران انجام گرفته، تجربیاتی به دست می آورد که منحصر به فرد می باشند. و حاصل این بررسی ها و تلفیق یافته ها نکات بسیاری از همه گیرشناسی طاعون را بیان می کند و علت ابقاء آن را در طبیعت روشن می سازد و همچنین از کارهای ایشان شناخت کانونهای وحشی این بیماری به کمک آزمایشات سرمی از روباه است.

در اجرای این برنامه مشارالیه در کنار گروه تحقیق انستیتو نقش بزرگی را عهده دار می شود که مختصر آن، شرکت مستمر و خستگی ناپذیر در عملیتهای صحرائی و شکار شبانه روباه و سایر حیوانات وحشی و نیمه اهلی می باشد.

از دیگر یافته های مهم گروه تحقیق و تجسس انستیتو پاستور ایران با شرکت فعال ایشان کشف رمز بقای طاعون در طبیعت است و آن عبارت از نگهداری باسیل عامل بیماری در خاک عمق لانه های جوندگان تلف شده از طاعون می باشد که مورد توجه خاص دنیای علم و دانش قرار گرفته است. این پدیده تحت عنوان «طاعون خاکی» به جهانیان معرفی شده که می تواند سبب اشتعال و بروز مجدد اپی زئوسی پس از سالها خاموشی گردد.

## بیوگرافی مؤلف از زبان دکتر مهدی آسمار

خداوند را شاکرم که به این حقیر منت نهاد و سعادت را به بنده ارزانی داشت تا بتوانم قسمتی از بیوگرافی همکاری صدیق و خادم این ملت، آقای میرزا محمد حنیفی کارشناس اسبق بخش همه گیری شناسی (اپیدمیولوژی) انستیتو پاستور ایران را و لو ناقص و به اختصار به رشته تحریر در آورم.

آقای میرزا محمد حنیفی فرزند قاسم متولد ۱۳۱۵/۰۴/۰۱ صادره از روستای آق بلاغ مرشد همدان سند زنده و گویای تاریخچه بیماری طاعون (مرگ سیاه) می باشد. نامبرده مصادف با اولین بروز و شیوع بیماری طاعون در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در روستای آق بلاغ مرشد واقع در مرز مشترک کردستان و همدان جوانی ۱۵ ساله بودند که بروز بیماری طاعون را از نزدیک مشاهده نموده و تعدادی از افراد فامیل خود را در اثر ابتلاء به بیماری طاعون از دست داده اند.

بهنگام بازدید مرحوم آقای پرفسور بالتازار رئیس اسبق انستیتو پاستور ایران از منطقه مزبور و تأیید بروز اپیدمی طاعون آقای محمد حنیفی را به همکاری در تحقیقات صحرائی انتخاب نموده و برای مدت ۳ سال مسئولیت راندگی را در فیلد تحقیقات طاعون به ایشان محول نمودند تا آنکه در سال ۱۳۳۸ به دلیل رضایت کامل از وضعیت همکاری ایشان، وی را به استخدام رسمی انستیتو پاستور ایران در آوردند.

آقای محمد حنیفی سالها به عنوان تکنسین قوی و فعال در معیت آقایان دکتر بهمنیار، دکتر پورنکی، دکتر شمس، دکتر کریمی و اینجانب فعالیت داشته اند و بدلیل حسن انجام کار به سمت کارشناس آزمایشگاه نایل آمده اند. نامبرده فردی صدیق، متواضع و پرتوان در تحقیقات صحرائی بوده اند.

ایشان در معیت آقای دکتر مستشفی و دکتر لی (Lay) دانشمند بلژیکی جونده شناسی را بخوبی فرا گرفته و سالها بدون توسل جستن به کتابهای کلیدی جوندگان را در نقاط مختلف کشور مورد شناسایی قرارداد و با شناخت کامل فون و انتشار جوندگان، تحقیقات طاعون و سایر بیماریها ناشی از جوندگان را تکمیل نموده اند.

اولین بار وجود مریون تریسترامی توسط ایشان در مرز جلفا کشف و گزارش گردیده است.

اینجانب شاهد کنجاویها و پشتکار قوی ایشان در شناسایی جوندگان و گوشتخواران بوده ام.

نامبرده همه روزه با طلوع نور خورشید تحقیقات خود را در بیابانهای کشور در زمینه بیماریها، بویژه بیماریهای طاعون آغاز نموده و تا غروب آفتاب ادامه داده و شبها به بررسی گوشتخواران به عنوان مخازن بیماریها پرداخته است. مأموریتهای نامبرده در اقصی نقاط کشور با صلابت فراوانی انجام گرفته و در مواردی با حوادث قابل ملاحظه ای همراه بوده است.

اکنون که چند سالی است ایشان به افتخار بازنشستگی نایل آمده اند دائماً مترصد چگونگی وضعیت بیماری طاعون در کشور بویژه در کانون طاعون خیز کردستان می باشند.

با آرزوی صحت و سلامتی وجود، برای ایشان توفیق روز افزون آن بزرگوار را از درگاه ایزد منان را خواستارم.

## طاعون در آق بلاغ

طبق اظهارات مرحوم سید مسعود ناصری زاده کدخدای وقت آقبلاغ مرشد طاعون زدایی در این روستا به آذر ماه ۱۳۲۶ برمی گردد.

اتفاقات رخ داده در این سالها آن چنان وحشتناک بود که پس از چند دهه برای این جانب (مولف) فراموش نشدنی است. تا آنجایی که به یاد دارم بیماری طاعون در اواخر آبان و اوایل آذرماه ۱۳۲۶ شمسی در روستای آقبلاغ مرشد بروز پیدا کرد و اولین نفر که از بیماری طاعون مرد سید عباد فرزند سید محسن بود. روز دوم عموی سید محسن (سید نصرت الله) و روز سوم خود سید محسن برحمت خدا رفتند. در طول چهار روز بعد از مرگ سید محسن، چهار نفر دیگر از اعضای خانواده سید محسن که دو خانم و دو پسرش به نامهای سید عزت و سید رحمت بودند از بیماری طاعون جان دادند. روز پنجم اپیدمی بود که زن و دختر سید نصرت الله نیز فوت شدند. بیماری به خانه های هم جوار سرایت کرد و تمامی اهالی روستا را به وحشت انداخت. مردم روستای من با توجه به گفته های ریش سفیدان از وجود همچین بیماری در قدیم اطلاع داشتند و آن را عذاب الهی می پنداشتند. از آنجایی که از کسی کاری ساخته نبود اینجانب (مولف) و مرحوم میرزا موسی خان حکیمی نامه ای به تهران برای مالک روستا، مرحوم محسن خان قراه گوزلو نوشتیم. ایشان در تهران رئیس تشریفات دربار بودند. نامه بعد از چهارروز به دست مالک روستا رسید و ایشان با تماس تلفنی از بهداری همدان تقاضای کمک کرده بودند. از طرف بهداری همدان یک دکتر بنام آقای طبا به روستا آمد. از آنجایی که یکی از نویسندگان نامه من بودم و در سن وسال نوجوانی بسر می بردم آقای دکتر از من سوال کرد:

چند نفر تا بحال از بیماری فوت شده اند و در حال حاضر چند نفر دیگر بیمار می باشند؟

من در جوابشان به نظرم تعداد افراد متوفی را دقیق بیان نکردم و بلافاصله گفتم فعلا ۳ نفر بیمار هستند.

ایشان از من نشانی بیماران را جویا شد و با دکتر به دیدن یکی از آنها رفتیم. بیمارزبیده خانم نام داشت و تا سرش را برای معاینه شدن از روی بالین بلند کرد به رحمت خدا رفتند و این صحنه آقای دکتر را به وحشت انداخت و رنگشان پرید. دکتر از من پرسید: آیا همه همینطور می میرند؟  
گفتم: بلی.

آقای دکتر بلافاصله به همدان برگشت و بعد از دو روز که از رفتن دکتر گذشت و اتفاقا مصادف با عاشورای آن سال بود، آقای دکتر بالتازار و دکتر سیادت با چند نفر دیگر و دو دستگاه کامیون از تهران به همدان و از آنجا به روستا آمدند. ناگفته نماند بعد از رفتن دکتر طبامن و تاج دولت همشیره سید عباد به بیماری مبتلا شدیم و با رسیدن دکتر بالتازار و دکتر سیادت بلافاصله من موضوع بیماریمان را به دکتر سیادت گفتم و فورا به ما آمپول تزریق کردند و قرصهای زیادی به ما دادند، آن شب چهارمرتبه به ما سرزدند و مرتب به ما دارو می دادند. تا حدودی حال ما بهتر شد. بعد از سه روز کاملا خوب شدیم. اکیپ برای قرنطینه کردن روستا از پاسگاه گل تپه نیروی ژاندارم خواستند و با کمک این نیروها رفت و آمدها به روستا محدود و کنترل می شد. رفت و آمد به روستا خیلی کم شده بود. اکیپ اعزام شده به مدت بیست و چهار روز روستا را تحت نظر داشتند و بطور مداوم به درمان و سم پاشی می پرداختند. بعد از آن پزشکان زیادی از جمله دکتر سعیدی و دکتر سیدیان و دکتر زارع به روستا آمدند و زمانی که خیالشان از بابت شفا یافتن بیماران و سم پاشی مناطق آلوده کاملا راحت شد از آنجا رفتند، البته موقع رفتن به میرزا موسی خان حکیمی دستور دادند که اگر کسی مجددا مریض شد و اتفاق تازه ای افتاد بدون فوت وقت آنها را باخبر کنند. تا زمستان اتفاق تازه ای نیفتاد و زمستان آن سال برف سنگینی بارید که در بعضی جاها به نیم متر می رسید در این شرایط دکتر سیدیان رهسپار روستای ما شده بود. مسیر را تا روستای قهرود با اتومبیل آمده بود و از آنجا مسافت هجده کیلومتری قهرود به آقبلاغ مرشد را با یک الاغ و دو نفر از اهالی قهرود طی کرده بود. بعد از اطراق در آقبلاغ مرشد روستا و مردم را بوسیله د.د.ت سم پاشی نمودند، حتی روستاهای (کهنه حصار، قره نقره، باش قورتران، جبرئیل، کلوچه، خانباغی) که در همجواری آق بلاغ مرشد بودند را با عبور از میان برف سنگین یک به یک سم پاشی نمودند و بعد از آن به تهران برگشتند. اوایل سال ۱۳۲۷ دکتر نونژاد با یک اکیپ هفت نفره وارد روستا شدند و کل روستا و دام و سایر حیوانات اهلی مردم روستا را سمپاشی کردند. بعد به سمپاشی کردن روستای سلامت اباد و فاصله مابین اکنلو و قهرود را هم سم پاشی نمودند.



مرحوم دکتر سیادت هم یک روز در میان به روستا سر می زدند و مراحل سم پاشی را در جایگاههای مختلف تحت نظر قرار می دادند. چند بار هم دکتر بالتازار آمدند و پیگیری های لازم را با دکتر سیادت انجام دادند تا عمل سم پاشی به بهترین نحو انجام بگیرد.

در سال ۱۳۲۸ اکیپی متشکل از دکتر بالتازار و چند نفر دیگر به روستا آمدند. ماموریت آنها صید موش و سایرچوندگان اطراف بود. حتی موشهای صید شده توسط مردم را خریداری می کردند و در آقبلاغ مرشد مورد آزمایش قرار می دادند. در سال ۱۳۲۹ کارهای اولیه جهت آزمایشگاه تحقیقاتی در روستای اکنلو آغاز شد و با اینکه ساختمان و تجهیزات آن هنوز کامل نبود اما آقای دکتر بهمینار مسئولیت آن را بر عهده داشت. زمستان همان سال دکتر پورنکی سختی راه و برف و سرما را به جان خرید و برای مطالعه در روستا ساکن و در ساختمان ناتمام آزمایشگاه مقیم شد. ساختمان آزمایشگاه یا بهتر بگویم پایگاه تحقیقاتی اکنلو در سال ۱۳۳۲ به اتمام رسید و کامل شد. از آن پس پزشکان زیادی به اکنلو در آمد و رفت بودند، از جمله دکتر شمس، دکتر مستشفی، دکتر کریمی و علاوه بر اینها دکتر بالتازار هم در مدت دوسال هر سال دو و یا سه نوبت به آنجا سر می زدند و روستای آقبلاغ را کاملا تحت کنترل داشتند تا اینکه به لطف خدا و همکاری تمام این عزیزان بیماری به طور کامل در این منطقه رفع شد. اینجانب (محمد حنیفی) در آن سالها در سن نوجوانی به سر می بردم و تاحدی آشنا به خواندن و نوشتن بودم و مهمتر از اینها به منطقه صحرا اشراف کامل داشتم. این عوامل باعث شد که از همان ابتدا عضوی ثابت در تمام فعالیتهای اکیپهای اعزامی به منطقه باشم و بعد از رفع بیماری در آن سالها دکتر بالتازار مرا بعنوان کارمند انستیتو پاستور به خدمت گرفتند. بعدها حاجی خیرالله زاده را که از دوستان و همشهری بنده بود پس از موافقت دکتر بالتازار وارد این عرصه نمودم. بنده بارها از دکتر شنیدم که می فرمود: زحمات این دو نفر خصوصا میرزا محمد حنیفی در این عرصه طاقت فرسا خیلی به ما کمک کرده و مثمرتر بوده است.

خیلی از اسامی و اشخاص و بعضی از چیزها را فراموش کرده‌ام تا برای شما خوانندگان عزیز بیان کنم از آن جمله پروفیسورها، دکترها و کارمندان زحمت کش مسئول گرفته تا سایر افراد غیرمسئول که خداوند رفتگانشان را مورد رحمت و بازماندگان را مورد عنایت بیکران خود قرار بدهد.

الاحقر سید مسعود ناصری زاده

تا آنجا که بیاد دارم در اپیدمی طاعون که در آقبلاغ مرشد به تاریخ ۱۳۲۶/۹/۱ رخ داد افراد زیر بدلیل بیماری متوفی شدند:

۱- سید عباد فرزند سید محسن ۲- سید نصرت فرزند سید یحیی ۳- سید محسن فرزند سید یحیی ۴- حبیبه خانم همسر سید محسن فرزند سید مهدی و خواهر سید یوسف ۵- عالیه خانم همسر سید نصرت که حامله بود ۶- حاجیه خانم فرزند سید نصرت ۷- سید رحمت فرزند سید محسن فرزند ناصر ۸- فرخنده خانم خواهر سید مسعود ۹- سید عزت فرزند سید محسن ۱۰- سید حسین فرزند سید ناصر ۱۱- چمن خانم همسر سید حجت که حامله بود ۱۲- سید حجت فرزند سید ناصر ۱۳- قدم خیر مادر چمن خانم ۱۴- سید حمیده مادر سید حجت ۱۵- آهو خانم همسر حسن علی همسایه ۱۶- عسکر فرزند علی اصغر کارگر سید نصرت ۱۷- زبیده خانم همسر علی اصغر و مادر عسکر ۱۸- مریم خانم خواهر قربان خان همسایه اشخاصی هم به بیماری مبتلا بودند و درمان شدند در آن سال به شرح زیر می باشند: البته خودم هم یکی از بیماران بودم که خدا روشکر با کمک اکیپ اعزامی از تهران شفا یافتم.

۱- تاجی الدوله دختر سید محسن ۲- سید مسعود فرزند سید ناصر ۳- سید علی اصغر فرزند سید سلیمان ۴- نیمتاج خانم فرزند سید داوود ۵- خوش قدم عروس خانواده

مردم روستا در تاریخ ۱۳۲۶/۹/۱۶ چند روز بعد از رسیدن اکیپ انستیتو پاستور به روستای آقبلاغ مرشد نامه ای برای قدردانی از پرسنل بهداشتی همدان نوشتند، چرا که این اکیپ بعد از رفتن دکتر طباطبائی به همدان وارد روستا شده بود. اصل نامه در دسترس من نبوده ولی مضمون آن تا جایی که به یاد دارم به شرح زیر بود.

## ریاست محترم اداره بهداشتی همدان

اینجانبان اهالی قریه آقبلاغ مرشد که با بیماری خطرناکی مواجه شده بودیم و در مدت کوتاهی بیست و یک نفر از جوانهای ما به خاک مذلت و نیستی سپرده شد. بدین وسیله از اقدامات سریع و به موقع ریاست محترم بهداشتی همدان و هیئت اعزامی از مرکز، جناب آقای دکتر سیادت ریاست اکیپ اعزامی، دکتر مفیدی و آقای حسین پزشکی که بی‌باکانه در مدت توقف خود در این روستا شب و روز مشغول معالجه و دادن دستورات بهداشتی بودند و برادرانه ما را دلجویی و تسکین قلب می دادند و بربالین مریض‌ها حاضر می شدند و تمامی کارکنان و پرسنلی که در این امر مهم شرکت داشتند تشکر و قدردانی می‌نمائیم. این بیماری خیلی مسری بود و به سرعت به دیگران سرایت می کرد تا جایی که نصف آبادی از وحشت بیمار شده بودیم و برای هم وصیت‌نامه می‌نوشتیم اما با رسیدن اکیپ درمانی از طرف شما انگار روح تازه‌ای در بدن اهالی دمیده شد. لذا مجدداً از شما و کارکنان بزرگوارتان تشکر و قدردانی کرده و از مقامات محترم نیز درخواست داریم خدمت این عزیزان را با بهترین پاداش قدر بدانند.

امضاکنندگان نامه:

موسی حکیمی و احد حکیمی، کتاب علی، دوست علی نادری، حسین علی، علی اکبر و میرزا قلی، محمد قلی، علی آقا، علی میرزا، محمدعلی، یوسف.

هرچند روستای ما بر اثر طاعون مصیبت زده بود ولی بواسطه همین طاعون مورد توجه خاص و عام قرار گرفته بود. تا جایی که بیاد دارم در آن سال و بعد از اپیدمی طاعون افراد زیادی به روستای ما سر می زدند واز آن جمله مراجعین خاص به روستا اسامی زیر را بیاد دارم :

در سال ۱۳۲۷ آقایان دکتر نوژاد، دکتر سیدیان، دکتر مفیدی، دکتر زارع

در سال ۱۳۲۸ آقای دکتر بالتازار که مدت بیست و هشتروز در روستا ماندند، همچنین آقایان محسن خان قره‌گوزلو، سرهنگ شیبانی و غلام علی خان پرنگ به آقبلاغ مرشد سرزدند.

سال ۱۳۲۹ آقایان محسن خان، حسینعلی خان قراگوزلو و غلام علی خان پرنگ از راه زال درنو ضلع شمالی باغها به روستای آقبلاغ آمدند.

(گزارش ماموریتها و وعکسهایی که دردفاتر موجود است: (بخش همه گیرشناسی)

دفتر ۳ ماموریت ۱۱ محل سنقر(عکسها دردفتر وجود دارد) ۱۳۲۷/۸/۱۶

عکسهایی از دکتر بالتازار، کامیون و یک جیب، دکتر بهمن یار درحال کالبد شکافی موش.

دفتر ۵ خرم آباد ۱۳۲۸/۸/۲۵

شرح عکسها: دکتر بالتازار درحال مطالعه داخل لانه موش، دکتر سیدیان در حال کندن لانه با بیل باهمکاری دو نفر و عکس پیرمردی با ریش بلند.

دفتر ۶ مریوان ۱۳۲۹

دکتر بهمن یار و عکسهایی از شکار ستیلوس فلووس که بعد از کشمش تپه در راه ماکو به ترکیه در بلندیهای مرز ترکیه صید شد.

دفتر ۷ ماموریت ۱۸ آقبلاغ مرشد ۱۳۲۹ (۲۷/۹/۱۹۵۰ و ۲۷/۸/۱۹۵۰)

عکسها و شرح آنها تا مورخه ۱۳۳۰/۱۱/۱۲

صور تجلسه:

دفتر ۱۱ ماموریت ۲۹ گزردره ۱۳۳۰/۱۱/۲۱ (۲۱/۲/۱۹۵۲ و ۶/۲/۱۹۵۲)

اعلامیه بهداشتی کردستان راجع به بیماری گزردره : ماموریت در مورخه ۱۳۳۰/۱۱/۲۱ انجام شد و بلافاصله بعد از ورود به روستا به کلیه اهالی روستا داروی سولفاتیاژول داده شد تا مصرف کنند. رفت و آمدها به روستا محدود و کل روستا در قرنطینه نیروهای ژاندارم قرار گرفت. بعد از شانزده روز از آمدن ما به روستا خوشبختانه مورد جدیدی از بیماری مشاهده نشد. لذا تیم پزشکی به اتفاق تصمیم گرفتند که برنامه قرنطینه ملغی و رفت و آمد آزاد شد.

۱۳۳۰/۷/۲۷ هیئت اعزامی وزارت بهداشتی و نماینده انستیتو پاستور.

عکسها و شرح مربوطه آنها

دفتر ۱۱ ماموریت ۳۰

نامه وزارت بهداشتی در تاریخ ۱۳۳۱/۱/۱۸ - ۲۳۳/۱۹۵۲/۵/۴ و ۸/۵/۱۹۵۲ به دست آقای دکتر مفیدی رسید و در متن نامه آمده بود که از طرف بنیاد پهلوی اتاقی در بیمارستان در اختیار دکتر مفیدی گذاشته شود تا بتواند به مطالعات خود ادامه دهد.

دکتر فرمان فرمائیان از طرف وزیر

عکسها و شرح آنها تا مورخه ۱۳۳۲/۴/۲۸ در ارتباط با موضوع بیماری.

### **سند و قباله واگذاری ساختمان آزمایشگاه اکنلو از طرف آقای منوچهر قراگوزلو**

۱۳۳۲/۳/۲۹ اینجانب منوچهر قراگوزلو مالک روستای اکنلوی علیا، ساختمان واقع در شمال غربی و مظهر قنات روستا را که به منظور مطالعات بر روی طاعون انسانی و در راستای خدمت به هم نوع ساخته شده است، به شکل عیان به انستیتو پاستور واگذاری نمایم تا تحت نظر پاستور فرانسه از آن استفاده کند و این ارگان می تواند تا پایان مطالعات خویش از آن بهره مند باشد و حق انتقال این ساختمان را به شخص ثالث ندارد.

منوچهر قراگوزلو عکسها و شرح آنها از کارکنان و پرسنل اکیپ در شرایط مختلف: از مورخه ۱۳۳۳/۲/۹ لغایت ۱۳۳۷/۸/۳۰

دفتر ۱۹ ماموریت ۸۱ محل قریه زینل کندی

**گزارش آقایان: دکتر بالتازار - دکتر شمس، اپیدمی طاعون ۱۳۳۷/۸/۲۸ از روستای زینل کندی:** در تاریخ

۱۳۳۷/۸/۱۷ بیماری طاعون در زینل کندی از توابع میاندوآب اپیدمی شد و توسط آقای دکتر انزانی رئیس بیمارستان شیروخورشید سرخ میاندوآب به دکتر بالتازار اطلاع داده شد و در گزارش قید شده بود که "از جمعیت ۳۰۰ نفری روستا در عرض شش روز ۱۲ نفر مبتلا به طاعون شدند که ۳ نفر از آنها فوت شده و یک نفر هم در حال احتضار است، از بقیه نیز دو نفر بهبود یافته و بقیه بستری می باشند. بنا به اطلاع واصله که امروز ۳۷/۸/۲۰ از روستای زینل کندی رسیده تعداد تلفات ۷ نفر و بستریها نیز ۱۸ نفر گزارش شده است."

عکسهایی از مجریان پروژه و محللهای مورد بازدید به همراه اسامی آنها در شرایط کاری مختلف از مورخه ۱۳۳۷/۱۰/۹

لغایت ۱۳۳۹/۱۰/۲۵

### **گزارش بیماری طاعون از سنندج مربوط به قریه نورآباد**

۱۳۳۹/۱۱/۵ - ۱۳۳۹/۱۰/۲۵

پرسنل آقایان: دکتر بهمن یار، دکتر منصور شمسانی، دکتر کریمی، سلمان مصباح، محمد حنیفی، حامد سالار کیا، محمد

خیرالله زاده، رضا پورتقوی

بعد از بررسی بیماری طاعون در روستای نورآباد سنندج، از اکیپ اعزام شده به آنجا، دکتر بهمن یار در سنندج ماندند و من و سایر اعضای اکیپ به سرپرستی دکتر شمسانی عازم استان همدان شدیم تا از آنجا به ایستگاه تحقیقاتی اکنلو برویم. متأسفانه نرسیده به روستای دارقشلاق برف شدیدی باریدن گرفت و راه بسته شد و ما مجبور به بازگشت به سمت همدان شدیم. در کرانه گل تپه کامیون اکیپ خراب شد و در برف گیر کرد. آقایان مصباح و سالار کیا در داخل کامیون خوابیدند و ما به گل تپه برگشتیم. شب رابا وضع بسیار بد و ناراحت کننده ای در قهوه خانه گل تپه سپری کردیم. روز بعد راهی محلی شدیم که کامیون در آنجا خراب شده بود تا شاید کامیون را دوباره بکار بیندازیم. دکتر کریمی و دکتر شمس برای آوردن وسایل و کمک

دوبار راهی همدان شدند و بلاخره کامیون را با جیب روباز به سمت سوباشی بوکسل کردند و خودمان پیاده به راه افتادیم. شب را در قهوه‌خانه سوباشی بسر بردیم و از آنجایی که مطمئن شدیم که ممکن است زمان بیشتری را در سوباشی بمانیم، روز بعد تعدادی لحاف و پتو از داخل کامیون به قهوه‌خانه بردیم. بعد از دو روز از بیجار آمدند و جاده را باز کردند و ما به سمت تهران به راه افتادیم.

عکسهایی از واقعه مربوط با شرح و اسامی پرسنل

عکسها و شرح وقایع و اسامی پرسنل دولتی و محلی که در ماموریتها حضور داشتند از مورخه ۱۳۴۰/۲/۶ الی ۱۳۴۱/۸/۲۷ مربوط به دفتر ۲۸ الی ۳۶

دفتر ۳۶ ماموریت ۱۰۰ محل اهواز- ۴۱/۸/۲۷ الی ۱۳۴۱/۹/۱

به دکتر منصور شمسانی در مورد بیماری فلج در تاریخ ۲۳ آبان ماموریت داده بودند.

دفتر ۳۷- بوکان و میاندوآب ۱۳۴۲/۱/۲۵ و ۱۳۴۲/۲/۲۱

۱۳۴۲/۲/۳۱- آقایان دکتر بالتازار، حسین عسگرنیا، حسین نوروزی، به روستای تقی آباد میاندوآب آمدند و حامد

سالارکیا و حسین نوروزی را به قریه نوروزآباد بردند.

۱۳۴۳/۳/۳ آقای دکتر بالتازار، حسین عسگرنیا و حسین نوروزی به تهران رفتند مناطق کارشده در این ماموریت عبارت

بودند از: روستای حسن آباد، زینل کندی، اسماعیل کندی، آقبلاغ، ترکمان کندی، نکته قابل توجه در این ماموریت که لازم به ذکر است این بود که از لانه پرندگان کک هایی جمع آوری کردیم و بعد از بررسی مشاهده شد که از نظر باسیل طاعون مثبت می باشند و می توانستند بیماری را منتقل کنند.

شرح عکسها در این رابطه دفتر ۳۷ ماموریت ۱۰۳- آقبلاغ مرشد- ۱۳۴۲/۳/۱۲ و ۱۳۴۲/۹/۲

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، دکتر کلن، فیض الله سالارکیا، عباس پیرزاد، زرآبادی، وهاب حضرتی، محمد حنیفی،

سالارکیا، خیرالله زاده، هاشم باهری

مناطق کارشده: خان باغی، جبرئیل، کاکاعباس، قرازنقده، باش قورتاران، گوبازه، والیچو، آقبلاغ، کهنه حصار.

دفتر ۳۸- ۱۳۴۲، در ادامه ماموریت فوق مهمانها آمدند آقای دکتر بالتازار با حامد سالارکیا پیش آقای دکتر سیدیان

رفتند و بعد از پنج روز برگشتند.

۱۳۴۲/۵/۳- آقایان سالارکیا و وهاب حضرتی به اکنلو آمدند و در تاریخ ۱۳۴۲/۵/۱۷ به تهران رفتند.

دفتر ۴۰/۳۹- تا مورخه ۱۳۴۲/۵/۵- عکسها و شرح وقایع و اسامی پرسنل به همراه نوع وسیله نقلیه و پلاک آنها

دفتر ۴۱- ماموریت ۱۰۴ محل کردستان از مورخه ۱۳۶۳/۷/۲۵ میلادی ۱۹۶۳/۷/۲۹ آقای دکتر بهمن یار، قادرآباد

در دفتر فوق نوشته شد در قریه سیدآباد در سال ۱۳۴۴ تعدادی از بچه های روستا به مرضی مبتلا شدند و همگی مرده

اندو معلوم شد که مرگ آنها ناشی از طاعون خیارکی بوده است. در ماموریت ۱۰۵ قید شده است.

دفتر ۴۲ ماموریت ۱۰۶، آقبلاغ مرشد ۱۳۴۳/۲/۲۹- ۱۳۴۳/۸/۲۷

پرسنل آقایان: دکتر کریمی، عباس پیرزاده، سالارکیا، حامد سالارکیا، محمد حنیفی، وهاب حضرتی، محمد خیرالله زاده،

زرآبادی، میرعظیم قاسمی، عباس جعفری و شکرالله حیرانی

وسيله نقلیه یک دستگاه کامیون و شش دستگاه جیب

در مورخه ۱۹۶۴/۶/۱۰ میلادی آقایان: دکتر کریمی و سالارکیا، حامد سالارکیا، شکرالله حیرانی از اکنلو به تهران رفتند.

در مورخه ۱۹۶۴/۶/۱۳ آقایان دکتر بالتازار، دکتر کریمی، حامد سالارکیا و شکرالله حیرانی از تهران به اکنلو آمدند.

دفتر ۴۳، ۴۴، ۴۵ مربوط به ماموریت قبلی ۱۳۴۳ و دفتر ۴۶ ماموریت ۱۰۶ ماموریت قبلی است.

عکسهایی در این رابطه و شرح آنها

دفتر ۴۷ ماموریت ۱۰۸- محل خراسان و گرگان، ۴۳/۳/۵- ۱۳۴۳/۳/۱۳

پرسنل: دکتر شمسانی با افرادی که بعنوان مهمان حضور داشتند و توسط جیب به ماموریت رفتند.

دفتر ۴۷ ماموریت ۱۰۹ محل جاسک چاه بهار، ۴۳/۱/۱- ۱۳۴۳/۱/۱۴

پرسنل: دکتر شمسانی و دکتر ناموری

دفتر ۴۷ ماموریت ۱۰۹، خلیج فارس، ۴۳/۱۱/۱۱ - ۱۳۴۳/۱۱/۱۵ دکتر کیوانفر

دفتر ۴۷ ماموریت ۱۱۰، خلیج فارس، ۴۳/۱۱/۱۷ - ۱۳۴۳/۱۲/۳ دکتر شمسانی و ناموری

در سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۳) آقای ژنرال دوگل رئیس جمهور فرانسه به ایران آمدند.

توجه: فوت آقای عباس آذرنیا

دفتر ۴۷ ماموریت ۱۱۱، اکنلو و آقبلاغ مرشد، ۴۳/۱۲/۵ - ۴۳/۱۲/۱

پرسنل: آقایان، دکتر کریمی، تیموری، محمد حنیفی (نویسنده)، سلمان مصباح، حکیمی جهت گزارش بیماری آقبلاغ آق داغ آمده بود. زمستان بود و دکتر تیموری موقع برگشت نزدیک بود از سرما تلف شود. با وجود سرمای شدید و برف زیاد راهی شدیم و شب به اکنلو رسیدیم. فردا چهارنفر به محل ماموریت آقبلاغ، آق داغ رفتند و بنده برای آوردن بنزین با آقای حکیمی به بیجار رفتیم که مشکلات زیادی پیش آمد.

عکسهایی از ماموریت با اسامی و شرح مبسوط

دفتر ۴۷+۴۸ ماموریت آقبلاغ مرشد، ۴۴/۲/۲۱ و ۱۳۴۴/۶/۱

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، فیاضی، سلمان مصباح، عباس آذرنیا (پیرزاده)، راه کیا، محمد حنیفی، میرعظیم قاسمی، جعفری، خیرالله زاده، وهاب حضرتی

در مورخه ۱۹۶۵/۵/۲۲ آقای وهاب حضرتی به تهران رفتند.

گزارش ۲۰۱ - ۱۳۴۳/۱۲/۱۲

۱- گزارش آقایان: دکتر ناموری، دکتر شمسانی از دفتر مسیون بهداشتی و امدادی بنادر و جزایر جنوب کشور

۲- گزارش واقعه‌های بخش مولوئی فریدن اصفهان بوسیله دکتر بهمن یار و حامد سیادت

در ماموریت یاد شده در راه برگشت از اکنلو به تهران بر اثر واژگونی ماشین در گل تپه، عباس آذرنیا همراه خانواده اش و خواهر محمد خیرالله زاده شهربانو دچار حادثه شدند. در لحظه اول عباس مرده بود و شهربانو خانم هم در بیمارستان همدان بعد از یک هفته فوت شدند. آن روز دکتر فیاض و دکتر کریمی حضور نداشتند و من برای بردن زخمی‌ها به همدان سه بار در رفت و آمد بودم. از آن جایی که مجروحان خانم اکبری و دوتا دختر آذرنیا و شهربانو بودند، برای کمک به مصدومین مجبور شدم، خانواده ام و مادر زنم، خواهر زادهام زهرا و آسیا خانم را در رفت و آمد به همدان به همراه داشته باشم.

۱۹۶۵/۶/۲۷ - قدیر نورعلیان، محمد سلطانی، وهاب حضرتی از تهران به اکنلو آمدند.

۱۹۶۵/۷/۵ - دکتر حضرتی مریض شد و به تهران رفت

۱۹۶۵/۸/۱۶ - آقای فیض الله سالار کیا از اکنلو به تهران رفت.

دفتر ۴۹ ماموریت ۱۱۸ آقبلاغ مرشد - ۱۳۴۵/۷/۲۰ - ۱۳۴۵/۸/۲۵

پرسنل: آقایان دکتر یونس کریمی، سلمان مصباح، فیض الله سالار کیا، محمد حنیفی، اسدالله برندک، حضرتی.

۱۹۶۶/۸/۲۰ (۱۳۴۵) - آقای دکتر شمسانی و آقای دیوسالار و مسیو آندری به اکنلو آمدند.

۱۹۶۶/۸/۲۳ - آقای دکتر شمسانی و آقای دیوسالار و مسیو آندری به تهران برگشتند.

۱۹۷۷/۱۰/۱۱ - دکتر تیموری به تهران رفت

دفتر ۴۸ ماموریت ۱۱۵ - دهکده استان خراسان، ۱۹۶۵/۷/۲۵ - ۱۹۶۵/۷/۲۹

افراد این اکیپ: آقایان دکتر بالتازار و دکتر شمسانی، برات هدایت

دفتر ۴۸ - رشت، ۱۹۶۶/۲/۷ - ۱۹۶۶/۲/۹

دکتر بهمن یار برای مورد بیماری هاری رفته است.

دفتر ۴۹ ماموریت ۱۱۹، محل گیلان، ۴۶-۱۳۴۵ (۱۹۶۷/۵/۸)

دکتر فیاضی برای مورد بیماری هاری رفته است.

دفتر ۴۹ ماموریت ۱۲۰، قزوین، ۴۶ - ۱۳۴۵ (۱۹۶۷/۶/۱۰ - ۱۹۶۷/۷/۱۶)

دکتر شمس و فرد دیگری در مورد فیلم برداری از لانه جوندگان بخصوص در مورد مریون لی بی کوس (m.l) کار می‌کردند. و دکتر تیموری برای مورد بیماری هاری به رودبار رفته بود.

از یادداشتهای تقویم سال ۱۳۴۶

۱۳۴۶/۴/۱۴ حرکت ماموریت به اکنلو به اتفاق آقایان دکتر کریمی، دکتر فیاض، محمد حنیفی

۱۳۴۶/۴/۱۵ با دکتر فیاضی در فیلد مشغول کار شدیم

ماموریت اداره شکاربانی سال ۱۳۴۷ - کرمان

۱۳۴۷/۸/۱۷ - ماموریت مشهد،

سازمان شکاربانی در راستای همکاری با موزه شیکاگو برای جمع آوری جونندگان و گوشتخواران در خراسان از انستیتو پاستور در خواست همکاری کرده بود و انستیتو پاستور من را برای همکاری با آقای دکتر داگلاس لی (که از متخصصان دانشگاه شیکاگو بود) در امر شناسایی و جمع آوری جونندگان و گوشتخواران معرفی و مامور کرد. با قطار به مشهد رفتم. بلافاصله بعد از پیاده شدن از قطار به اداره شکار بانی تلفن زدم تا مرا از راه آهن به آنجا ببرند. رئیس اداره شکاربانی اتاق خود را آینه کاری کرده بود. یادم می آید بلیط قطار درجه یک تهران - مشهد ۶۵۰ ریال بود. بعد از ظهر همان روز همراه دکتر داگلاس به سمت سرخس حرکت کردیم و از آنجا راهی روستاهای اطراف سرخس شدیم. نزدیکی های شهر در روستای نوروزآباد، سرخ چادر زدیم و برای اولین بار مریون مرید یانوس را در همان نزدیکی شکار کردیم که توسط دکتر داگلاس شناسایی و تایید شد.

۱۳۴۷/۸/۲۱ به مشهد برگشته و در اداره شکاربانی بودیم.

۱۳۴۷/۸/۲۴ به تهران آمدیم.

۱۳۴۷/۸/۲۵ به اتفاق آقایان دکتر بهمن یار از انستیتو پاستور و فردی بنام نیکوئی و دکتر داگلاس لی. و هارسنگو، فرگوسین به طرف اصفهان، شیراز، اندیمشک، شوش، کازرون حرکت کردیم و چند روزی را در حاشیه دریاچه نامور و غار شاهپور برای شکار خفاش سپری کردیم. دکتر بهمن یار زودتر به تهران برگشتند. در این مدت غار شاهپور ایستگاه ما در آن منطقه بود.

۱۳۴۷/۹/۱ - از اهواز با قطار به تهران آمدیم.

۱۳۴۷/۹/۴ - از طرف سازمان شکاربانی بعنوان کارمند موقت دکتر داگلاس لی با هواپیما به کرمان رفتم تا به ایشان در امر جمع آوری و شکار جونندگان و شناسایی آنها کمک کنم. به مدت ده روز در مناطق کرمان با دکتر داگلاس بودم. مسئول اداره شکاربانی فردی به نام غلامرضا ژند نام داشت که شخصی فاضل و اهل نماز و روزه بود و با هم به زیارت شاه نعمت الله ولی در ماهان رفتم و آقای آرا که در لاله زار تهران مغازه اسلحه فروشی داشت را خوب می شناخت. (حکم کارگزینی موجود)



تاریخ ..... ۱۳۴۷/۹/۱

شماره ۱۱۴۴ - ۱۱ - ۱۷۱

سازمان شکاربانی و نظارت برصید

پیوست

اداره

اداره کل شکاربانی و نظارت برصید کرمان

آقای محمد حنیفی کارمند موقت آقای Ley ( یکی از متخصصین دانشگاه شیکاگو )  
بمنظور گرفتن انواع موش و بعضی جانوران کوچک دیگر که از لحاظ مطالعات علمی دانشگاه  
مزبور ضرورت دارد عازم مسافرت باستان کرمان میباشد .

چون نامبرده در مدت چهار الی هشت روز مسافرت احتیاج دارد که در اطراف  
کرمان برای منظور فوق از یک دستگاه لند رور آن اداره استفاده نماید لذا دستور فرمائید  
حتی المقدور برنامه مأموریتهای مأمورین و خود رو مربوطه را در ظرف این مدت طوری تنظیم  
نمایند که با کار آقای حنیفی مطابقت داشته و ضمانتنامه ای هم بوظایف و مأموریتهای محوله  
وارد ننموده و تا اندازهای که مقدور باشد تسهیلات لازم فراهم گردد ضمناً مشارالیه از لحاظ  
سایر هزینه ها ( از قبیل پذیرائی و غیره ) کوچکترین تحمیلی ببودجه سازگان نخواهد  
داشت . ه /

رئیس سازمان شکاربانی و نظارت برصید

اسکندر رفیروز

از طرف  
فاسم زندی پور

گیرنده :

آقای محمد حنیفی جهت اطلاع و مراجعه به آقای غلامرضا زند رئیس اداره کل شکاربانی و نظارت برصید  
کرمان .

واقعہ خوب: فکر کنم ۱۳۴۷/۹/۱ بود و در ماموریتم با دکتر داگلاس در نزدیکی کرمان مشغول بکار بودم به همراه  
افسران شکاربانی به روستای گلومک واقع در نزدیکی شهر کرمان رفته بودیم آنها به طرف کویر حرکت کردند و مرا در روستا

که مخروبه بنظر می رسید برای کار تله گذاری تنها گذاشتند. من هم تعدادی تله با دقت در اطراف خانه‌ها و دیوارها کار گذاشتم و منتظر افسران شکاربانی شدم تا از کویر برگردند و همراه آنها راهی کرمان شویم. چیزی برای خوردن با خود نبرده بودم و گرسنگی برمن چیره شد و در این ده مخروبه هم نه جایی برای خرید بود و نه کسی پیدا میشد تا چیزی از او بگیرم. بی هدف در روستا شروع به قدم زدن کردم و حدود ساعت ۷/۵ عصر پیرمردی را دیدم که به سمت من می آمد. خداراشکر بالاخره یک نفر آدم را اینجا دیدم.

پیرمرد سلام کرد و گفت: آقای مهندس تمام اهالی روستا کوچ کرده و از اینجا رفته اند. فقط من و زنم اینجا مانده ایم. امروز بزغاله ای را ذبح کرده ام و برای شام از دل وجگر آن غذایی تدارک دیده ایم و نان تازه هم پخته ایم. آمده ام تا از شما خواهش کنم با ما بیائید و به اتفاق هم آن را بخوریم.

من با خوشحالی گفتم: با کمال میل و ایشان خیلی خوشحال شدند. این نعمت خدادادی را هیچ وقت فراموش نمی کنم چون خیلی گرسنه بودم و هیچ چیز هم برای خوردن نبود.

بعد از اتمام کار در کرمان و به علت اینکه دیگر پولی برای خرج کردن نداشتم مجبور شدم با قطار به تهران برگردم. ۴۷/۹/۱۳ با قطار از کرمان حرکت و روز پنجشنبه ۴۷/۹/۱۴ به تهران رسیدم.

دفتر ۵۰ ماموریت ۱۲۴ آقبلاغ مرشد، ۴۷/۵/۴ - ۱۳۴۷/۶/۳

پرسنل: آقایان دکتر کریمی سالارکیا، سلمان مصباح، محمد حنیفی، محمد خیرالله زاده، وهاب حضرتی، میرعظیم قاسمی، اسداله برندک، یک فرانسوی بنام آقای خاصی، دکتر تیموری

وسيله نقلیه: یک کامیون دوج و پنج جیپ

۱۹۶۸/۸/۷ - دکتر تیموری و سلمان مصباح به تهران رفتند

۱۹۶۸/۹/۱۵ آقایانی که جهت سمینار طاعون آمدند: دکتر شمساء، دکتر افتخاری، آقای داویس، آقای دکتر مولارکا،

هودسون و دکتر مسانگی

عکسها و شرح مبسوط آنها.

دفتر ۵۰ ماموریت ۱۲۵ آق بلاغ - ۴۷/۷/۲۲ - ۱۳۴۷/۸/۱۲

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، ف. سالارکیا، سلمان مصباح، اسدالله برندک، محمد حنیفی، وهاب حضرتی، میرعظیم

قاسمی، محمد خیرالله زاده

وسيله نقلیه: کامیون و چند دستگاه جیپ

واقعه ابتلا آقای اسدالله برندک به طاعون: ۱۳۴۷/۷/۲۲

اسدالله برندک در تهران مبتلا به طاعون شده بود و از آنجاییکه در بین راه کباب خورده بودیم و تب و لرز داشت ما برای مزاح و سربر سر گذاشتنش می گفتیم که بیماریش بخاطر کبابی بوده که در بین راه خورده اما وضعیتش وخیم شد تا جایی که بیماریش حالت سپتی سمی پیدا کرد و مدت سیزده روز بستری شدند، گاهی دمای بدنش تا ۴۱ درجه بالایی رفت و شکر خدا توسط دکتر کریمی معالجه گردید.

شرح عکسها: قالب گیری از جوندگان و از لانه روباه

دفتر ۵۱ ماموریت ۱۲۶ محل آقبلاغ مرشد، ۱۳۴۹/۲/۱۰ - ۱۳۴۹/۳/۲۹

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، ف. سالارکیا، اسدالله برندک، میرعظیم قاسمی، محمد حنیفی، وهاب حضرتی، دکتر بهمن

یار، مهندس دیهمی، مسیو والادیا، ابوالفضل اوتادی، سلمان مصباح

۱۳۴۹/۲/۲۴ آقا سید مسعود ناصری زاده به خانه ما آمد و مستاجر ما شد و ماهیانه ۲۱۰۰ ریال بابت اجاره خانه پرداخت

می کرد.

ماموریت اکنلو، برنامه وبا با پرسنل فوق ۱۳۴۹/۳/۲۱

حرکت ماموریت از تهران به اکنلو در اثر شیوع بیماری وبا در تهران ماموریت در تاریخ ۱۳۴۹/۳/۳۰ تعطیل شد و اجبارا

به تهران برگشتیم. از روز ۱۳۴۹/۳/۳۱ تا ۱۳۴۹/۴/۸ به سرپرستی آقایان دکتر منصور شمساء و دکتر کریمی در بخش

همه گیرشناسی انستیتو پاستور و با نظارت دکتر بالتازار مشغول تهیه مایه غلیظ واکسن وبا بودیم. و اکثر روزها تا ساعت ۵ عصر



بدون اضافه کاری مشغول به کار بودیم و بر روی سوشهای مختلف (انابا، اوگاوا، التور) باکتری وبا کار می کردیم. وبعد از کارسخت و شبانه روزی زیاد واکسن وبا را حاضر کردیم .

می خواستند واکسن را برای استفاده عموم به مراکز بهداشتی درمانی معرفی کنند که دکتر بالتازار موافقت نکرد و دستور داد که این کار انجام نگیرد. زیراسازندگان این واکسن ما بودیم و باید امتحانش را پس می داد. صبح یک روز دکتر بالتازار وارد بخش شد و دستور داد یک نمونه از واکسنی که توسط ما تهیه شده بود را برایش بیاوریم بعد اولین دوز واکسن را به خودش تزریق کرد. سپس به دکتر شمساء و دکتر کریمی تزریق کردند. بعد از یک هفته که واکسن ساخته شده نتیجه رضایت بخش خود را نشان داد دکتر بالتازار دستور استفاده عمومی آن را صادر کردند.

دفتر ۵۱ ماموریت ۱۲۸، آقبلاغ مرشد، ۴۹/۷/۱۰ - ۱۳۴۹/۸/۵

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، دکتر تیموری، برندک، محمد حنیفی، وهاب حضرتی، عظیم قاسمی، م. حسین زرآبادی. عکسها در این رابطه و شرح مربوطه جمعا ۱۳ عکس

دفتر ۵۱ آقبلاغ مرشد، ۵۰/۵/۲۳ - ۱۳۵۰/۶/۲۹

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، تیموری، برندک، م. حنیفی، وهاب حضرتی، عظیم قاسمی، با همان وسایل نقلیه قبلی ۱۹۷۱/۸/۱۸ - آقایان دکتر ناموری، تیموری، م. حسین زرآبادی از تهران به اکلنو آمدند.

۱۹۷۱/۸/۱۹ - آقایان دکتر ناموری، وزرآبادی به تهران برگشتند.

دفتر ۵۲ ماموریت ۱۲۹ تربت جام و تایباد ۵۰/۷/۱۰ - ۱۳۵۰/۸/۱۳

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، تیموری، محمد حنیفی، وهاب حضرتی، عظیم قاسمی، م. خیرالله زاده، م. حسین زرآبادی، وسایط نقلیه یک دستگاه کامیون و دو جیپ

حرکت از تهران ۱۳۵۰/۷/۱۰ شب رادرگرگان اتراق کردیم و در مورخه ۱۳۵۰/۷/۱۱ به مشهد رسیدیم شب آنجا خوابیدیم. ماندیم و در تاریخ ۵۰/۷/۱۲ به تربت جام رسیدیم. در مورخه ۵۰/۸/۱۳ از تربت جام به مشهد و سپس از مشهد به گرگان و در مورخه ۱۳۵۰/۸/۵ به تهران رسیدیم.

در زمان ماموریت در تربت جام با شخصی بنام آقای دکتر کوثری آشنا شدم که از طرف دولت تبعیدش کرده بودند. هر روز از صبح تا ظهر در بیمارستان کار می کرد و بعد از ظهر در منزلش می ماند و امکانات زندگیش عبارت بود از یک اتاق کفپوش شده با زیلو، یک دست رختخواب و یک چمدان دارو. بعد از ظهرها مردم را در منزلش ویزیت می کرد و کسانی را که پول نداشتند رایگان ویزیت می کرد و به آنها داروی مجانی می داد. یک شب دکتر کریمی ایشان را به شام دعوت نمودند و دکتر کوثری درخواست کرد با هم روی زیلو نشسته و شام بخوریم.

## مناطق کار شده در تربت جام

دفتر ۵۲ ماموریت ۱۳۲ ماموریتهای متفرقه - ۱۳۵۱

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، تیموری، صالحی عمرانی، محمد حنیفی، م. خیرالله زاده، عظیم قاسمی، کاظم ارغند، وهاب حضرتی، م. حسین زرآبادی

اکنلو: ۵۱/۳/۲۳ - ۱۳۵۱/۴/۱۹ / بوکان - میاندوآب: ۵۱/۴/۱۹ - ۱۳۵۱/۵/۷

رضائیه (ارومیه): ۵۱/۵/۱ - ۱۳۵۱/۵/۳۱ / ماکو: ۱۹۷۲/۸/۲۳ - ۱۹۷۲/۹/۳

اردبیل: ۵۱/۶/۱۳ - ۱۳۵۱/۷/۳

۵۱/۳/۲۲ حرکت ماموریت از تهران به اکلنو به رانندگی آقای زرآبادی

۵۱/۴/۱۹ حرکت ماموریت از اکلنو به بوکان و روز وفات مادرم

۱۳۵۱/۴/۲۵ - حرکت از بوکان به تهران جهت ختم مادرم چون ۵۱/۴/۲۶ روز هفت مادرم بود.

از بوکان به سمت آقبلاغ مرشد براه افتادم نرسیده به روستا گوسفندی گرفتم و به اکنلو رفتم. بعد از پایان هفت مادرم خاله‌ام مادر حاجی عبدالله و خواهرم راضیه را به تهران آوردم که شب به تهران رسیدیم.

۵۱/۴/۲۸- خواهرم و خاله‌ام را از تهران به اکنلو آوردم و با خواهرم از مسیر بیجار- سقز به سمت بوکان که اکیپ

تحقیقاتی آقای دکتر کریمی آنجا بودند راهی شدیم. شب به بوکان رسیدیم

۵۱/۵/۵- دکتر کریمی از بوکان به تهران رفت

۵۱/۵/۸- حرکت ماموریت به طرف رضائیه

۵۱/۵/۱۰- دکتر کریمی از تهران به رضائیه آمدند

۵۱/۵/۲۲- آقای زرآبادی از رضائیه به تهران رفت. بنده (حنیفی) و پرسردکتر کریمی هر دو مریض شده بودیم.

۵۱/۵/۲۶- آقای زرآبادی از تهران به رضائیه برگشت.

۵۱/۵/۲۸- بنده از رضائیه به تهران رفتم چهلم مادرم، ساعت ۹/۵ رسیدم مهمان داشتیم.

۵۱/۶/۹- از تهران به ماکو برگشتم چون به ماکو رفته بودم.

۵۰/۶/۱۱- حرکت دکتر کریمی با خانواده از ماکو به تهران

۵۱/۶/۱۲- حرکت اکیپ از ماکو به اردبیل

۵۱/۶/۱۸- دکتر کریمی از تهران به اردبیل آمد. در راه تصادف کرده بود و یکی از چراغهای لندروور شکست.

۵۱/۷/۲- حرکت از اردبیل به بندرانزلی، ۵۱/۷/۳ از بندرانزلی به تهران برگشتیم.

توجه: در ۱۳۵۱/۴/۱۳ افراد ذیل به اکنلو آمدند و در تاریخ ۵۱/۴/۱۵ به تهران رفتند آقایان: دکتر فرمائی، دکتر

بهمن‌یار، سلمان مصباح، محمود ایمانی پسند، هوشنگ مسعودی و سهرابی.

عکسهای دفتر ۵۳ ماموریت ۱۳۲ ادامه ماموریت قبلی، شرح عکسها و اسامی افراد در حین انجام برنامه‌های مختلف.

چونندگان صید شده در حومه ماکو- ۱۳۳۴/۷/۲۱

۱- مریون پرسیکوس

۲= مریونس وینوگرادووی

۳- مریونس ترسترامی

۴- کریسیتلوس

۵- میکروتوس سوسپالیس

۶- میکروتوس اروالیس

۷- کالاموسکوس

۸- الاکتاگا ۱

۹- ستیلوس فولوس

۱۰- مار افعی خیلی زیاد

۱۱- مار افعی سیا و زرد

## مناطق کار شده در ماکو

۱- تازه کند ۲- نایب کنده ۳- قل الدرن ۴- بدولی ۵- کشمش تپه ۶- محمد کنده ۷- کلاب کنده ۸- ماکو ۹-

هندوران ۱۰- کولان قران ۱۱- کهنه قزداغ ۱۲- کش ارخی ۱۳- قزداغ جدید ۱۴- یعقوب کنده ۱۵- کجوت

در تاریخ ۱۳۵۴/۷/۲۶ زمانی که در ماکو ماموریت داشتیم در روستای قزداغ کهنه برای صید چونده تله گذاشته بودم تا از

نظر آلودگی به طاعون و تب راجعه بررسی شوند. چوپان سی عدد تله ما را برده بود و من هم عصبانی به دنبالش رفتم وقتی او

را دیدم در حال گرم کردن شیر گوسفند بود و من یک کشیده به او زدم و او را پیش کدخدا بردم. کدخدا هم با او حرف زد. فردای آن روز چوپان ۵۰ عدد تله ما را شکست و از آن منطقه کوچ کرد و رفت. نتیجه رفتار بد.

دفتر ۵۳ ماموریت ۱۳۳ سیستان و بلوچستان: ۱۳۵۲/۲/۱۱ - ۱۳۵۲/۳/۱۶

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، دکتر فیاضی، دکتر تیموری، محلاتی، محمدحسین زرآبادی، حبیب جعفری، حامد سالارکیا، میرعظیم قاسمی، هاشم باهری.

اتومبیل‌ها همان وسایط قبلی بودند.

دفتر ۵۴ ماموریت ۱۳۴ خوزستان، دزفول و میناب ۱۳۵۲/۲/۵ - ۱۳۵۲/۲/۲۴

پرسنل: دکتر کریمی، دکتر تیموری، اسدالله برندک، محمدحسین زرآبادی، حبیب جعفری، م. خیرالله زاده، وهاب حضرتی، یحیی رینه‌ای، هاشم باهری

وسایط نقلیه و پلاک آنها، شرح عکسها و پرسنل و محلها

در دو ماموریت سیستان و بلوچستان بتاريخ ۱۳۵۲/۲/۱۱ - ۱۳۵۲/۳/۱۶ و خوزستان و دزفول و میناب بتاريخ ۱۳۵۲/۲/۵ - ۱۳۵۲/۲/۲۴ سرازافه کاری با دکتر کریمی اختلاف پیدا کردم و من با اکیپ نرفتم و لذا اکثر جوندگان که آورده بودند اشتباه تشخیص داده بودند که به خود دکتر کریمی نشان دادم.

دفتر ۵۴ ماموریت ۱۳۹ - اردبیل

پرسنل: دکتر آصفی، دکتر یلدا، محمد حنیفی و محمود ایمانی پسند که بعد از خاتمه ماموریت پایه به اکیپ دکتر کریمی ملحق شوم.

اکنون: از ۱۳۵۲/۴/۶ الی ۱۳۵۲/۴/۲۱ / ماکو، رضائیه، بوکان: ۵۲/۴/۲۲ -

۱۳۵۲/۵/۵ / اکنون: ۱۹۷۳/۷/۲۷ - ۱۹۷۳/۷/۱۱ / بوکان: ۱۹۷۳/۷/۱۵ - ۱۹۷۳/۷/۲۷

پرسنل: دکتر کریمی، دکتر تیموری، دکتر کاشان چی، ع. لطفی پور، یحیی رینه‌ای، میرقاسمی، وهاب حضرتی، برندک، هاشم باهوی، م. خیرالله زاده

وسایط نقلیه و پلاک آنها

مناطق کارشده در اکنلو: اکنلو، کلک، پیربادام، باشقوتاران، قزانقره، کاکاعباس، گوبازهف کوقاش، کچه گنبد، جبرئیل، خانباغی، کلوجه، آقبلاغ مرشد، کهنه حصار، دالیچو

## مناطق کارشده در ماکو

شاطرآباد، قزلباش، چارکش، ماکو، کوردکندی، کاش ارخی، بایور، سیدآباد، قزداغ، محمدکندی، کشمش تپه، بازرگان، دانالو، خالادز، خلیل آباد، ملاحمد، دارین، هندور، تازه کند، میلان، کارین، خرمن یری، عظیم کندی

در تاریخ ۱۹۷۳/۷/۲۵ در مرز ماکو و ترکیه جایی که راهش از روستای کشمش تپه جدا می‌شود موفق به صید اولین سیتلوس فولوس کوهستانی شدم. سیتلوس فولوس از روستاهای: بدولی، قزلدیره، شیطان آباد، قره تپه، هندور، شیخ جان و ایزدآباد نیز صید شد. جثه اینها از سیتلوس های منطقه اکنلو و قزوین کوچکتر است.

چند میکروتوس آروالیس بین کشمش تپه و نزدیک روستای بدولی صید کردم.

۱۳۵۲/۴/۳۱ جوندگان شکار شده از ماکو

میکروتوس آروالیس از تپه ماهور در نزدیکی بدولی و سیتلوس فولوس هم در روستای بدولی صید شدند .

میکروتوس سوسیالیس در چمن زار و یونجه زار لانه می سازد

۱- مریون پرسیکوس

۲- مریون وینوگرادووی

۳- میکروتوس اروالیس

۴- کریستیلوس

۵- میکروتوس سوسیالیس

۶- کالاموسکوس

۷- الاکتاگا اتر

۸- ستیلوس فولوس

اولین مریون ترسترامی را از روستای شاه مار جلغا همراه مرحوم دکتر سیدیان رئیس اکیپ صید کردیم

## حرکت ماموریت از ماکو به رضائیه

۱۹۷۳/۷/۲۸ مناطق کار شده: رضائیه، قلی لو، مشک آباد، نارلو، خاتی لو، حصار، الیاس آباد، سارالان، کوسه احمد، قره آغاج، یوشتیالی، سنجیک، حیدرلو، گومان کندی، قهرمانلو، کوندرا، آذرآباد، قره لو، برهان، ترمنی، کردار، دارقالی، قویچی، قیه‌لر، قوشچی، گرم آباد، گلماں خانه.

جوندگان شکار شده در آنجا:

۱- مریون پرسیکوس

۲- مریون وینوگرادوی

۳- مریون ترسترامی

۴- میکروتوس

۵- کریستیلوس

۶- الاکتاگا

عکسها و شرح آنها همراه با اسامی و محلها

حرکت ماموریت از رضائیه به بوکان با پرسنل قبلی ۱۹۷۳/۷/۲۷ - ۱۵/۷

مناطق کار شده در بوکان:

شرف کندی، تازه قلعه، یک شوه، اینجد کند، تابوت، درزیولی، کانی تومار، خداسانی، آق تاتار، یاسی کند، داش آغل، باغ حاجی، محمودآباد پادره، برف آباد، چونقر، شاه آباد، سارچاکنی، بوربورسائی، گالی شاین، علی آباد، کذرآباد، قوی تول، گالی کوش، خسروآباد، کوند، فیروزآباد، چشمه سفید، کالاماتسور.

برنامه طاعون و غیره و جوندگان:

دفتر ۵۵، ماموریت ۱۷۰ زابل ۱۳۵۲/۹/۲۵ - ۱۳۵۲/۹/۶

پرسنل: آقایان دکتر تیموری، محلاتی، دکتر پور نقدی، محمد حنیفی، میرعظیم قاسمی، هاشم باهری، م. اسماعیل پسند، وهاب حضرتی، علی برومندی.

وسایل نقلیه شامل دودستگاه جیب و یک دستگاه لندروور بود.

روستاهای کار شده ۲۶ روستا بود.

۱۳۵۴/۴/۹ - حرکت از تهران به اردبیل / ۱۳۵۲/۴/۲۳ حرکت از سراب به تبریز و سپس به ماکو

۵۲/۵/۶ - حرکت از ماکو به رضائیه / ۱۳۵۲/۵/۲۱ حرکت از رضائیه به بوکان

دفتر ۵۵ ماموریت اردبیل ۱۳۵۳/۳/۲

پرسنل آقایان: دکتر کریمی، دکتر تیموری، محمد حنیفی، م. خیرالله زاده، کاظم ارغندی، م. حسین زرآبادی، اکبر شاهی، جعفر اطمینان

۵۳/۳/۲۳ - من به همراه م. خیرالله زاده و اکبر شاهی به شاه آباد مغان و علیرضا آباد رفته و پس از صرف نهار در مورخه

۵۳/۳/۲۵ به بیله سوار رفتیم.

۵۳/۳/۲۶- خیرالله زاده و همراهان از پارس آباد به اردبیل رفتند و در مورخه ۵۳/۳/۲۷ آقایان وهاب حضرتی و جعفرپور اطمینان به پارس آباد آمدند و در مورخه ۵۳/۳/۳۰ آقای اکبر شاهی از پارس آباد به اردبیل رفت و در ۵۳/۴/۳ من(محمد حنیفی) از پارس آباد به اردبیل رفت.

در تاریخ ۵۳/۴/۵ به همراه آقای کاظم آرغند به منطقه یوردچی به روستای باش آقا چایی که قریه خودشان بود رفتیم. در تاریخ ۵۳/۴/۹ جهت بازدید از کارهای آقای زرآبادی و حضرتی که در پارس آباد کار می کردند با آقای دکتر کریمی به دشت مغان رفتیم اما آنها بدون اجازه دکتر کریمی وسایل راجمع کرده و به اردبیل رفته بودند. دکتر خیلی عصبانی شد و از راه مشکین شهر برگشتیم. موقع رفتن از راه گرمی رفته بودیم و تمام مسیر را دکتر کریمی رانندگی کرده بود و بنابراین خسته بود، به من گفت برای رفع خستگی هم سیگار می خواهم و هم اینکه بهتره چندتا چایی ترکی بخوریم نهایتا خستگی ایشان باعث شد در ادامه راه تا اردبیل، من رانندگی کنم. لندروور یک چراغ داشت و جاده هم خاکی بود و هم خیلی شلوغ بود.

۱۳۵۳/۵/۵ - ۵۳/۴/۱۱

در اطراف اردبیل در منطقه حمیدآباد و مهمان دوست مشغول برنامه مربوط به مطالعات طاعون و بیماری یابی بیماران پور پورائی بودم. یادم میاد یک روز در اطراف حیدرآباد با ماشین به یک گرگ زد.

۵۳/۵/۶ جهت خونگیری از بیماران پور پورائی به سراب رفتیم.

۵۳/۵/۷- آقای دکتر کریمی به اردبیل آمد.

در تاریخ ۵۳/۵/۱۲ طبق دستور دکتر کریمی برای گرفتن خون از دامها به کشتارگاه مرکزی اردبیل رفتیم. نمونه خون برای بررسی بیماری آنتی ژن استرالیایی بود. دکتر کشتارگاه آنجا نبود. وقتی من علت را پرسیدم، کارکنان کشتارگاه گفتند: دکتر در بنگاه معاملاتی خود مشغول به کار است. نزد دکتر کشتارگاه رفتیم و نامه دکتر کریمی را به ایشان دادم. ایشان نامه را خواندند و دستورات لازم را ابلاغ کردند و به من گفت بروید از فردا با شما همکاری خواهند کرد.

۵۳/۵/۱۷ آخرین روز ماموریت اردبیل بود و ما به تهران برگشتیم و در همان روز دکتر حکیمی به همراه زهرا و عطاءالله در نزدیکی آوج تصادف کرده بودند.

ماموریت اکنلو- برنامه طاعون ۱۳۵۳/۵/۲۲

پرسنل: دکتر کریمی، تیموری و مسیوژمن فرانسوی، محمد حنیفی، م. خیرالله زاده، میرعظیم قاسمی، برندک زرآبادی، حضرتی

در تاریخ ۵۳/۵/۲۷ مسیوژمن به اکنلو آمد. یکی از غذاهای اصلی ایشان فلفل سبز و قرمز بود که مثل خیار سبز با غذا می خورد اما دهانش نمی سوخت.

دفتر ۵۶ ماموریت ۱۷۲ (اکنلو- اردبیل- مغان) سراب ۱۳۵۳/۳/۷ - ۵۳/۵/۱۹

اسامی پرسنل ماموریت عملیات (به همراه اسامی دو نفر مهمان ماموریتی و مسیوژمن) وسایط نقلیه مورد استفاده عبارت بود از کامیون و لندروور و جیپ.

۱۹۷۴/۵/۲۸- دکتر بهمن یار، خانه جعفری، سرخانی حیدری برای گرفتن سیتلووس فلووس به اکنلو آمدند  
۱۹۷۴/۶/۱۰- دکتر کریمی و مسیو کاست به اکنلو رسیدند و وهاب حضرتی به تهران رفت و در همان روز تاریخ حرکت اکیپ از اکنلو به اردبیل و دشت مغان تعیین شد.

مناطق کار شده در اردبیل: گزورعلیا، کیدی، ساندی آباد، کیدی بالا، آقلاشن قشلاق، برق آباد، سوره باره، درویش آباد، بارو.

مناطق کار شده دشت مغان: اولتان، پارس آباد، والتامغان، بیله سوار، علی رضا آباد، ایران آباد، توکل کندی، اولتان مغان، بیتالی مغان، دوست قشلاق

مناطق کار شده در سراب: اجیرلو- سراب- هریس- ابلیق سفلا- مشکین شهر- اورگامان- دوست آباد- بافتان  
مناطق کار شده در اردبیل: تعداد ۱۸ روستا در این منطقه کار شده که کل سرم های انسانی جمع شده ۸۲۵ نمونه بود که ۱۸ مورد از آنها از نظر آنتی ژن استرالیای مثبت بوده است.

جهت جمع آوری کهنه به علیرضا آباد رفتیم و صادقی را فرستادم تا کهنه ها را به بوریلا آلوده کند و در آخرخودم آلوده شدم و با گرفتن خون از خودم و رنگ آمیزی گیمسا بوریلا را مشاهده کردم به دکتر گفتم آلوده به بوریلا شدم و ایشان بسیار تعجب کردند و با این وجود برای اینکه کارهای عملیاتی در صحرا به تعویق نیفتند آمپول تتراسایکلین عضلانی را که به صحرا بردم در دو نوبت تزریق کردم.

عکسها و شرح آنها

آنچه که در ماموریت اکنلو رخ داد و به خیرگذشت:

شبی در اکنلو آقایان دکتر کریمی، دکتر تیموری، و مهمانهایشان از من خواستند استراحت کنم و همراه آنها به شکار شبانه بروم. با جیب راهی شکار شبانه شدم. نزدیکیهای اکنلو در حوالی روستای پیربادام ماشین را به جوی آبی زده بودند و لاستیکهای طرف شاگرد جیب در لجن گیر کرده بود و از دست آنها هم کاری ساخته نبود و بنابراین پیاده به ایستگاه اکنلو برگشتند. روز بعد من به همراه آقای زرآبادی و م. خیرخواه رفتیم تا جیب را در بیاوریم اما موفق نشدیم. آقای حکیمی جهت آوردن تراکتور به روستای پیربادام رفت. جیب را به کمک از لجن بیرون کشیدیم. من و جلال سوار جیب شدیم و به سمت ایستگاه به راه افتادیم درحاشیه دره ای ترمز کردم و از آنجایی که چرخهای طرف راننده خشک شده بود جیب به طرف دره واژگون شد و من و جلال زیر آن گیر کردیم ماشین روی سینه من قرار گرفته بود. مردم پیربادام با آقای حکیمی رسیدند و من و جلال را از زیر جیب بیرون کشیدند. انگشت وسطی دستم له شد و انگشت شصت جلال قطع شد (انگشت من له شده وانگار متلاشی شده بود).

فردای آن روز به همراه دکتر تیموری جهت معالجه انگشت من به بیمارستان سینا در تهران رفتیم پزشکان به ما گفتند که زخم کهنه شده و باید انگشتم قطع شود. قبول نکردم و با چوب آتل انگشتم را جمع کردم و خودم آن را درمان کردم البته هنوز نقص عضوی در آن مشهود است.

## ماموریت استان خراسان

دفتر ۵۶ ماموریت ۱۷۴ ( بجنورد - قوچان - شیروان - درماگز)

اولین ماموریت دکتر مهدی آسمار که از دانشکده بهداشت به انستیتوپاستور منتقل شده بود.

پرسنل: آقایان دکتر کریمی، دکتر آسمار، محلاتی، عظیم قاسمی، م. حنیفی. درویش، برندک، نعیمی، حیدری، م.

خیرخواه، احمد محسنی

وسایط نقلیه: همان وسایط نقلیه ماموریتهای قبلی

مناطق کار شده: روستاهای اطراف شیروان به تعداد ۱۶ روستا

۱۹۷۴/۴/۱۰ یک شب به همراه دکتر کریمی در اطراف بجنورد به شکار رفتیم، نعیمی راننده بود و آقای سرخابی

حیدری بعنوان نرانداز، من هم که در ماموریت قبلی تصادف کرده بودم و انگشت و کتف راستم آسیب دیده بود بعنوان ریش سفید (پیشکسوت) همراهشان بودم. همکاران آنطور که باید نتوانستند برنامه شکار را اداره کنند. چون راننده وارد به تعقیب شکار نبود. دکتر کریمی برنامه شکار را منتفی اعلام کرد و به مشهد رفت تا با دکتر آصفی به تهران برود. مدارک و جواز اسلحه را برای بنده در شیروان فرستاد و سفارش کرده بود اگر توانستی به شکار برو چون من (دکتر کریمی) با آنها نمی توانم کار کنم. بنده هم به همراه آقایان دکتر آسمار، محلاتی، مسیوژرن، سرخابی، و نعیمی به شکارگوشته خواران پرداختیم اکثر روباه، شغال و گرگ شکار کردیم.

مناطق کار شده: قوچان - بجنورد

فلکه، بجنوشی حصار، کلات باقرخان، کلات حاجی بگلر، میرآباد، خوانسار کلات هندی، الله آباد، رضا آباد، علی آباد،

جعفرآباد

ماموریت یک هفته ای به دره گز:

آقایان: دکتر کریمی، م. حنیفی، نعیمی، سرخابی حیدری  
چونندگان شکار شده از مناطق فوق:

۱- مریون پرسیکوس

۲- مریون لیبیکوس

۳- میکروتوس

۴- کریستلوس

۵- اکوتون

۶- مزوکرسیپتوس

۸- ستیلوس فولوس

جمعا ۵۵۱ نمونه از سرم انسانی از شهرهای فوق جمع‌آوری شده که تعداد ۱۵ نمونه از نظر آنتی‌ژن استرالیا مثبت و یک نمونه از نظر آنتی کر مثبت بودند.

ماموریت شیران ۲ بعنوان پیش کسوت (ریش سفید): ۱۳۵۳/۶/۱۰

در تاریخ ۵۳/۶/۱۲ به همراه بعضی همکاران که قبلا اسامی آنها ذکر شده به مشهد عازم شدیم و شب را در شاه پسند ماندیم. من به دلیل تصادف و آسیب دیدگی دست و کتفهایم که ناشی از واژگونی جیب در اکتلو بود. در این ماموریت بعنوان پیشکسوت همراه اکیپ بودم. فردای آنروز ۵۳/۶/۱۳ به شیروان رسیدیم. بنده با آقای سرخابی حیدری و یک کارگر در صحرا مشغول کار شدیم مسیو ژرمن هم گاهی با ما به صحرا می‌آمد.

ماموریت دره‌گز- ۱۳۵۳

در روستای گنداب واقع در جنوب دره گز یک بیماری در بین نوزادهای روستا شایع شده بود که در همان سنین از بین می‌رفتند و فقط یک بچه زنده مانده بود و به همین خاطر تمام اهالی روستا آن بچه را دوست داشتند. در بررسیهایی که در اطراف روستا انجام دادیم. آلودگی آب آشامیدنی نظیرمان را جلب کرد و متوجه شدیم آب آشامیدنی کمی دورتر از جایی که مردم از آن استفاده میکنند توسط گرازهایی که در کنار جوی آب شبانه پرسه میزدند و از آن می‌خوردند آلوده شده بود. بلافاصله موضوع را گزارش نمودم.

در تاریخ ۵۳/۷/۱۲ به همراه آقای محسنی از شیروان به محمودآباد آمل رفیتم و شب را در منزل فامیل ایشان مهمان بودیم و اتفاقا ماه رمضان بود. خانواده‌ای صمیمی مهمان نواز بودند و در ۵۳/۷/۱۴ به تهران رسیدیم.

داراب- چهارم- لار- ۵۳/۱۰/۲۷ - ۵۳/۱۲/۹ (فسا- اصطهبانات- نیریز)

نقد ۵۷ ماموریت ۱۷۵:

من به دلیل فوت م. حکیمی دو روز بعد از تهران حرکت کردم. اسامی پرسنل شرکت کننده در ماموریت: دکتر تیموری، محلاتی و دکتر آسمار و همه همکاران.

وسیله نقلیه: کامیون و کامیونت و لندور و جیب

مناطق کار شده به صورت ناقص نوشته شده است که جمعا ۱۸ روستا و بخش را شامل می‌شود.

ماموریت اکتلو جهت مطالعه طاعون چونندگان ۵۳/۷/۳۰

پرسنل: دکتر کریمی، م. حنیفی، قاسمی، محمد حسن زرآبادی، ضربعلی زاده

وسایط نقلیه همان وسایط قبلی.

۵۳/۷/۴- دکتر کریمی، دیوسالار، حنیفی، زرآبادی، ضربعلی زاده

جهت شکارگرگ از اکتلو و از راه زنجان به اردبیل رفتیم. دکتر کریمی با لندور و بنده با جیب روباز حرکت می‌کردیم. در اردبیل گرگ شکار کردیم و دکتر کریمی نمونه ای را جهت تشخیص به فرانسه فرستاد و فرانسویها در جواب تشخیص داده بودند که نمونه فرستاده شده سگ است نه گرگ. اما بعد از یک هفته دوباره از فرانسه خبر دادند که اشتباه کردند و نمونه ای که دکتر فرستاده بود گرگ است.

در تاریخ ۷/۵۳/۸۱ به همراه دکتر کریمی و دیوسالار و نظری و دکتر صفرزاده که از اهالی اردبیل بود برای شکار به دشت مغان رفتیم و در تاریخ ۸/۵۳/۸۱ دکتر کریمی و دیوسالار نظری از اردبیل به اکنلو رفتند. من هم با آقایان زرآبادی و ضربعلی زاده در تاریخ ۹/۵۳/۱۱ با جیب روباز از اردبیل از راه زنجان - بیجار به اکنلو برگشتیم و از آنجا در تاریخ ۱۱/۵۳/۸۱ با پایان یافتن ماموریت راهی تهران شدیم.

## ماموریت قزوین جهت جمع آوری الایوس

۵۳/۸/۲۶ - ۱۳۵۳/۹/۴

پرستل: م. حنیفی و م. احمدزاده

روستاهای کار شده: رشتگان، شطی آباد، احمدآباد، دنی آباد

۵۳/۹/۱۴: سقف فرودگاه فرو ریخت و ۱۶ نفر مردند و تعدادی زخمی شدند.

۵۳/۹/۲۵ - روز وفات مرحوم موسی حکیمی ۵۳/۹/۲۶ روز دفن ایشان

۵۳/۹/۲۸: جشن عروسی گلناز دختر آقای میرعظیم قاسمی و نسرین خانم.

جزئیات ماموریت: فسا، جهرم، داراب، اصطهبانات و لار نقل از یادداشت تقویم ۱۳۵۳

در تاریخ ۱/۵۳/۱۱ بعد از اتمام مراسم روز هفت مرحوم م. حکیمی من بوسیله اتوبوس به سمت فسا حرکت کردم. شب را در شیراز ماندم و روز بعد مصادف با ۲/۵۳/۱۱ از شیراز به فسا رفتم و دکتر تیموری از فسا به شیراز برگشت.

۵۳/۱۱/۶: آقای احمدزاده از فسا به تهران رفت.

۵۳/۱۱/۱۵: خیرالله زاده نمونه‌های جمع‌آوری شده از فسا را به تهران بردند.

۵۳/۱۱/۱۷: من هم با آقای زرآبادی برای تله گذاری و صید جونده و گرفتن خون از گوسفندان برای مطالعه آنتی‌ژن

استرالیا راهی جهرم شدیم.

۵۳/۱۱/۱۹: آقای خیرالله زاده به فسا برگشت.

۵۳/۱۱/۲۲: دکتر آسمار از فسا به تهران برگشت.

۵۳/۱۱/۲۹: برای شب چهارم مرحوم م. حکیمی من از فسا به تهران رفتم و آقای دکتر فرمانفرمایان رئیس

انستیتوپاستور با دکتر کریمی به فسا آمدند.

در تاریخ ۳/۵۳/۱۲ از تهران به بندرعباس حرکت کردم تا به همکارانم که قبل از من به لار رفته بودند ملحق شوم.

۵۳/۱۲/۴ به بندرعباس رسیدم و شب رادر مسافرخانه ای به صبح رساندم. روز بعد بلیط گرفتم تا بعد از ظهر راهی

لار شوم.

۵۳/۱۲/۵: با اتوبوس از بندرعباس به سمت لار براه افتادم. در مسیر جاده مردم را می دیدم که دو نوع قارچ را از زمین

می‌چیدند. یکی بنام خیر که قرمز بود دیگری هم به نام دل که سفید بود و با دوغ سرخ می‌کردند می‌خوردند. شب به لار

رسیدم. وبه همکارانم که عبارت بودند از آقایان زرآبادی، محلاتی و خیراله زاده و اکبر شاهی ملحق شدم و با آنها به امور

تحقیقاتی مشغول شدیم.

یک چمدان و یک عدد دوربین چشمی از لار خریدم و همراه اکیپ در تاریخ ۸/۵۳/۱۲ به قریه گواش نزدیک لار واز آنجا

به قلعه پیکر رفتیم.

شهرستان لار در گودی واقع شده که اطراف آن را کوههای بلند فرا گرفته است و در جای جای این کوها سنگواره هایی

از دوکفه‌ایها و ماهی مشاهده می‌شود. برقله کوهها قلعه‌های خیلی قدیمی با ساروج و آجر ساخته شده است. بنظر آب مصرفی

این شهر از باران تامین می‌شد زیرا ساختمانها طوری ساخته شده اند که تمامی آب باران بوسیله مسیری جمع‌آوری و به آب

انبار منتقل می‌شود. امامزاده‌ای هم در قسمت جنوب غربی روی یکی از کوه‌ها واقع شده است. در مسیر لار- شیراز منطقه ای

وجود دارد که توسط فردی بنام حاجی قهرمان آباد شده و در آنجا کشاورزی می‌کند به گفته خودش قبلا رئیس کاروان بوده

و در مسیر لار به شیراز کار می‌کرده. حاجی قهرمان مرد بسیار نیرومند و مهمان‌نوازی بود.



۱۳۵۳/۱۲/۹ از لار به فسا رفتیم. ۱۳۵۳/۱۲/۱۰ از فسا به شهرضای اصفهان رسیدیم و شب را آنجا ماندیم و در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۱۱ نهایتاً با اتمام ماموریت به تهران رسیدیم.

## آنتی‌ژن استرالیا

مطالعه آنتی‌ژن استرالیا موضوع تز آقای صالحی عمران جهت دریافت فوق لیسانس بود و شروع آن در بخش همه گیرشناسی توسط دکتر میرزا افتخاری بصورت یک طرح انجام گرفت. برای انجام این طرح کارهایی باید انجام می شد که مختصر آن را بیان می کنم.

الف: نمونه های خون از انسان و حیوان گرفته شد.

۱- خون دهندگان داوطلب: ۹۱۶۵ نفر

۲- خون دهندگان حرفه‌ای: ۲۲۳ نفر

۳- تعداد و نوع بیماریهای پیدا شده از آزمایش سرمهای افراد خون دهنده

۴- یرقان (هپاتیت) مثبت: ۶۶ نمونه

۵- لپروماتوز مثبت: ۶ نمونه

۶- توبرکلوئید مثبت: ۲ نمونه

۷- سایر بیماریها مثبت: ۲۳ نمونه

۱- گوسفند: ۱۲۱۴ راس که ۳ نمونه دارای آنتی کر بوده است.

۲- بز: ۶۶۸ راس که ۱ نمونه دارای آنتی کر بوده است.

۳- روباه: ۲۷۵ قلاده

۴- جوندگان: ۴۲ راس- مریون ترسترامی، مریون وینوگرادوی، مریون لیبیکوس، مریون پرسیکوس

۵- ماهی: ۳۹ قلاده

جمع نمونه‌های جمع آوری شده برای مطالعه ۱۱۶۲۳ عدد است.

این مطالعه با همکاری افراد ذی ربط انجام گرفت و من یکی از همکاران بودم که از ابتدای کار همکار اصلی طرح بودم و زمانی که طرح به پایان رسید من و کارهایم را به باد فراموشی سپردند و حاصل زحمت مرا به افرادی دادند که فقط از دور شاهد ماجرا بودند. انگار رابطه با مدیران ارشد بیشتر از زحمات من و امثال من برای ایشان کار محسوب شده بود.

## ماموریت ۱۷۹ ماکو و شاه آباد ماکو

سال ۵۴. این ماموریت از تاریخ ۵۴/۷/۱۵ شروع شده و در تاریخ ۵۴/۷/۲۹ خاتمه یافته است.

در این ماموریت چهار نفر از بخش همه‌گیرشناسی شرکت داشته‌اند که عبارت بودند از من و آقایان محمد صالحی و فیض الله سالارکیا و از بخش فنی آقایان محمدحسین و زرآبادی شرکت کرده بودند.

محل سکونت افراد بهداری ماکو بود.

همکاران دیگر در این ماموریت که از ماکو و شاه آباد ما بودند عبارت بودند از:

۱- دکتر مرادخانی رئیس بهداری ماکو

۲- دکتر تبارگی رئیس شیر و خورشید ماکو

۳- دکتر سهراب پور رئیس

۴- دکتر رضائی پزشک بیمارستان شیروخورشید ماکو  
 ۵- دکتر وحید میثاقی رئیس مرکز بهداشتی و درمانی روستایی شاه آباد ماکو که سپاهی بهداشت بوده‌اند.  
 فهرست گزارش عملیات انجام یافته از صفحه بعد منعکس شده است.  
 نقد ۵۷ ماموریت ۱۷۷، اردیبه ۵۴/۳/۲۳ - ۵۴/۵/۱۲  
 پرسنل: دکتر کریمی، محلاتی، سلمان مصباح، قاسمی، م.حنیفی، سالارکیا، م.خیرالله زاده، وهاب حضرتی، م.حسین  
 زرآبادی، اکبرشاهی، صفرخمسه، و افراد خارجی:  
 دکتر اردوان - خانم اردوان - بنول اردوان - سواردوان - مل پرز-ملیف والنسی  
 ۱۹۷۵/۶/۲۲ در روستای حمیدآباد یک گرگ را با ماشین زد.  
 ۱۹۷۵/۶/۲۷: دکتر کریمی و آقای زرآبادی به تهران رفتند.  
 ۱۹۷۵/۷/۶: دکتر کریمی و زرآبادی از تهران به همراه افراد ذیل به اردبیل آمدند.  
 دکتر هانون - رودین فرانسوا- آقای دژون - دکتر آسمار - آقای زرآباد - ساندوست تویگی  
 با افراد ذیل جهت شکار پرنده برای مطالعه آربوویروس به آستارا رفتیم: ۱- دکتر هامون ۲- دکتر رودهایم ۳- آقای  
 زرآبادی  
 عکسهای مریضی از منطقه سراب بنام شیرین که مبتلا به بیماری پورپورا هموراژیک است که برای بار سوم مبتلا شده  
 بود.  
 عکسهایی از اکیپ و شرح آنها

## حرکت به اکنلو، اردبیل، آستارا

پرسنل آقایان و خانمها: دکتر کریمی، تیموری، محلاتی، م. حنیفی، مهندس دهی، دکتر سولاری، دوشیره برکن (که به  
 جوجه تیغی کاکاعباس میگفت)، قاسمی، خانم پرز، دکتر آسمار، پروفیسور آردوکن، سالارکیا، خانم والزی، اکبر شاهی، حضرتی  
 ۵۴/۲/۱۰ در اکنلو بودیم. و در تاریخ ۵۳/۲/۱۲ آقای دکتر کریمی، محلاتی، زرآبادی به کرمانشاه رفتند و آقای مهندس  
 دهی نیز به تهران رفت موقوع برگشت (۵۴/۲/۱۵) اتومبیل آنها در راه واژگون شده خسارت بسیاری دیده بود به لطف خدا  
 خودشان سالم ماندند و فقط دکتر کریمی چند روزی در منزل بستری شد.  
 ۵۴/۲/۱۵ در اکنلو باران زیادی باریدن گرفت و سیل براه افتاد و مجبور شدیم تمام تله‌های بنده و خانم برتن و دکتر  
 مولاری جمع‌آوری کنیم. سیل تمام باغهای اکنلو را فرا گرفته بود.  
 ۵۴/۲/۱۶ دکتر هادی خان و هاشم باهری جهت اطلاع از تصادف دکتر کریمی به اکنلو آمدند و دکتر تیموری جهت بردن  
 دکتر کریمی و زرآبادی از کرمانشاه به تهران راهی کرمانشاه شدند.  
 ۵۴/۲/۱۹ به دلیل تصادف دکتر کریمی، برنامه ماموریت تعطیل و به تهران برگشتیم.  
 ۵۴/۲/۲۴ با دکتر آسمار به شهر اردبیل رفتیم.  
 ۵۴/۳/۲ با دکتر آسمار و خانم پرز به مهربان سراب رفتیم.  
 ۵۴/۳/۳ با آقای دکتر کریمی و پروفیسور آردوگی و خانم پرز به روستای دلیجان منطقه سراب رفتیم.  
 ۵۴/۴/۱۲ با دکتر کریمی و دکتر صفرزاده و خانم پرز به منطقه آریادره و فندقلی جهت شکار گراز و خرس رفتیم. تا شر  
 این حیوانات را از سر روستایان کم کرده و مطالعات خود را تکمیل نماییم.  
 ۵۴/۴/۱۳ خانم پرز و دکتر آسمار و زرآبادی از اردبیل به تهران رفتند.  
 ۵۴/۴/۱۹ من و دکتر کریمی و زرآبادی به همراه مهمان های فرانسوی برای تحقیق در رابطه با بیماریهای ویروسی که در  
 بین پرندگان شایع بود به آستارا رفتیم پرندگان را با استفاده از تور شکار می‌کردیم و از بالشان خون می‌گرفتیم و سپس آزاد  
 می‌کردیم و در مورخه ۵۴/۴/۲۱ به اردبیل بازگشتیم.

۵۴/۴/۲۹ آقای دکتر آسمار و خانم ولنزی به تهران و من و آقای اکبرشاهی برای جمع آوری کنه جهت مطالعه در رابطه با تبهای راجعه به خلخال رفتیم .  
برای مطالعه در رابطه با بیماری پورپورا هموراژیک از کیوی به اردبیل رفته بودیم، و در تاریخ ۵۴/۵/۳ آنجا را ترک کرده و در مورخه ۵۴/۵/۶ در پایان ماموریت به تهران برگشتیم.  
در مورخه ۱۳۵۴/۷/۱۴ موفق به اخذ مدرک قبولی دیپلم شدم . شماره ثبت (۴۶۸۴-۵۴/۱۰/۲۹) .

## ماموریت اکنلو

۵۴/۸/۶-۱۹

پرسنل دکتر کریمی، دیوسالار، م. حنیفی، حضرتی و زرآبادی،  
هوا به شدت سرد بود و کارکردن امکان نداشت . در مورخه ۵۴/۸/۱۳ دکتر کریمی و دیوسالار به تهران برگشتند ولی ما تا آخر ماموریت ادامه دادیم.

## محلات

۱۳۵۴/۱۰/۴-۹

همکاران: دکتر کریمی، محلاتی، م. حنیفی، ف. سالارکیا، وهاب حضرتی  
ماموریت ما بررسی و شناسایی جوندگان، شکارشبانه روباه و گرگ و شغال بود. گرفتن خون و جدا نمودن سرم خون از جانوران مذکور و بررسی آن از لحاظ آنتی کر طاعون و آنتی ژن استرالیا. از دیگر اهداف ماموریت ما در محلات بود.  
به علت نامعلومی اکثر اکوتون ها از بین رفته بودند بهمین خاطر باید چند عدد صید می شد و مورد بررسی قرار می گرفت . در همان اثنا مشغول جمع آوری کنه شدیم تا از نظر تبهای راجعه مورد مطالعه قرار گیرند . آن روز علاوه بر اکوتون، خرگوش و مریون پرسیکوس نیز شکار کردیم.  
به روستای علی آباد رفتیم و در منزل شخصی بنام نعمت الله عرب کنه جمع می کردیم . ایشان در منزل یخچال داشت. یک لیوان شیر سرد ما را مهمان کرد و گفت من ۱۱۲ سال عمر کرده ام و از بنی اسد می باشم و دارای دو پسر به اسامی حسن و علی هستم.

دفتر ۵۷ ماموریت ۱۲۸- اکنلو و کرمانشاه ۱۶-۱۳۵۴/۲/۹

پرسنل: دکتر بولاری آ خانم بولاری ، دکتر کریمی، م. حنیفی، م. خیرالله زاده، کاظم آزغندی، و م. حسین زرآبادی.

ماموریت برازجان، دوگنبدان، کازرون ۱۰/۱۲/۱۰- ۱۳۵۴/۱۱/۳

پرسنل: دکتر کریمی، آسمار، م. حنیفی، عظیم قاسمی، م. خیرالله زاده، دکتر حیدری از دانشگاه تهران و زرآبادی  
از تهران به سمت شیراز حرکت کردیم . شب را در شیراز ماندیم و روز بعد از شیراز به طرف برازجان به راه افتادیم و از تنگه بول حیات عکس گرفتیم.

در منطقه دالکی مشغول کار بودیم و در روستای بورتی علیا جیب ما خراب شد. باران به شدت می بارید به همراه آقای زرآبادی در منزل آقا سید اشرف موسوی و پسرش سید حسین پناه گرفتیم. اسم دشتبان روستا راه خدا بود که یک بچه آهو داشت و از آن عکس گرفتیم.

۵۴/۱۱/۱۸- در منطقه دالکی با آقای ابراهیم عطایی به معدن سنگی رفتیم و در مورد موش اکوتون صحبت کردم.

۵۴/۱۱/۲۲- طوفان شدیدی در برازجان افتاد. اکثر تیرهای برق را زمین خواباند و درختها را از ریشه کند. دکتر کریمی با

دکتر حمیدی از دانشگاه تهران به برازجان آمدند.

۵۴/۱۲/۸- دکتر کریمی و دکتر حمیدی از دانشگاه و دکتر آسمار از دوگنبدان به بوشهر رفتند.

۵۴/۱۱/۲۴- دکتر آسمار، خیرالله زاده و حضرتی از برازجان جهت جمع آوری کنه به کازرون رفتند.

۵۴/۱۲/۲- آقای حضرتی از برازجان به کازرون و سپس به تهران رفت.

۵۴/۱۲/۳- ازبrazجان به دوگنبدان رفتیم.

۵۴/۱۲/۹- از دوگنبدان به شیراز و شب را در اصفهان خوابیدیم

۵۴/۱۲/۱۰- از اصفهان به تهران آمدیم. آخر ماموریت  
 دفتر ۵۸ ماموریت ۱۷۸ اکنلو، ۲۲-۱۳۵۴/۶/۱۲

اسامی پرسنل: وسایط نقلیه مورد استفاده در ماموریت  
 دفتر ۵۸ ماموریت ۱۸۰- اکنلو، ۱۸-۱۳۵۴/۸/۶

اسامی پرسنل شرکت کننده در ماموریت و وسایط نقلیه مورد استفاده  
 دفتر ۵۸ ماموریت ۱۸۲، برازجان، بوشهر، بندرریگ، بندر گناوه، دوگنبدان، کازرون ۱۳۵۳/۱۲/۱۰ ۱۳۵۴/۱۱/۲

اسامی پرسنل شرکت کننده در ماموریت و وسایط نقلیه مورد استفاده (فقد عکس)  
 نقد ۵۸ ماموریت ۱۸۵- اردبیل، اکنلو، ۳/۳/۱۳۵۵ (تاریخ عوض شده ۲۵۳۵)

شرح ماموریت نوشته نشده است فقط اسامی پرسنل قید شده و وسایط نقلیه مورد استفاده بیان شده است پایان  
 ماموریت ۱۳۵۵/۴/۲۶/ شرح عکسهای پرسنل در حال ماموریت  
 دفتر ۵۹ ماموریت ۱۸۴، اکنلو و اردبیل، ۲۹-۱۳۵۵/۳/۱۹

اسامی پرسنل شرکت کننده در ماموریت وسایط نقلیه شامل یک کامیون و سه دستگاه جیب  
 در مورخه ۱۳۵۵/۴/۸ من و آقای دکتر کریمی، عطاءالله حنیفی وم. حسین زرابادی از راه خلخال به اردبیل رفته و به اکیپ  
 ملحق شدیم.

در تاریخ ۵۵/۴/۲۷- از اردبیل به روستای توره‌ایم رفتیم . در آنجا چادر زدیم .حدود ۹۰٪ بچه‌های آنجا مبتلا به تب راجعه  
 بودند . توانستیم نمونه بورولیای جدیدی کشف کنیم و دکتر کریمی آن را به نام بالتازار D نامگذاری کردند.

در تاریخ ۵۸/۵/۸- از روستای توره ایم به اردبیل و سپس در تاریخ ۵۵/۵/۹ به همراه دکتر کریمی و آسمار، و زرابادی به  
 طسوج رفتیم و در بهداری آنجا ساکن شدیم. پزشکان بهداری یک زن و شوهر هندی بودند و دختری به نام سانچو داشتند  
 هر چه ما خرید می‌کردیم از دست ما می‌گرفت و نهایتاً در تاریخ ۱۳۵۵/۵/۱۵ به اردبیل برگشتیم.

۵۵/۵/۱۶- جهت جمع‌آوری کهنه در مورد بیماری بورولیو پورپورا همورا ژیک از اردبیل به روستای ایلچه در حومه اردبیل  
 رفتیم و در کنار روستا چادر زدیم. در یک خانه کثرت کهنه بحدی بود که دیوارها از وجود کهنه تیره شده بود و دکتر آسمار را  
 مورد گزش قرار دادند و موقع برگشت ایشان تب راجعه گرفتند و دکتر کریمی معالجه‌اش کرد. و برای استراحت بمدت یک هفته  
 به تهران برگشت.

۵۵/۵/۲۵- دکتر آسمار و عطاءالله حنیفی و سالار کیا از اردبیل به تهران رفتند.  
 در مورخه ۵۵/۵/۳۱ به اکنلو برگشتیم و در مورخه ۵۵/۸/۲ آخر ماموریت به تهران برگشتیم.

نقشه منطقه اردبیل و شهرها و روستای اطراف که به تفصیل کشیده شده است.  
 دفتر ۵۹ ماموریت ۱۸۷ اکنلو، ۸/۲-۱۳۵۵/۷/۱۷

اسامی پرسنل ایرانی و خارجی شرکت کننده در ماموریت  
 کارشناس سازمان بهداشت جهانی جهت کارآموزی در مورد شناخت طاعون وحشی جوندگان مشخصات وسایط نقلیه  
 استفاده شده در ماموریت‌های مورخه ۱۳۵۵/۸/۱۹ لغایت ۵۵/۹/۴ به اکنلو و برگشت به تهران اسامی پرسنل و همچنین  
 عکسهایی از این رابطه از پرسنل ایرانی و خارجی

دفتر ۵۹ ماموریت ۱۸۹، گنبد کاووس،مراوه تپه، (اشلی برون) ۵۶-۱۳۵۵  
 پرسنل: دکتر آسمار و م. حنیفی

موضوع: جمع‌آوری کهنه اورنیتودور و تا رتاکوفسکی از لانه رومبومیس اوپیموس  
 به همراه عکسهای مربوطه

دفتر ۵۹ ماموریت اکنلو، برنامه طاعون (شناسائی گوشتخواران نوع روباه)  
 ۱۳۵۶/۲/۱- ۲/۱۶

پرسنل: م. حنیفی، آقای عشقی از اداره محیط زیست جهت شناسایی نوع روباه های آن منطقه.

آقایان: قاسمی، م. خیرالله زاده، اکبرشاهی، حضرتی

روش کار: دوربین های کوچکی را روی پایه ثابت می کردیم. و به شاسی آن تیکه تابیده و طرف دیگر تابیده یک تکه گوشت وصل می کردیم. شب هنگامی که روباه طعمه را که بر میداشت نخ تابیده عمل می کرد و کشیده می شد و از روباه عکس می گرفت.

در مورخه ۵۶/۲/۱۷ آخر میسیون از اکنلو به تهران رفتیم.

دفتر ۵۹ ماموریت ۱۹۱، ماموریت سراب و اردبیل موضوع پیدا شدن مجدد طاعون ۱۳۵۶/۴/۲

پرسنل شرکت کننده عبارت بودند از دکتر محمدی و دکتر آسمار و سایر گروه کارشناسی و تکنیسین ها، با یک دستگاه کامیون سه جیب و لندرو

در تاریخ ۱۳۵۶/۴/۲ از تهران به سراب عزیمت کردیم که من با جیب به همراه آقای اکبرشاهی پشت سراکپ در حرکت بودیم در هشتگرد نهار خوردیم و دوباره پشت سر اکپ به راه افتادیم. دسته ای از اکپ که جلوتر از ما در حرکت بودند در آخر میدان قزوین روبروی پمپ بنزین ماشین هایشان را کنار خیابان و پشت کامیونها پارک کرده بودند و بنابراین دیده نمی شدند. این خیال که آنها جلوتر از ما در حرکتند به راه ادامه دادیم تا به سراب رسیدیم و از طرفی آنها نیز ما را ندیده و فکر کرد بوده اند که ماشین ما خراب شده و پشت سر آنها در راه مانده ایم و بنابراین دوباره به قزوین برگشته و تا هشتگرد دنبال ما رفته بودند و شب را در قزوین به سربرده بودند. در سراب با تهران تماس گرفتیم و متوجه قضیه شدیم.

در این میان مهمانهای دیگر از جمله دکتر کریمی و حکیمی، پور تقوی و محمود ایمانی پسند و تعدادی مهمانهای خارجی: دکتر ارتوس - آقای فرو - دکتر سوری - دکتر وینسنت - دکتر کلان  
پروفسور سوری آدمی دانشمند بود که همراه تعدادی دیگر خارجی آمده بودند و تمام همراهان حشره شناس بودند.

## پیدا شدن طاعون وحشی جوندگان در سراب

۱۳۵۶/۴/۱۰. تجربه کاری به من این نوید را داده بود که احتمالاً جوندگان منطقه سراب آلوده به طاعون باشند. برای ماموریت به سراب رفته بودیم و من فرصت را غنیمت شمرده و یک روز تعطیل که دکتر محمدی بیماران پورپورا هموراژیک را در روستاها ویزیت نمی کرد از ایشان خواهش کردم که اجازه بدهند سالارکیا امروز با من و آقای ناطق پور اهل سراب بیایند و کارمان را از نزدیک ملاحظه فرمایند. ایشان نیز قبول کردند من و آقای ناطق پور در حومه روستای چرنی در دامنه کوه آقراغ مشغول نمونه گیری بودیم. در حال ویزیت تلهها متوجه شدیم که یک موش مرده در دهانه یک لانه افتاده و با خوشحالی به دکتر محمدی گفتم که پیدا کردم (همیشه من به آنها گفته بودم که این منطقه آلوده است ولی همکارانم قبول نمی کردند) وسایل کار را از داخل ماشین برداشتم و موش مرده را که مریون وینوگرادووی بود با پنس برداشته و شروع به جدا کردن کیکهای آن کردم.

کیکها روی سینی آب راجمع کردم و در داخل شیشه حاوی سرم فیزیولوژیک قرار دادم. و از آقای دکتر خواهش کردم که اجازه بدهند آنها رابه آزمایشگاه ببرم تا کار را به نتیجه برسانیم. ایشان خیلی با اکراه قبول کردند زیرا آزمایشگاه داخل بیمارستان بود و دکتر از عواقب آن می ترسید.

مسئول آزمایشگاه آقای سالارکیا بود و به دکتر اطمینان دادم که با آقای سالارکیا با هم کار می کنیم و هیچ اتفاقی نمی افتد. به هر حال قبول کردند. کیکهای حیوان مرده را به آزمایشگاه بردم و به همراه زحمات صادقانه آقای سالارکیا ثابت کردیم که جونده از طاعون مرده و کار را به نتیجه رساندیم. و روش کار را مختصراً در زیر توضیح داده ام.

### روش و نحوه انجام کار:

۱- تزریق طحال له شده مریون وینوگرادووی مرده به موشهای سوری به شماره های کدگذاری شده، سوریها به طاعون مبتلا شده و مردند و مورد طحال مثبت بود (تاریخ ۵۶/۴/۱۳) خون هم مثبت بود.

۲- کشت در مورخه ۱۳۵۶/۴/۱۱ انجام شد.

کشت له شده طحال سوریهای مرده در محیط زلوز و آب پپتنه، کلنی ایجاد شده در مورخه ۵۶/۴/۱۳ بررسی شد که مثبت بود

کشت باکتری فاز: در مورخه ۵۶/۴/۱۴: آقای دکتر محمدی به همراه آقای سالارکیا به تهران رفتند نتیجه مثبت بود (۵۶/۴/۱۵) که نتیجه به دکتر کریمی اطلاع داده شد.

۱۳۵۶/۴/۱۹- دکتر کریمی به همراه آقای نظری از تهران به سراب آمدند. دکتر کریمی از من پرسید: آیا مطمئن هستی که طاعون است؟ جواب دادم که من کارهایم را همیشه درست انجام می‌دهم، گفتند: اگر طاعون باشد یک جایزه دارید!! مورد مثبت بود و جایزه بنده هم نوشتن اسمم در آخر مقاله طاعون آذربایجان بود!

چونندگان شکار شده عبارت بود از:

مربون پرسیکوس ۱۶۳ سر، مربون وینوگرادوی ۴۹ سر، میکروترس ۸۳ سر، کریسیتلوس ۸ سر، مزوکریسیتلوس ۲۴. تعداد و جنس چونندگان مبتلا به طاعون:

۱- شماره وینوگرادوی ۲، ۱۴، ۱۶، ۱۵

۲- شماره مربون وینوگرادویهای آلوده ۹، ۱۷، ۲۰، ۶۰، ۶۱

شماره کدیکهای آلوده به طاعون ۳۲۳، ۳۴۷، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۷ روستاهای آلوده به طاعون:

چرلی، خاتون آباد، آوغان، کلجه، باختان، قارخون، قره گلچی

۱۳۵۶/۴/۳۰- دکتر کریمی، آسمار، ماموریتسان و سالارکیا از سراب به تهران رفتند.

۵۶/۵/۱۷- دکتر پورتقوی و دکتر کلن به سراب آمدند.

۵۶/۵/۱۸- دکتر آموزگار نخست وزیر شدند.

۵۶/۵/۲۴- دکتر آسمار، پورتقوی، محمدی، مسیوکلن به تهران رفتند.

۵۶/۵/۲۹- در پایان ماموریت به تهران برگشتیم.

عباد در آسیاب جهنم به طاعون مبتلا شد و من روبروی همان محل پنج مربون پرسیکوس مرده از یک لانه پیدا کردم. پشت آسیاب استخری درست کرده بودند وقتی پر می شد آن را باز می کردند و آسیاب را بگردش درمی آوردند .

در تاریخ ۱۳۵۶/۵/۲۶ در احمدآباد که روستای بزرگی است بره ای را دیدم که از پستان یک الاغ شیر می خورد و بزرگ هم شده بود صاحب آنها فردی بنام حاجی قلیخان شجاعی بود. دختر حاجی مریض شده و توسط دکتر آصفی درمان شد.

در تاریخ ۱۳۵۶/۵/۲۶ ماموریت برای صید چونده و بررسی آنها از لحاظ آلودگی به طاعون بودم که دو نفر را دیدم به طرف روستای حسن جان می‌روند، یکی از آنها جوانی ۲۰ ساله بود و اینک از آنج دو دستش قطع شده بود دو خرگوش را پایسته از گوشش آویزان کرده. علت را جویا شدم گفت: اهل حسن جان هستم و در سن ۴ سالگی بیمار شده‌ام از سراب دکتر آوردند ۱۲ آمپول زدند که موجب نقص عضو و نقص بینی من شده بود

در کوههای سبلان روستای جمال آباد جهرمان نزدیک سراب بیماری پورپورا هموارژیک بین مردم و طاعون بین چونندگان شایع بود .

دفتر ۵۹ ماموریت ۱۹۲ اکنلو، ۱۳۵۶/۶/۱۹

پرسنل: م. حنیفی، قاسمی، م. خیرالله زاده، وهاب حضرتی، اکبرشاهی، نوروزی و زراآبادی.

موتور برق اکنلو بدلیل تنظیم نبودن در مکانش همیشه خراب بود در این ماموریت آقای زراآبادی مکان موتور را کندو آن را تنظیم کردند. دیگر خراب نشد.

۵۶/۶/۲۲- آقای دکتر تقوی، مصباح و همسر آقای دکتر کریمی با بچه‌هایش به اکنلو آمدند، با کیوان پسر ایشان شب به

شکار روباه رفتیم، توسط سوت زدن یک گرگ را از بالای کوه به پایین آورده و شکار کردیم.

۵۶/۶/۲۵/۲۳ شرح آمد و شدهای اکیپ به اکنلو و بر گشت آنها به تهران

۵۶/۷/۳ در آخر ماموریت به تهران رفتیم.

## ماموریت کپور چال

۵۶/۸/۱۰ - ۱۳۵۶/۸/۱۵. پرسنل شرکت کننده در این ماموریت عبارت بودند از: م. حنیفی، مسیوکلن و فردای روز ماموریت یعنی ۸/۱۱/۵۶ دکتراآسمار هم آمدند.

۵۶/۸/۱۳ - به اتفاق دکتر آسمار و دکترکلن به هشتپیر طولش رفت و روز بعد دکتر آسمار به تهران برگشت و من با دکترکلن به بندر فرحناز رفتیم. درمورد جمع‌آوری مگس سیمولیوم با دکترکلن اختلاف پیدا کردیم چون دکتر آسمار از من خواسته بود سمولیوم جمع کنم ولی مسیوکلن مخالفت می‌کرد و من کار خود را انجام دادم و نهایتاً مگس های سیمولیوم را جمع‌آوری کردم.

در مورخه ۵۶/۸/۱۵ به تهران برگشتیم.

## ماموریت گناباد فردوس و طبس

۵۷/۳/۲۳ - ۵۷/۱/۲۹. در تاریخ ۱۳۵۷/۱/۲۹ به گرگان رسیده و شب را آنجا ماندیم و روز بعد به مشهد رسیدیم.

۵۷/۱/۳۱ از مسیر تربت حیدریه حرکت کرده و (از مقبره شیخ ابوالقاسم تورکان عکس گرفتیم) شب به شهر فردوس رسیدیم. در آن منطقه مشغول بررسی و شناسائی جوندگان و بیماری طاعون دربین آنها بودیم.

۵۷/۲/۴ در فرودگاه فردوس یک هواپیمای کوچک موقع نشستن دچار سانحه شد یکی از خلبانها فوت کرد دیگری را با کمک آقای قاسمی نجات دادیم.

۵۷/۲/۵ از شهر فردوس به سمت طبس به راه افتادیم در نزدیکی طبس بنزین تمام کردیم. یک روز در صحراماندیم و در حین کار سه تا پرنده (دوجوجه و یک مادر) که آنها را یورقچه می‌گفتن تعقیب کردم. یکی خسته شد و جلوی پای من افتاد و فکر کردم مرده باشد. همکارم آقای سبزواری صدا کردم پرنده را دید و کمی نوازش کرد اما تا زمین گذاشتیم فرار کرد.

۵۷/۲/۸ - دو تا سوسمار گرفتیم. جهت بررسی از چشمانشان خون گرفتیم، خود آنها را نیز امپایه کردم.

۵۷/۲/۱۲ دکتراآصفی از طبس به فردوس رفتند ماهم چند روز بعد به فردوس رفتیم.

در تاریخ ۵۷/۲/۲۱ به منطقه رباط شور (رئیس فردوس) رسیدیم. آنجا قلعه بزرگی است که شاه عباس نام دارد. با فردی بنام سید هاشم سلیمانی آشنا شدم که ۷۵ سال داشت. او راهنمای ما در منطقه بود دو نوع سوسمار شکار کردیم و امپایه کردیم. یک روز هم مهمان چوپانی شدم. او برایم از شیرگوسفند نان درست کرد و داخل آتشی که از تپاله درست کرده بود نان را پخت و خوردیم.

۵۷/۲/۲۳ به اتفاق آقای زرآبادی برای بررسی موش اوکوتن به روستای مصحبی رفتیم روستا در قسمت شرقی شهر واقع شده بود و در این قسمت که کوهستانی است. روستاهای اسلامی، سرنده، و علی آباد نیز بررسی شد.

تا تاریخ ۵۷/۳/۱۶ رفت و آمد پرسنل در منطقه ادامه داشت. و در این روز من و دکتر کریمی و دکتر مورو، آقای ایمانی پسند، و قاسمی به طبس رفتیم. بعد از ظهر دکتر کریمی و مورو و ایمانی به بیدوخت برگشتند. دکتر کریمی به من گفت: شما بمانید و از این منطقه نمونه شکار کنید و از آنها سرم بگیرید. ما از ساعت ۸ شب شروع به شکار کردیم صبح ساعت ۵ به بیدرخت رسیدیم. تعدادی روباه و شغال شکار کردیم.

۵۷/۳/۸ - دکتر کریمی پور و ایمانی از بیدرخت به تهران رفتند.

۵۷/۳/۱۹ - اکیپ از بیدرخت به مشهد حرکت کرد در فاصله ۱۱۰ کیلومتری تربت حیدریه به مشهد در اطراف روستای اسدآباد مقدار زیادی ستیلوس فولووس دیدم.

از ۵۷/۳/۲۰ الی ۵۷/۳/۲۱ جهت زیارت در مشهد ماندیم. سپس به گرگان رفته و شب را آنجا به سر بردیم و ۵۷/۳/۲۳ به تهران رسیدیم.

۵۷/۴/۳ مرخصی گرفتیم و به همدان- آقبلاغ رفتیم و سپس به گرماب و آنچه کند. تا مورخه ۵۷/۵/۲۰ ماموریت‌های مختلف و بازدید توسط پرسنل و مسئولین از سراب و اردبیل و تبریز و سپس برگشت به تهران- واقعه مهمی رخ نداده است.

## ماموریت از سراب به سراسکندر

۵۷/۵/۲۰

پرسنل دکتر کریمی، م. حنیفی و مسعودی و حضرتی راه سراسکندر از قره چمن می‌گذرد و جهت بررسی و شناسایی جوندگان از نظر طاعون و گوشتخواران از نظر هاری ماموریت داشتیم.

توجه: کروکی قره چمن و سراسکندر به همراه جاده‌های مداخلاتی مابین روستاها و شهرهای اطراف که در پایان فتوکپی آن باید عینا چاپ شود زیرا از نظر موقعیت قرار گرفتن مناطق عملیاتی اهمیت دارد.

در باباکنندی واقع در شمال سراسکندر روستایی وجود داشت و مردی بنام شیخ معصومه توالی از آن روستا در سن ۶۵ سالگی در شمال ده در حال ساخت یک مسجد در بالای تپه بود و از کسی کمکی قبول نمی‌کرد. تمام کارهای کارگری و بنایی را خودش انجام می‌داد. در سمت غربی مسجد ۳ اتاق از سنگ درست کرده بود برای مهمانهای این مسجد که در شمال شرقی باباکنندی واقع است.

۵۷/۵/۲۳- کار در سراسکندر به اتمام رسید و آقای حضرتی به سراب رفت. آقای دکتر کر، مسعودی، و من از اطراف قره چمن به سمت مشهد مشغول شکار شدیم.

درمورد بیت المال بین بنده و آقای دکتر کریمی اختلاف نظر افتاد پس از صید تعدادی شکار نصف شب به سراب رسیدیم.

از مورخه ۵۷/۵/۲۵ لغایت ۵۷/۶/۸ ماموریت از تهران به سراب و مشکین شهر و اردبیل توسط پرسنل و مسئولین مربوطه در نوبتهای مختلف ادامه داشته است و در این مدت ماموریت از نظر طاعون و بیماری‌یابی پورپورا. هموراژیک بوده است. از وقایع اجتماعی این دوره آتش زدن سینما رکس در آبادان بوده است. در مورخه ۵۷/۶/۱۰ در اردبیل تظاهراتی به وقوع پیوست و ۳ نفر مردند و ۵۰ نفر دستگیر شدند و در مورخه ۵۷/۶/۱۴ اکیپ از اردبیل به تهران بازگشت.

ماموریت اکنلو- ۸/۱۳- ۵۷/۸/۲

پرسنل: م. حنیفی، سالارکیا، پیازک، برندک

مشخصات سه وسیله نقلیه مورد استفاده ماموریت، این ماموریت عکس نداشت. در مورخه ۵۷/۸/۴ برای بنزین به بیجار رفتم عروسی آقای احد پسر میرزا محمد دلیچو بود ما را هم دعوت کرده بودند. در مورخه ۵۷/۸/۱۳ در پایان ماموریت به تهران برگشتیم.

در تاریخ ۵۷/۱۱/۱۲ امام خمینی به ایران برگشت در مورخه ۵۷/۱۱/۱۳ عطاءالله جهت ادامه خدمت سربازی بهداشت به جفتیان رفت.

دفتر ۶۱ ماموریت ۱۹۶- اکنلو، ۵۸/۳/۱۴ و ۵۸/۳/۲۸

پرسنل: دکتر عارف میرخانی، م. حنیفی، سالارکیا، خیرخواه، نوروزی، حضرتی

نقشه و کروکی روستاهای اطراف شمیران که با دست کشیده شده و همچنین روستاهای اطراف تهران که برای شناسایی جوندگان و آلودگی آنها کار شده است (۱۳۵۸/۵/۵) - فتوکپی ضمیمه خواهد شد.

دفتر ۶۱- ماموریت ۱۹۸- اکنلو- برنامه مطالعه طاعون، ۷/۲۹- ۵۸/۷/۱۵ و در این فاصله دو بار ماموریت به اکنلو ادامه داشته که اسامی پرسنل و وسایط نقلیه مورد استفاده آورده شده است.



نقشه ۶۱ ماموریت ۱۹۷ (اطراف تهران)، ۵۸/۹/۳۰ - ۵۸/۵/۲۱

در اطراف تهران و تا شعاع ۲۰ کیلومتر خارج از محدوده تهران به مدت ۴-۹ روز کار شد. اصول کار مبنی بر جمع‌آوری گونه‌های جوندگان صحرایی اطراف تهران و شناسایی جوندگان و جدا نمودن اکتوپارازیت‌های و جمع‌آوری انگلهای داخلی و خارجی و شناسایی آنها بود.

پرسنل: م. حنیفی، دکتر امیرخانی، دکتر تروری، پیازک، خیرالله زاده، قاسمی، نوروزی، حسین نیا و آهورلان بود.

## ماموریت اطراف شمال غربی تهران

۵۸/۵/۲۱ جاده سولقان، باغ تنگه، رندون، گشارپائین و بالا و چیگاه

۵۸/۵/۲۳ - سنگ سر، تهران، سولقان، کوهک، چشمه، المپیک، یکه باغ، درخواجه اطراف چیگا، لطیان

در این ماموریتها که تا ۵۸/۵/۲۳ به طول کشید مناطق شمال غربی و شمال شرقی و غرب تهران تحت پوشش قرار گرفت و به تفصیل اسامی روستاهای کار شده و بازدید شده بیان شده است. در این ماموریت همچنین جنوب و جنوب شرق و قسمت جنوب غربی تهران نیز جزو برنامه بوده است.

دفتر ۶۱ ماموریت ۱۹۹ اکنلو، از مورخه ۳/۱۹ - ۵۹/۳/۴ به مدت ۱۵ روز

دفتر ۶۱ ماموریت ۲۰۰ اکنلو، از مورخه ۹/۲۳ - ۵۹/۹/۱۸

جوندگان جمع‌آوری شده از اطراف تهران:

مربون پرسیکوس-مربون ترسترامی-کریستیلوس-راتوس راتوس - راتوس نروژیکوس-اپوگوموس سیلوتیکوس-

کالاموسکوس-الاکتاگا-مربون کراسوس-رومبومیس اپیموس-موس موسکولوس

## ماموریت اکنلو

۱۳۶۰/۳/۲۴، به مدت ۲۰ روز:

پرسنل: دکتر امیرخانی، حنیفی، قاسمی، متولیان، نوروزی، محمد، و همکاری مشهدی، حشمت زارعی از کهنه حصار تا مورخه ۱۳۶۰/۴/۱۳ ماموریت داشتیم، دو مورد ماموریت انجام شد که اسامی پرسنل شرکت کننده و وسایط نقلیه مورد استفاده بیان شده است.

۱۳۶۰/۴/۲۰ - از اکنلو به عزم تهران حرکت کردیم. در نزدیکی کبوترآهنگ اتومبیل آقای محمد خراب شد. ماشین را به مکانیکی شب کار در شهر بردیم. ما نیز در کنار تعمیرگاه روی خاک نشستیم. هواپیماهای عراقی برای بمباران همدان و پایگاه نوژه به کبوتر آهنگ می آمدند و ضد هوایی پایگاه بشدت فعال بود. ما هم وسط خیابان ماندیم.

در مورخه ۶۰/۴/۲۱ به تهران رسیدیم و در مورخه ۶۰/۴/۱ آقایان پیازک، احمدوند، خیرالله زاده برای جمع‌آوری کنه به گنبد رفتند.

۶۰/۸/۱ برای خرج هتل دکتر آسمار، نوروزی، شوقمند در همدان مبلغ ۳۲۳۰ ریال و برای آقایان پیازک، خیرالله زاده به مبلغ ۱۲۰۰ ریال فاکتور گرفتیم.

ماموریت ۲۰۶ - ماموریت ارومیه، ۱۳۶۰/۱۲/۱۱

پرسنل: دکتر آسمار، خیرالله زاده، دکتر بهمن یار، دکتر برزگر و دکتر یونس کریمی از اداره کل مبارزه با بیماریهای واگیر

سازمان مالاریا

گزارش ماموریت: این ماموریت بنا به تلفنگرام ۲۰/۱۰۸۹/۷ مبنی بر بروز یک بیماری مشکوک در مناطق پیرانشهر، اشنویه، پسوه و مهاباد در آذربایجان غربی انجام شد بیماری موجب مرگ بیش از یک نفر در سنین کمتر از ۱۵ سال شده بود این بیماری از تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۶ در این مناطق حادث شده است و بیشتر دخترها را مبتلا می کرد.

علایم بیماری: ناراحتی مردمک چشم، حالت انسفالوپاتی، اغماء و مرگ.  
دفتر ۶۱، ماموریت ۲۰۳، ماموریت سراب و اردبیل، ۱۳۶۰/۶/۲، شماره حکم ۴۵۸۷ - ۶۰/۵/۲۹.  
پرسنل ماموریت: دکتر آسمار، پیازک، م. حنیفی، نوروزی، حسین نیا، غیائی، قاسمی، خیرالله زاده، وسایط نقلیه شامل ۳ دستگاه

بررسی اپیدمیولوژی طاعون در منطقه طاعون خیز سراب در بخش روستاهای چرلی، خاتون آباد، فزگچی، ابرخان، ینگجه، همچنین بررسی وضع لانه‌های جوندگان صحرایی و فعالیت آنها، تله‌گذاری و صید جوندگان وحشی و جمع‌آوری اکتوپارازیتها (کیک‌ها) از روی آنها و انتقال نمونه‌های صید شده به آزمایشگاه از اهداف این ماموریت بود. اکیپ تحقیقاتی در ساختمان بهداری طاران در روستای وابسته به سراب مستقر بود. عکسهای گرفته شده از ایستگاه و همکاران در حال جمع‌آوری کنه از دیوارها در روستای دانباران سراب.

## بررسی موشهای انباری در تهران بعنوان مخزن بیماریهای مختلف

سال ۱۳۶۰

توکسوپلاسموز، بولیا (طاعون، تولارمی، ژیا ردیا)

روش کار: پس از خونگیری و تهیه سرم از یک سر راتوس راتوس، حیوان را کشته در ضمن اسمیر از مغز تهیه شده و آن را با گیمسا رنگ آمیزی می کردیم. بقیه مغز را در مقداری از سرم فیزیولوژیک استریل له کرده و قسمتی از سوسپانسیون تهیه شده را جهت بررسی توکسوپلاسموز به موش سوری تزریق می کردیم. به هر یک از موشها دوزی به مقدار ۱۵۲۲ داخل صفاق تزریق می شد و در کل به هفت موش سوری از این سوسپانسیون تزریق می کردیم.

بقیه سوسپانسیون مغز جهت بررسی بولیز به مقدار ۰/۵ سی سی به طریقه زیرجلدی از کشاله ران می شد بعد از ۳ الی ۴ روز شروع به گرفتن لام می کردیم و به مدت ۱۰ روز اگر مثبت نمی شد حیوان آزاد می شد.

۱۳۶۰/۷/۱۲ بولیا پرسکا به مقدار ۱/۵ سی سی خون از خوکچه هندی یاسوری گرفته شده با محول ۰/۴ نیترات دو سود استریل به حجم ۳ که به ۲/۵ رسانده با وفور انگلی برابر با  $(U=52 \times X)$  یعنی در هرشان (میدان) ۵ میکروب به هر یک از خوکچه‌های هندی به مقدار ۰/۵ سی سی و به طریقی زیر جلدی تلقیح گردد. ۳ روز به مدت ۱۰ روز باید لام گرفت و بعد از ۱۰ روز اگر حیوان منفی و یا مثبت شد باید  $A=$  آرته گردد.

بولیالاتوشوی: به مقدار «۰/۵ سی سی خون از سوری شماره ۹۰ متعلق به تاریخ ۱۳۶۰/۸/۲۰ را گرفته و با نیترات دو سود ۰/۴ به حجم آنرا به یک سی سی می‌رسانیم که اگر در هر یک ۵۰ شان یا میدان میکروسکوپی یک بولیا دیده شود تعداد «۰/۲» از محلول فوق به طریقی زیرجلدی از کشاله ران به سوریهای زیر پاساژ می‌دهیم. بعد از ۳ روز لام باید هر روز گرفت به مدت ۱۰ روز اگر منفی شد حیوان را آزاد می‌کنیم. ماموریت ۲۰۷، اکنلو (تهیه فیلم طاعون در اکنلو) ۱۳۶۱/۳/۱۰ - ۳/۲۰

اسامی پرسنل بهداشتی و اسامی پرسنل فیلم بردار فنی

## ماموریت خوزستان، ماهشهر جهت مداوای مصدومین و مجروحین جنگ

۱۳۶۱/۵/۲۰

پرسنل: دکتر آسمار، نیکویی، م. حنیفی، خیرالله زاده

با هواپیما به اهواز رفتیم آنجا به دو گروه تقسیم شدیم من و نیکویی به ماهشهر رفتیم و دکتر آسمار و خیرالله زاده به شادگان رفتند و در مورخه ۶۱/۵/۲۶ آنها (دکتر و خیرالله) به تهران و در مورخه ۶۱/۶/۱۸ ما از ماهشهر به شادگان و از آنجا با قطار به تهران آمدیم.

## ماموریت اکنلو

۲۰ روز، ۲۶- ۶۱/۸/۱۶

پرسنل: دکتر عارف امیرخانی، م.حنیفی، قاسمی، حضرتی، نوروزی

وسایط نقلیه مورد استفاده پرسنل

تله‌گذاری به اداره مخابرات- خیابان توپچی ۶۱/۲/۱۵

اداره مخابرات خ توپچی نزدیک پل سید خندان افراد همکار: حسین زاده، رضاپور، کتابیان، آقای صدیق که آقای رضا پور

و کتابیان آنجا را از نظر جوندگان تله‌گذاری می‌کردند و در مورخه ۶۱/۲/۲۷ تله‌ها جمع‌آوری و به انستیتوپاستور انتقال یافت

## مطالعه سوری سیاه

۱۳۶۱/۱/۱۷

آقای دکتر مدیر تعداد هشت سرسوری سیاه از دانشگاه به انستیتوپاستور و بخش همه‌گیرشناسی آوردند از تاریخ فوق (۱۳۶۱/۱/۱۷) تا ۶۱/۱۱/۲۰ سوریها تولید مثل کردند و از تعداد بدست آمده ۵۰ سر را برای تهیه آنتی‌ژن توکسوپلاسموز به کاربردیم. ۹۲ سرباقی مانده را طبق دستورکتابی دکتر آسمار در مورخه ۶۱/۱۱/۲۳ به بخش پرورش حیوانات به دکتر صالحی تحویل دادیم.

## مطالعه نزوکیا اندیکا در مورد تولید مثل

در مورخه ۱۳۵۸/۵/۲۵ تعداد ۲۰ سر نر و ماده شکار شدند و در مورخه ۶۱/۱۱/۲۴ زادو ولد کردند و تعداد آنها به ۱۸۲ سر رسید که طبق دستور آقای دکتر آسمار همه را جهت پرورش به بخش حیوانات تحویل دادیم. در همان فاصله زمانی دوساله هم در بیمارستان رازی تهران و چند روستای دیگر از نظر جوندگان موزی تله‌گذاری انجام شد.

ماموریت ۲۰۹، اکنلو- ۸/۱۶- ۱۳۶۱/۷/۲۶

در این ماموریت دکتر امیرخانی وم. حنیفی و دیگر همکاران شرکت داشتند عکس پرسنل شرکت کننده به همراه دکتر

امیرخانی در شهر دیده میشود.

## ماموریت برازجان

۱۳۶۲/۳/۲۰- ۱۳۶۲/۳/۱۷

اسامی پرسنل ۶ نفر، جهت شناسایی جوندگان و گرفتن خون از انسان و حیوان و جداکردن سرم آنها جهت مطالعه

آنتی‌ژن استرالیا و جمع‌آوری مگس سملیوم.

در آن تاریخ آقای کنی معاون امور مالی انستیتو با آقای دکتر آسمار اختلاف داشتند و اضافه کاری من را کم می‌کرد زیرا

کارمند بخش دکتر آسمار بودم.

مشکلات کاری در ماموریت اکثرا با من بود. با وجود اینکه اضافه کاری انجام می‌شد ولی ایشان فقط ۳۰ ساعت می‌نوشتند و برای راننده همراه ما ۷۵ ساعت! در مورخه ۶۲/۲/۲۵ با همکاران به غار شاهپور برگشتیم و در روز ۶۲/۳/۱۷ ماموریت برازجان به اتمام رسید.

از مورخه ۶۲/۴/۱ لغایت ۱۳۶۲/۷/۱۵ به همراه دیگر همکاران به ماموریت اکنلو برای کنترل بیماری طاعون رفتیم. علاوه بر آن ماموریت سرخس برای برنامه ریزی بیماری طاعون در خط مرزی انجام شد. جوندگان و جانوران صید شد که شرح آنها در زیر آمده است.

مریون پرسیکوس، مریون لیبیکوس، مریون مریدیانوس، کریستولوس، موس موسکولوس-اپودموس سیلواتیوس-رومبومیس اپیموس-لیتوداکتیلوس-الاکتاگا-اکوتون-خرگوش-گره وحشی-روبه-شغال-حشره خوار در مورخه‌های ۶۲/۸/۱۵-۶۲/۸/۱-۶۲/۸/۱ ماموریتی به همراه همکاران به اکنلو انجام شد.

### ماموریت زاهدان: بررسی بیماری جذام، لیمشانیوز و لپتوسپیروز

۶۲/۹/۲۴ - ۶۲/۸/۲۲

پرسنل: م. حنیفی، قاسمی، رشید محمد راننده با یک دستگاه لندرور

ماموریت ۲۱۲، اکنلو، ۵ لار- ۱۳۶۲/۱۰/۶

پرسنل دکتر مهدی آسمار به همراه محمد حنیفی و ۷ نفر دیگر از همکاران، وسایط نقلیه مورد استفاده در این ماموریت با قید پلاک آنها.

ماموریت ۲۱۵، بندرعباس: شکارموشهای انباری- صحرایی و گوشتخواران وحشی- منظور بررسی بیماری هاری، تب راجعه، توکسوپلاسموز و هیپاتیت‌های ویروسی و بیماریهای قارچی ۱۱/۵-۶۲/۱۰/۶

پرسنل: دکتر کریمی وم. حنیفی به همراه دکترامیرخانی و دکتر فیاض به همراه ۲ نفر دیگر.

در تاریخ ۶۲/۱۰/۱۰ تله گذاری در داخل کشتی و در تاریخ ۶۲/۱۰/۱۱ دکتر کریمی به همراه آقای احمدزاده و راننده به بندرعباس آمدند.

۶۲/۱۰/۱۴ به همراه آقایان محسنی و سلطانی شب به شکار رفته بودیم نزدیک بود در سایت ۲ ما را به گلوله ببنند. صبح دکتر کریمی و فیاضی و نیکویی به جزیره قشم رفتند.

۶۲/۱۰/۱۵- شکار در شب شروع می‌شد.

۶۲/۱۰/۲۶- همه پرسنل اکیپ به جزیره قشم وهرمز رفتیم.

۶۲/۱۰/۲۷- خونگیری از دامها شروع شد.

۶۲-۱۰/۲۸ من و خسروانی با احمدزاده به شکار رفتیم یک روباه زدم. زخمی شد آقای احمدزاده رفت که آن را بیاورد ولی روباه به انتهای دره حرکت کرد. با دوربین فقط یک نور دیده می‌شد همکارم به من گفت که روباه آنجا خوابیده، من یک تیر شلیک کردم، احمدزاده رفت که آن را بردارد که متوجه شد یک حلب روغن بوده که از سایتها برداشتن و آنجا پنهان کرده بودند.

۶۲/۱۰/۳۰- دکتر کریمی به تهران رفتند.

۶۲/۱۱/۳-۶۲/۱۱/۱۸- اکیپ در آخر ماموریت به تهران برگشت و تفنگ را با جوازهایشان به دکتر آسمار تحویل دادم.

۱۳۶۲/۱۱/۱۶- آقای نوروزی به فرانسه رفت و چهار روز بعد برگشت.

## ماموریت اکنلو

از تاریخ ۶۳/۴/۲۰ ماموریت اکنلو شروع شد و دکترآسمار همراه اکیپ بود. در این ماموریت آقای حشمت زارعی هم با ما همکاری کردند در مورخه ۶۳/۵/۱۷ با اکیپ از اکنلو به سنندج حرکت کرد که نزدیکی قروه لاستیک استیشن ترکید.

ماموریت ۲۱۶، محل زاهدان، از مورخه ۳/۱۰-۶۳/۲/۱۲

پرسنل دکترآسمار، دکترامیرخانی، دکتر افشین زاد به همراه حسن نیکوئی و اینجانب (م. حنیفی) وسایط نقلیه مورد استفاده با شماره پلاک مربوطه عکسهایی از ماموریت و پرسنل درحال انجام کار نمونه‌گیری و جمع‌آوری نمونه از وقایع جالب این ماموریت آشنا شدن با یک راننده تریلی بعد از اولین پاسگاه ماهان که خودش راننده تریلی وانت بود و خانمش راننده شریکی دیگری بود.

در مورخه ۱۳۶۳/۴/۲۰ الی ۶۳/۵/۱۸ ماموریتی به اکنلو داشتیم که عکس نگرفتیم.

درصفحه ۷۸ کتاب کروکی و نقشه مناطق کار شده در بوشهر از مورخه ۶۴/۲/۳ الی ۶۴/۳/۱ که درنسخه چاپ کتاب می‌باید عینا یکی آن قید شود.

ماموریت ۲۱۸، بندرعباس ۷/۱۵-۱۳۶۳/۶/۲۴

اسامی پرسنل شرکت کننده به همراه وسایط نقلیه مورد استفاده در این ماموریت دکترآسمار به همراه دکتر امیرخانی و ۹ نفر از پرسنل از جمله م. حنیفی شرکت داشتند.

ماموریت بوشهر، شناسایی جوندگان و آلودگی آنها ۶۴/۳/۱ و ۶۴/۲/۳

پرسنل: دکترآسمار، دکتر امیرخانی به همراه ۹ نفر از همکاران از جمله م. حنیفی

مشخصات وسایط نقلیه مورد استفاده با پلاک آنها

## ماموریت بوشهر

۶۴/۳/۱ و ۱۳۶۴/۲/۳

پرسنل: دکترآسمار، م. حنیفی و ۴ نفر دیگر از همکاران، در مورخه ۶۴/۲/۶ دکترآسمار به همراه م. خیرالله زاده به تهران برگشتند زیرا ماموریت آنها ۳ روز بود.

مناطق کارشده داخل شهر: انبارهای ۵-۱ و بیمارستان ح فاطمه. مناطق کارشده در روستاها:

۱- امامزاده، قریه ری شهر، قریه تنگک اولی، زنگنه، تنگک سفلی، هلیله، سرتیل، آشور، جبری، مزرعه جوندگان صید شده:

۱- نزوکیا ۲ عدد

۲- راتوس راتوس ۸۸ عدد

۳- راتوس نروژیکوس ۶۲ عدد

۴- تاترایندیکا ۴ عدد

۵- موس موسکولوس ۴۰ عدد

۶- مریون پرسیکوس ۱ عدد

۷- راتوس نروژیکوس یک

توضیح: در صفحه پشت ۸۷ نقشه راهها و موقعیت قرارگرفتن روستاها و شهرها در تهران به قم و اصفهان شیراز و برازجان و بوشهر ترسیم شده است که درهنگام حیات عینا فتوکپی آن باید چاپ گردد. دشت ارژن منطقه‌ای وسیع است که اطراف آن را کوههای کم ارتفاعی گرفته است و آبشاری از کوه سرازیر می‌شود و در یک کیلومتری پایین آب جمع می‌شود همانند دریاچه، قدمگاه ح. علی و سلمان فارسی آنجا واقع شده که زیارتگاه منطقه و مسافرین است.

## ماموریت اکنلو

۶۴/۴/۲۳ و ۶۴/۴/۴

پرسنل: م. حنیفی، م. خیرالله زاده، قاسمی، نوروزی، درمورخه ۶۴/۴/۲۰ آقایان دکتر آسمار، میلانی نیا و سلطانی به اکنلو آمدند شب به شکار رفتیم فردا صبح قنداق تفنگ خونی شده بود ۶۴/۴/۲۱ تفنگ دوربین دار را دکتر میلانی داخل جوی آب و زیر آب گذاشت که تمیز شود و بعد از شستن تفنگ خراب شد پنج تیر پران را داخل ماشین امتحان می کرد که اشتباهها ماشه را کشید و یک تیر خالی شده و شیشه های ماشین شکست و همان روز ماشین را بردند همدان و تعمیرش کردند . دوربین تفنگ را فرستادند امریکا تا از همان نوع بخرند. اما پیدا نشده بود. دوربینی دیگر را جایگزین دوربین اصلی کردند که به تفنگ نمی خورد و اصل دوربین در امریکا ماند.

۶۴/۴/۲۳- دکتر میلانی و دکتر آسمار و سلطانی راننده به تهران رفتند .ماموریت به پایان رسید و به تهران بازگشتیم.

## ماموریت دشت مغان

۱۳۶۴/۴/۲۵ - ۶۴/۵/۳۱

گزارش ماموریت به ریاست بخش همه گیرشناسی انستیتو پاستور ایران:

پرسنل: م. حنیفی، قاسمی، نوروزی و ضربعلی زاده، عطاری و صادقی با وسائط نقلیه تویوتا، لندکروز و جیپ و کامیون محتوی وسایل

جهت بررسی بیماری طاعون و تب راجعه و تولارمی به سمت آذربایجان شرقی و پارس آباد مغان حرکت کردیم و در مورخه ۶۴/۶/۴ خود را به درمانگاه پارس آباد معرفی کردیم. در شهرک غرب علی رضا آباد تا مورخه ۶۴/۶/۲۲ مشغول انجام ماموریت و بررسی مناطق شدید. در مورخه ۶۴/۶/۲۳ به سراب عزیمت نمودیم و تا ۶۴/۷/۲ در شهرستان سراب درمانگاه رازلق مشغول بررسی مناطق و جمع آوری نمونه های حیوانات شکار شده بودیم. در تاریخ ۶۴/۷/۱۰ به تهران عزیمت کردیم متاسفانه در مسیر جاده مابین میانه و پاسگاه نیک پی زنجان اتومبیل جیپ آقای قاسمی واژگون شد که منجر به فوت نامبرده و مجروح و بستری شدن آقای نوروزی گردید (بیمارستان زنجان).

مدت این ماموریت ۴۰ روز بود آقای صادقی در مورخه ۶۴/۶/۲۲ به همراه تعدادی از نمونه های جمع آوری شده به تهران عزیمت و سپس به اکیپ تحقیقاتی سراب ملحق شدند. در تاریخ ۶۴/۷/۱۰ اکیپ همگی به تهران باز گشت. در این ماموریت حیوانات شکار شده به شرح زیر است:

۱- مریون پرسیکوس ۲۴۴ سر

۲- مریون تریستیرای ۶۰ سر تعداد زیادی به بولیا آلوده بودند.

۳- مزوکریس توس ۱ سر

۴- آرویکولا ۲ سر

۵- کریستیولوس ۸ سر

۶- میکروتوس ۱۸ سر

۷- راتوس نروژیکوس ۹ سر

۸- کریسدورازارودونی ۱ سر حیوان حشره خوار

۹- موش خانگی ۱۱ سر تمامی حیوانات از نظر طاعون منفی بودند.

حیوانات آزمایشگاهی مورد استفاده: ۱- موش سوری ۲۵۶ سر، ۲- خوکچه هندی ۸ سر  
تعداد کشت نشده کیک ۵۳ نمونه.

کیک ارسال نشده به تهران جهت شناسایی: ۵۰۰ عدد، روده حیوان جمع آوری نشده برای مطالعه انگل ۲۰۰ نمونه، کنه

ارسالی به تهران جهت شناسایی: ۱۱ لوله، سرم جوندگان ۳۹ نمونه

در حین کندن لانه روباه و جوندگان در دشت مغان در مسیر رودخانه آجی آشماتزدیک قریه قبادکندی در اثر گزش کنه مبتلا به بورلیا شدم. علایم بیماری با خستگی و تب در روز ششم ظاهر شد در روز نهم آلودگی به بورلیا با گرفتن لام تایید شد که اقدام به تزریق و خوردن آنتی بیوتیک تتراسیکلین نمودم بعد از ۴۸ ساعت تب قطع و بهبودی پیدا کردم. با توجه به فوت عظیم قاسمی و حوادث و سوانح دیگری که بارها در طی سالیان متمادی برای پرسنل اتفاق می افتد و آنها مدام در معرض ابتلا به انواع بیماریهای خطرناک و بعضا غیرقابل درمان هستند که حتی شاید بعضی از آنها ناشناخته هم باشند پیشنهاد کردم که نوعی سیستم بیمه برای این گونه اتفاقات پیش بینی گردد که مراتب در مورخه ۶۴/۷/۱۵ طی نامه ای به مقامات منعکس شد.

دشت مغان، صدور حکم ۶۴/۵/۳ - ۵۰۱۸ / ۷/۱۰ - ۶۴/۶/۲

جهت بررسی و شناسایی جوندگان و بیماری طاعون بین آنها و تب راجعه اسامی پرسنل به تعداد ۶ نفر و وسایط نقلیه مورد استفاده

در تاریخ ۶۴/۵/۳ از تهران به سمت دشت مغان حرکت کردیم. شب را در آستارا ماندیم و در مسیر بندرانزلی اکیپ دکتر قدمعلی را دیدیم. در مورخه ۶۴/۶/۳ به پارس آباد رسیدیم و به شبکه بهداری رفته و درعلی رضا آباد و در بیمارستان شهرک غرب بهداری اسکان یافتیم. در تاریخ ۶۴/۳/۴ آقای قدمعلی زاده با کامیون حامل وسایل آزمایشگاهی رسید و فردای آن روز به تهران رفت.

در ۶۴/۶/۶ من به محل اصلان دوز رفته و به بررسی منطقه جهت شکار جوندگان پرداختم.

در ۶۴/۶/۱۱ در حومه روستای قبادکندی باد خیلی شدید و طوفانی بود. خواستم که از لانه جوندگان تعدادی کنه اورنیتودورس تولرزانی جمع اوری کنم به آقای صادقی و عطاری گفتم احتمالا این کنه ها آلوده هستند و شما اندکی دورتر بایستید و آنها قبول کردند.

سه عدد کنه گرفتم و دیدم دست راست مرا از دو جا مورد گزش قرار داده اند و موضوع را به همکاران گفتم بعدا در ۶۴/۶/۱۶ احساس خستگی و کوفتگی می کردم و گاهی هم احساس سرما و تب خفیفی هم داشتم.

سه روز بعد من کاملا تب داشتم و بعضا حتی به ۴۱ درجه هم می رسید و گاه گاه دچار لرز هم می شدم، به آزمایشگاه مراجعه کردم و به آقای قاسمی و نوروزی گفتم: فوراً از من خون بگیرید که من تب راجعه گرفته ام. آنها ابتدا خندیدند و باور نکردند. نمونه تهیه و لام آماده شد که در بررسی دیدم مثبت است و بورلیاها کاملاً دور هم می گردند بلافاصله مصرف دارو (کپسول و آمپول تتراسیکلین) را شروع کردم. یک هفته هر ۴ ساعت دو کپسول و روزی یک آمپول تزریق می کردم. اما همانطور با همان وضع کار را ادامه داده و ماموریتم را انجام می دادم.

## ماموریت دشت مغان

۶۴/۶/۱۹

اسامی روستاهای کار شده جمعا به تعداد ۱۲ روستا، در روستای قشلاق گل ملی و قشلاق تله گذاری کردیم. از روستائیان حاجی حسن آذرمی و قارداش اوغلو شنیدیم که روایت می کردند در نزدیک روستا دو چاه وجود دارد که به آنها زاغه می گویند و در داخل آنها مارهای بزرگی زندگی می کند اما بنده تله گذاری کردم و چیزی ندیدم حتی داخل زاغه ها نیز تله گذاشتم.

۶۴/۶/۱۲- رودخانه آجی چشمه که از طرف جهاد سازندگی ساخته شده و به طرف قباد کندی می رود در مسیر دشت قشلاقیهای زیادی از جمله آجی چشمه، نوراحمد، حاجی قومیش وجود دارد.

در مسیر فوق و سد آجی چشمه و قبادکندی دو قبرستان بزرگ وجود دارد به اسامی اجاق و قبرستان تومار قشلاق که تعداد ۴۰ عدد کنه تولوزانی از آنجا جمع کردیم.

۶۴/۶/۱۵- در بخش شرقی پارس آباد دهاتی بنام اجیرلی و ایران آباد قدیم است که در آنها جوندهای بنام موشاول وجود داشت که جوجه ها را می خورد (بعدها جمجمه این حیوان را پیدا کردم متوجه شدم راتوس نروژیکوس است). در آن روستاها

کوزه‌های بزرگی است که به جای مشک داخل آنها ماست ریخته و بهم می‌زنند، این کوزه‌ها را نهره می‌نامند. از خانمی بنام ماه صنم در حال زدن نهره عکس گرفتم که از ماست کره می‌گرفت. در تاریخ ۶۴/۶/۲۲ آقای صادقی به تهران رفتند. در تاریخ ۶۴/۶/۲۳ اکیپ از دشت مغان به سمت سراب حرکت کردند در این ماموریت راننده کامیون آقای ضربعلی زاده بود و همراهان عبارت بودند از: نوروزی، قاسمی، صادقی و عطاری  
۶۴/۶/۲۶- ماموریت دشت مغان:

در این تاریخ دکتر آسمار با خانواده به سراب آمد و روز بعد به تهران رفتند. آقایان خیرالله زاده و غضنفری از تبریز به سراب آمده و بعد از صرف نهار به اردبیل رفتند. اسامی روستاهای کار شده در سراب شامل ۹ روستا که با اسامی محلی آنها قید شده است به همراه اسامی روستاهای کار شده در اردبیل شامل حمیدآباد، مهمان دوست بالا و پایین، زردآلو و کوزه توپراقی جوندگان شکار شده در این ماموریتها:

کریستیلوس-ارویکولا-مزوکریستوس -الاکتاگا -مریون ترسترامی -مریون و نیوگرادی -مریون پرسیکوس - میکروتوس سوسالیس -راتوس نروژیکوس -کریسیدورازاردونی -ماگیت  
کریسیدورازاردونی با تشخیص من بود.

۶۴/۷/۳- آقای صدقی و احمدزاده با سلطانی به سراب آمدند برای حمل وسایل ماموریت به تهران  
۶۴/۷/۱۰- حرکت اکیپ از سراب به تهران جیب کروکی به راننده آقای میرعظیم قاسمی بین پاسگاه پلیس پنک پی از جاده منحرف و واژگون گردید که متاسفانه آقای قاسمی همان اول فوت کردند و آقای نوروزی هم زخمی شدند و به بیمارستان زنجان بردیم جنازه را بعد از بازجویی پاسگاه به تهران آوردیم. بعد از این ماجرا آقای صنمی و صادقی دوبار ماموریت گرفتند و به بیجار رفتند تا مشاهده و گزارش نمایند.

درخواست م. حنیفی به ریاست بخش همه‌گیرشناسی که تقاضا نموده‌اند ایشان را از رانندگی اتومبیل معاف دارند. (عین درخواست فتوکپی و در کتاب آورده شود).

در درخواست مورخه ۱۳۶۴/۱۱/۲۲ نامه‌ای مجدد به ریاست بخش مربوطه می‌نویسد و در آن از خدمات خود در تحقیقات یاد کرده و به مسئولیتهایی که در طول ۲۷ سال خدمت داشته و تجاربش در رانندگی و مشکلاتی که موجود بوده و اینکه در قبال این مشکلات کوچکترین مزایایی دریافت نکرده است اشاره نموده و از مسئولین مالی و اداری انستیتو که در مقابل خدمات خود اظهار گلايه می‌نماید و می‌افزاید که گویا رانندگی کردن ولو غیر قانونی بوده و چرا مسئولین تاکنون بدین امر توجهی ننموده‌اند در پایان تقاضا می‌کند که او را از رانندگی با اتومبیل در ماموریتها معاف داشته و شخص دیگری رانندگی نماید.

کلمه ماموریت رسمی آقای م. حنیفی برای عزیمت به سیستان و بلوچستان برای بررسی خون جوندگان با اتومبیل لندکروز که مقرر نشده بود خودش رانندگی نماید (عین فتوکپی کلمه در کتاب چاپ شود) ۶۴/۱۱/۲۷

## ماموریت زابل

۶۴/۱۱/۲۷ - ۱۲/۲۶

پرسنل: م. حنیفی، حامد حنیفی، امیری، بالندکروز به رانندگی آقای حنیفی  
در تاریخ فوق از تهران حرکت کردیم و شب در مهمانسرای سبزوار استراحت کردیم راه بسیار برفی و یخبندان بود و اکثر ماشینها در راه مانده بودند.

۶۴/۱۱/۲۸- شب را در کاشان به سربردیم و روز بعد به زابل رسیدیم.

۶۴/۱۲/۲۰- تگرگ شدیدی در شهر زابل بارید که منجر به شکستن شیشه و پنجره‌ها گردید.

۶۴/۱۲/۲۶- آخرین روز ماموریت زابل

حیوانات شکار شده جمعا: ۹۱ سرمی باشد که تعدادی از آنها را امپایه شده به تهران آوردم.



۱- تاترا ایندیکا ۱۶ سر، که دو مورد به میکروفیلرها آلوده بوند و یک مورد انگل نماتود دستگاه گوارش توسط آقای دکتر موبدی از دانشکده بهداشت جدا شد.

۲- ژربیلوس نانوس ۴۲ سر

۳- نمس کوچک ۸ سر

۴- موش خانگی ۶ سر

۵- مریون گراسوس ۲ سر

۶- نزوکیا ۴ سر

۷- ژربیلوس چیزمانی ۶ سر

۸- آلاکتاگا ۳ سر

۹- جوجه تیغی ۳ سر

۱۰- شغال ۲ قلاده

۱۱- روباه ۱ قلاده

حیوانات و جوندگان امپایه شده در ماموریت فوق و تهیه مجموعه‌های آنها جهت مطالعه و شناسایی کامل به تهران ارسال شد.

۱- تاترا ایندیکا ۶ سر

۲- ژربیلوس نانوس ۲ سر

۳- موش خانگی ۲ سر

۴- ژربیلوس چیزمانی ۱ سر

۵- نزوکیا ۲ سر

۶- آلاکتاگالاتر ۲ سر

۷- نمس کوچک ۶ سر

۸- مریون گراسوس ۱ سر

۹- جوجه تیغی ۳ سر

۱۰- شغال ۲ قلاده

۱۱- روباه ۱ قلاده

۱۲- جمع‌آوری روده حیوانات شکار شده ۳۱ مورد جهت انگل‌شناسی، کیکهای جمع‌آوری شده از روی حیوانات ۲۰۱ عدد جهت شناسایی، سرم جمع‌آوری شده از حیوانات ۹ مورد بود که به همراه تعدادی از جوندگان شکار شده که بطور زنده جهت مطالعات سیتوژنیک و بررسی آنها به تهران و اداره آورده شد. این گزارش مربوط به مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۸ می‌باشد.

### ماموریت اکتلو - جهت بررسی بیماری طاعون

۱۳۶۵/۵/۱۹ - الی ۶۵/۴/۲۱

اسامی پرسنل: م. حنیفی و م. خیرالله زاده، حسین نوروزی با ماشین لندکروز

در مورخه ۶۵/۵/۱ آقای مهندس ذاکری و خدایارپور به اکتلو آمدند.

آقای خیرالله زاده شب در منزل حاجی عباس در قریه اکتلو خوابیده بود ایشان را کنه نیش زد و جای نیش کبود شده

بود و ورم داشت و همانند پورپورا هموراژیک سیاه شد.

در تاریخ ۶۵/۶/۸ در راه ماموریت ماهشهر مشاهده کردیم که محل گزش کنه بر روی بدن آقای م. خیرالله زاده مجددا

مثل اول و همانند بیماری پ. هموراژیک سیاه شده بود.

ماموریت الکنلو: (بررسی طاعون در حیوانات وحشی) ۶۵/۵/۲۷-۶۵/۵/۲۳  
اسامی پرسنل و رانندگان در ماموریت  
ماموریت ۲۲۴، محل اکنلو ۱۳۶۵/۴/۲۲  
اسامی پرسنل شرکت کننده در ماموریت و وسایط نقلیه مورد مصرف با پلاک آنها

### ماموریت ماهشهر، بررسی نوع جوندگان و آلودگی آنها

۶۵/۶/۲۲ - ۶۵/۶/۱۸

پرسنل: آقایان کتابی، حنیفی، خیرالله زاده، عطاری، سودمند  
وسایله نقلیه: قطار،

در این ماموریت ریاست شبکه و معاون وی و مسئولین مبارزه با مالاریا و جمعی از کادر بیمارستان شهدای ماهشهر نیز با ما بودند.

مناطق کار شده: جان سویره رامیدیه، شاهزاده حمزه، جاده امامزاده جیری و آقا جاری، دیلم شاه عبدالله، قریه بوطاهری، هنديجان

جوندگان شکار شده:

راتوس راتوس - راتوس نروژیکوس - موس موسکولوس - ژربیل - تاترا ایندیکا - ژربیلوس نانوس - ژربیلوس چیزمانی -  
مريون کراسوس - لاکتاگا - جاکولوس

رودخانه‌هایی که در ماهشهر و حومه جریان دارند:

۱- هنديجان: رودخانه زهره از رود مارون سرچشمه می‌گیرد.

۲- رودخانه جراحی از رامهرمز سرچشمه می‌گیرد.

۳- رودکارون از زردکوه اصفهان و سدکارون در مسجد سلیمان

۴- رودخانه دز از کوههای لرستان سرچشمه می‌گیرد.

### ماموریت اکنلو جهت بررسی بیماری طاعون، مدت ماموریت ۳۰ روز

۶۵/۴/۲۱ - ۵/۱۹

اسامی پرسنل و وسایله نقلیه مورد استفاده با پلاک‌های مربوطه در این ماموریت دکتر آسمار و آقای حنیفی و حسن طارا  
از سپاه پاسداران و ۸ نفر از همکاران

جوندگان شکار شده در این ماموریت:

۱- مريون پرسیکوس ۴۶۶ سر

۲- مريون وینوگرادووی ۱۲ سر

۳- مريون لیبی کوس ۱۵ سر

۴- مريون ترسترامی ۲ سر

۵- کالا موس کوس ۴ سر

موش سوری مصرف شده در آزمایشگاه ۲۱۴۳ سر

## ماموریت سندج: در مورد بررسی بیماری روستای تخته

۶۵/۶/۲۸ - ۶/۳۱

پرسنل: دکتر آسمار، حنیفی، خیرالله زاده و غیائی

بعد از بررسی گزارش بیماری در روستای تخته و از آنجایی که احتمال بیماری طاعون جود داشت تصمیم گرفته شد تعدادی از پرسنل بیایند و از جوندگان روستاهای مشکوک نمونه برداری کنند تا جواب قطعی داده شود.

ماموریت سندج: جهت بررسی بیماری روستای تخته از نظر طاعون: ۶۵/۷/۱۲ - ۶۵/۶/۲۷

پرسنل آقای حنیفی و ۵ نفر دیگر از همکاران با وسیله لندکروز

جوندگان شکار شده:

۱- مریون پرسیکوس

۲- مریون ترسترامی

۳- کریستلوس

۴- الاکتاگا

۵- موس موسکولوس

۶- میکروتوس سوسیالیس

بعد از بررسی نمونه‌ها در آزمایشگاه نتیجه منفی بود. در این ماموریت جمعی از پرسنل محلی و دولتی همکاری خوبی با اکیپ داشتند. (در صفحه ۹۷ کروکی و موقعیت قرارگرفتن سندج با محل‌های کار شده ترسیم شده است).

## ماموریت زابل: جهت بررسی خون جوندگان

۶۵/۸/۱ - ۶۵/۸/۳۰

پرسنل: دکتر محدث، حنیفی و امیری، سه نفر اول با هواپیما و بقیه با ماشین،

در تاریخ ۶۵/۸/۷ آقای دکتر محدث از زابل به تهران رفت و در ۶۵/۸/۱۵ دکتر آسمار با آقای نرگس به زابل آمدند و در تاریخ

۶۵/۸/۲۷ دکتر آسمار به تهران رفتند.

در تاریخ ۶۵/۸/۲۰ دکتر قهرمانی و دکتر بلوچ و دکتر موبدی و چند نفر دیگر از دانشکده بهداشت جهت شکار پرندها

شکاری به زابل آمدند. من یک مار جعفری در شب شکار کرده بودم. دکتر بلوچ مار را از من خواست که من مار را به ایشان

ندادم و آقای دکتر موبدی یک دسته پول آورد و گفت ممکن است شما لازم داشته باشید پیش شما بماند عرض کردم پول

دارم و با تشکر قبول نکردم.

در ۶۵/۸/۲۶ دکتر محدث به زابل آمدند و در ۶۵/۸/۳۰ در پایان ماموریت با هواپیما به تهران برگشتیم.

## ماموریت چابهار

جهت تشخیص جوندگان و بررسی آنها از نظر آلودگی به تب‌های بازگرد، طاعون، تریپانوزوم و غیره

۶۵/۱۰/۱۴ - ۶۵/۱۱/۱۴

پرسنل آقای حنیفی به همراه ۴ نفر دیگر از همکاران با همکاری افراد و پرسنل بهداشتی زاهدان و چابهار.

روش کار: سطح شهر را به ۵ ناحیه تقسیم کردیم که در هر ناحیه ۵ مکان و هر مکان ۲-۴ عدد تله سیمی گذاشتیم

نواحی ۵ گانه به شرح زیر می‌باشد سعیدآباد، منازل پلاژها، بازار فجر، شریها، منازل شهربانی و سپاه

جوندگان شکار شده در شهر و حومه چابهار:

- ۱- راتوس راتوس
- ۲- راتوس نروژیکوس
- ۳- موس موسکولوس
- ۴- خارپشت
- ۵- مریونس هوریانه
- ۶- ژریلوس نانوس
- ۷- تاترا ایندیکا

آلودگی جوندگان هوریانه‌ها چابهار را درآزمایشگاه به سوری‌ها تزریق کردیم ۲۴ ساعت بعد سوری‌ها تلف شدند و بعد از آنها کشت تهیه کردیم که شبیه تولارمی بود. نمونه‌ها را به اداره برده و جواب خواستم و گفتند سودوکواست؟! (سودوکو نوعی اسپروکت است که با گزش موش انسان را مبتلا می‌کند)

کروکی و موقعیت چابهار با روستاها و مناطق اطراف کار شده دستی ترمیم شده است کارکنان پارک کوپان : آقای سنگ تراشی و دلمراد دبیر، محمد پیله، رمضان آوش، تشک پاتیک

قلعه طبس کوپان روی یک تپه واقع شده بود. در وسط قلعه یک چاه خیلی عمیق وجود دارد. این قلعه داخل پارک طبس کوپان قرار گرفته اطراف قلعه آثار سفالهای شکسته بسیاری وجود دارد و کوه کوچک مخروطی شکل بنام متینگ در قسمت جنوبی پارک قرار دارد. در شمال پارک زیارتگاهی بنام شیخ مراد یا شاه مراد واقع شده که مردم برای زیارت به آنجا می‌آیند. و نرسیده به پارک طبس کوفان از چابهار یک چاه آب شیرین است که آب آشامیدنی چابهار از آنجا می‌آید. سد پیشین: سدی است بسیار بزرگ و نیمه کاره روی رودخانه سرباز. بعد از قریه گز منزل و به فاصله ۲۳ کیلومتری گز منزل بنا شده است از سد پیشین تا چابهار ۱۶۵ کیلومتر است در ضمن آب سد شیرین است و سوسمارهای بزرگ (کروکودیل بنام گاندو) در آن زندگی می‌کنند.

۱۳۶۵/۱۰/۱۴: اسم درختهای چابهار

این درختها که به درخت یا درختچه توج معروف هستند به دو شکل دیده می‌شوند در منطقه باهوکلات و دشت ری و در پارک چابهار زیاد است آن درختچه پوشیده از برگهای سبز و نا مطبوع و بدبو است واز ریشه این درخت در سابق بعنوان مسواک جهت پاک کردن دندانها استفاده می شده است.

درخت کنار: درختی است چتری و با میوه‌ای فراوان و خوشمزه که سنجابه‌های هدوک (فنامبلوس) از میوه این درخت تغذیه می کنند.

درخت اوکالیپتوس: بیدمشک درختی است بلند با برگهای معطر که کاربرد طبی دارد در سرماخوردگی به شکل بخور استفاده میشود.

درخت شیرین: درختی است بزرگ و چتری مثل حلیله و تلخ است.

درختان موجود در پارک طبس کوفان:

درخت کهور محلی: درختی است بزرگ و چتری که دارای خارهای کوچک بوده و سنجابها بالای این درختان غذا خورده و استراحت می کنند.

درخت کهور پاکستانی: درختچه بزرگی است خاردار با ساقه‌های بلند و دارای برگهای بریده که میوه‌های آن شبیه لوبیا است در بندرعباس آن را کرت نامند.

درخت جیش: درختی است با ساقه‌های بلند و تیغ‌های بلند و نوک سفید که در منطقه باهوکلات زیاد است.

درخت کلیر: درختی است که ساقه‌اش سوزنی با مزه گس و تلخ مانند گل‌های آن به رنگ قرمز و میوه‌اش شبیه پسته به رنگ قرمز مثل خرمالو و لزج است.

درخت گز، درخت کهور: درختی است که شبیه کناراما بلندتر از آن است .

درختچه دی و ئی: در بندرعباس درخت کرت نامند. دارای خارهای زیاد و میوه آن شبیه لوبیا است .

خرگل که به گل جالیز معروف است/ درخت گز/ کلیز: بوته‌ای است با برگهای سوزنی با طعم گس که در روستاهای کردستان برای درآوردن مشک آب یا مشک ماست جهت گرفتن کره استفاده دارد در ترکی آنرا برخ نامند. درچابهار غذای شترهاست و از ریشه‌های آن مسواک درست می‌کنند.

درخت آملی: درختی است بلند و خاردار با گل‌های ریز شبیه به برگ یونجه

درخت جمو: درختی است شبیه گیلاس که از درخت گیلاس بزرگتر است.

درخت چگو: شبیه درخت لیمو بوده برگ‌هایش مثل درخت بادام و میوه‌اش شبیه ازگیل است شکل میوه کمی بلندتر و

شیرین می‌باشد و لذیذ است

## قریه گز منزل

در سال ۱۳۶۳ به همراه دکتر آسمار در سمینار جهاد سازندگی جهت آموزش افراد برای مبارزه با جوندگان رفته بودیم. ۶۵/۱۰/۲۶: به قریه گز مراجعه کردیم درختی آنجا بود بنام خربزه که در زبان بلوچی پاپایا و یا لارتیچک هم می‌نامند. تک پایه است و باید نرماده پیش هم باشند که تا میوه دهد. این درخت را زیتون نیز گویند.

درخت مکرزنان: کرک یا انجیر معابد هم نامند درختی است بزرگ و تنومند که برگ‌هایش شبیه برگ گردو که از شاخه‌ها، ریشه به طرف زمین آویزان میشود وقتی به زمین رسید به زمین فرو می‌رود و بعد از چند سال که رشد کرد برای درخت اولیه تکیه‌گاهی میشود این درخت در چابهار مکر زنان و در بوشهر اسمش لول می‌باشد.

گنج تسمه-گسته گنج: هندوانه ابوجهل/ پج: درخت خرما/ جش: درختی با شاخه‌های بلند و تیز/ چماتو: گوجه فرنگی/ لوگ، متاک، متیک، هور: قریه و منزل / آسیوس: یونجه و در زابل سبت نامیده می‌شود/ درخت کائوچو: در باغ طبس چابهار از شیریه‌های این درخت لاستیک می‌سازند این درخت در دوره رضاشاه به باغ طبس آورده شده است.

درخت زیتون: میوه آن مثل گل‌ابی بزرگ رسیده است زرد رنگ و داخل دانه آن مثل انجیر و بسیار معطر است و خوشبو، دانه‌های داخلش سفت و مثل انجیر زیاد است.

در بندرعباس درختی بنام بیاراست که شبیه عرعر است برای تکثیر آن اطراف درخت را به شکل دایره به عمق چند سانتی‌متر گود می‌کنند تا ریشه درخت بالا بیاید سپس جوانه‌ها را به شکل نشاء در جای دیگر می‌کارند.

۶۶/۶/۱۶- ماموریت قرچک ورامین: در این ماموریت من با تنی چند از همکاران و سه نفر از سپاه پاسداران شرکت داشتیم. هدف شناسایی جوندگان و بررسی آلودگی آنها بود.

جوندگان شکار شده عبارتند از:

مریون پرسیکوس- مریون لیبیکوس- رومبومیس- ژریلوس- نانوس- نزوکیا ایندیکا- کالاموکوس- اپوموس سیلواتیکیوس-

موس کولوس- الاکتاگا- مریون کراسوس

خاطره‌ای از آقای نادعلی ابراهیمی ساکن قلعه بلند مالک سلطان آباد: در دوران جوانی که با شتر به تهران گندم و کاه می‌بردیم در یک روز صبح به میدان مولوی رسیدیم (زمان رضا شاه) دیدم مردم زیادی جمع شده‌اند متوجه شدم که نانوايي نان را مبلغ ۱۰ شاهی گران فروخته است و به دستور وزیر وی را به تنور انداختند.

در صفحه ۱۰۲ نقشه و کروکی ابردژ ورامین و موقعیت روستاهای اطراف مشخص شده است که عینا فتوکپی و در کتاب

چاپ شود.

## ماموریت اکنلو

۱۳۶۶/۳/۲۵ - ۱۴/۲۴

پرسنل دکتر آسمار به همراه تعدادی از همکاران از جمله م. حنیفی و حامد حنیفی که هر کدام از ۵ روز تا یک ماه در این مأموریت بودند.

۱۳۶۶/۳/۲۸- موقع برگشت از صحرا جیب آقای م. رضا عباسی در جاده آقداش سرخاب واژگون شد و آقایان امیری و غضنفری و عباسی زخمی شدند. زخمی‌ها را با جیب آقای حاج عباس اکنلوئی به پایگاه نوژه فرستادم. خودم به همراه آقای غیائی تا حدی ماشین را روبراه کرده و با لندکروز بکسل کردیم. در نزدیکی سرخاب شیشه جلو جیب ترکید و صورتم را زخمی کرد، در هر حال جیب را به اکنلو رساندیم. با آقای غیائی به سراغ زخمیها رفتیم سپس به دکتر آسمار تلفن زدم زخمیها را به بیمارستان اکباتان همدان بردیم و آقای خیرالله زاده را پیش زخمیها گذاشته و خود به اکنلو برگشتم.

۶۶/۳/۲۹: دکتر آسمار به همدان آمدند و آقایان عباسی و غضنفری را به اکنلو آوردند و امیری را که شانه‌اش شکسته بود به تهران منتقل کردند.

مأموریت تا مورخه ۶۶/۴/۲۲ ادامه یافت و در این مدت در روستاهای سرین، آق بلاغ از کیک هاو درقمش دره در لانه مریون پرسیکوس و در نهایت در ملک جبرئیل مورد مثبت طاعون جدا شد.

در صفحه ۱۰۴ نقشه راههای اصفهان و اراک و شهرهای مسیر مشخص شده است.

در صفحه ۱۰۵ شرح کوتاهی راجع به مأموریت‌های اراک و قم و ساوه و محلات نوشته شده است.

## مأموریت سندج

### جمع آوری کنه لاهورنيس از نظر بیماری بروسلوز.

۱۳۶۶/۸/۳- /۸/۱۲ پرسنل: آقای م. حنیفی و تنی چند از همکاران

مناطق کار شده: تعداد ۷ روستا در حوالی قروه

۶۶/۷/۱۱: بنا به درخواست دامپزشکی سندج به یک گاوداری در حومه قروه رفتیم گاوداری بزرگی بود و بدون حصار و دیوار. جوندگانی مثل موش و گوشتخواران زیادی چون گرگ و روباه در آن حوالی دیده می شدند لذا سرایت هاری و تب‌های بازگرد از حیوانات به انسانها محتمل بود.

چند عکس دسته جمعی گرفتیم دکتر رستمی به سندج و ما به تهران برگشتیم در تاریخ فوق بارندگی زیادی باریدن گرفت و در خیابانهای سندج سیل جاری شد.

از مورخه ۶۶/۹/۱۲- ۱۳۶۶/۸/۲۱ به استان هرمزگان (بندرعباس) عزیمت کردیم. از مناطق نیروی هوایی، نخل ناخدا و سید کامل و ۲۵۰۰ دستگاه، واز مجتمع مسکونی مهاجرین جنگی جونده صید کرده و طحال آنها را به سوری تزریق می کردیم در مدت ۲۴ ساعت سوریها می مردند. باسیلها خیلی ریز و شبیه تولارمی بودند جوندگان شکار شده عبارتند از:

راسوی بزرگ- تاتراآیندیکا- راتوس راتوس- راتوس نروژیکوس- موس موسکولوس- پوموس دم‌دیاتوس- الاکتاگا

در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۹ در بندرعباس باد شدیدی شروع شد و شدت آن به حدی بود که کشتی‌های بزرگ را تکان می داد این باد در پاییز شروع می شود و بنام نعشی معروف است که ۳ روز ادامه دارد اگر قطع نشود ۷ روز طول میکشد در ضمن باد و باران هم از غرب به شرق شروع شده و ادامه می یابد. اما باد تابستانی با رعد و برق شدیدی همراه است که جهت آن از شمال به جنوب است باد دیگری بنام سهیل در تابستان شروع شده که ملایم و خنک است.

در صفحه ۱۰۷ نقشه و کروکی بندرعباس و روستاهای اطراف و موقعیت مکان‌های کار شده ترسیم شده است. که نشان می دهد در بین سه راهی بندر لنگه کنه های ایراتیسکوس ناقل بیماری تب راجعه میکروتی هستند .

در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۸ در مأموریت بندرعباس میکروب خاصی از موشهای انباری جدا شد شبیه میکرب تولارمی بود که تزریق آنها به موش سوری همه را در ۲۴ ساعت از بین می برد لام تهیه و تحویل بخش دادم گفتند سودوکو است که اشتباه بود بیماری سودوکو تب ناشی از گاز گرفتن موش می باشد.

عامل بیماری، اسپیریلیوم مالینوس بود. در مأموریت بندرعباس افراد زیادی از بهداری منطقه و بیمارستان شهید محمدی با اکیپ همکاری کردند. از وقایع دیگر اینکه برای ما جای اسکان مهیا نشده بود لذا به هتل کامرون رفتیم.

## ماموریت فارسان

موضوع ماموریت یک نمونه مشکوک به بیماری بوریوز از شهرستان فارسان که از اصفهان گزارش شده بود در تاریخ ۸/۱۲/۶۶ از تهران حرکت کردیم ساعت ۲/۵ بعدازظهر به اصفهان رسیدیم به اداره بهداشت محیط رفتیم. در نمونه بررسی شده بوریلیا مشاهده گردید در حالی که نواحی مزبور بشدت زیر بمباران هواپیماهای عراقی بود.

در صفحه ۱۰۹ نقشه اصفهان و روستاهای کناران مشخص شده است که در کتاب اصلی کپی آن باید ضمیمه گردد. در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۲ به اتفاق تعدادی از همکاران نزدیک به ۱۰ روستا را تحت کاوش قرار دادیم که حاصل آن جمع‌آوری شپش از مدرسه امیدآباد هیرگان شهرستان فارسان و جمع‌آوری شپش از مدارس منطقه چلگرد از شهرستان فارسان.

نمونه‌های جمع‌آوری شده جمعا = ۲۲۹۰ عدد می‌باشد.

جمع	لوله	
۱۵۲۵ عدد	۱۶	۱- کنه لاهور نسیس
۱۲۹ عدد	۶	۲- کنه آرگاز پرسیکوس
۲۵ عدد	۵	۳- آرگاز رفلکسوس
۷ عدد	۴	۴- کیک از طویله
۱۱۰ عدد	۲	۵- ساس (اسم محلی: گون- سرخک)
۵۴۵	۲۷	۶- شپش در انسان- در مدرسه

## ماموریت فیروزکوه

۱۳۶۷/۲/۵ - ۲/۱۴

در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۴ و به موجب حکم ۷۶۶ به فیروزکوه عزیمت نمودیم و پس از بررسی و ملاقات با مسئولین محلی تهیه نمونه کنه از روستاهای اطراف را شروع کردیم. ظاهرا با چشم غیرمسلح کنه ارنیتودور تلوزانی ندیدیم و این پرسش را مطرح نمودم، پس آنها در کجا مبتلا شده‌اند نتیجه گیری کردیم که افرادی که به تبهای بازگرد مبتلا شده‌اند احتمالا توسط کنه‌هایی که در لانه جوندگان و گوشتخواران زندگی می‌کنند آلوده می‌شوند. مناطق کار شده در کروی ترسیمی با دست که تهران و فیروزکوه و موقعیت روستاهای اطراف را مشخص می‌کند مشخص شده است که عبارتند از روستاهای سرانزا، کمند، لایچه شت، سرخ کوه و بقیه که در نقشه معلوم است کنه‌های جمع‌آوری شده در این مناطق عبارتند از: ارنیتودور لاهورنسیس، آرگاز پرسیکوس، آرگاز رفلکسوس و اکسودیده از اخبار این روزها حمله ناو امریکایی به هواپیمای مسافری ایران است و در تاریخ ۶۷/۵/۱۹ آتش بس بین ایران و عراق برقرار شد.

در صفحه ۱۱۲ نقشه ترسیمی با دست که مناطق کار شده را از نظر جوندگان و کنه‌ها در اطراف فیروزکوه نشان می‌دهد وجود دارد که عینا به کتاب فتوکپی آن ضمیمه شود. ۱۳۶۷/۲/۵

## ماموریت فولاد مبارک - اصفهان

۱۳۶۷/۵/۲۴

هدف از ماموریت بررسی وفور جوندگان و نقش آنها در انتقال بیماریهای عفونی و نیز بررسی حساسیت آنها به جوندگان است در این ماموریت من به همراه ۳ نفر از همکاران شرکت داشتیم در این ماموریت ۱۹۴ سر حیوان و ۹۱۹۸ عدد کیک از روی جوندگان صید شده جمع‌آوری شد که از نظر بیماریهای طاعون، بوریلیا، ونزیپا نوزوما منفی بودند. جوندگان شکار شده به شرح زیر است:

کریستیلوس، مریون کراسوس - مریون پرسیکوس - الاکتاگا - موس موسکولوس

در صورتجلسه تنظیمی پایان ماموریت اشاره شده که نحوه مبارزه با جوندگان موثر نبوده و افرادی که با این جوندگان مبارزه می‌کنند باید اطلاع کافی از نحوه زندگی و احتمال آلودگی آنها داشته باشند. در مجتمع فولاد مبارک تعداد زیادی شغال، روباه و خرگوش و جوندگان وحشی مشاهده شد که احتمال خطر بیماری دارد. در صفحه ۱۱۳ کروکی ترسیم فولاد مبارک و محل‌های کار شده ترسیم شده است.

## ماموریت استان مازندران

۱۳۶۷/۸/۲۱ - ۹/۱۵

پرسنل: آقای م. حنیفی و یزدان پناه از دانشکده بهداشت با راننده‌ای از بابل و آقای حامد حنیفی.

موضوع ماموریت: جمع‌آوری کنه‌های اکسودیده عامل بیماری لایم، ماموریت در تاریخ ۶۷/۹/۱۵ با بررسی شهرستانهایی که از استان همانند بابل، ساری، چالوس و غیره به اتمام رسید در این ماموریت تعداد ۱۴۳۳ راس گاو و ۷۹۵ گوسفند بررسی و جمعا ۱۸۳۱ عدد کنه در ۴۹ لوله جمع‌آوری شد در صفحه ۱۱۵ کروکی مناطق کار شده و مسیر جاده و روستاها مشخص شده است که کپی آن در کتاب ضمیمه خواهد شد.

در مورخه ۱۳۶۷/۹/۱۶ زلزله ارمنستان شوروی را تکان داد که حدود یکصد هزار نفر کشته شدند ماموریت کرج به مدت ۱۵ روز ۱۳۶۷/۹/۲۹ جهت بررسی جوندگان انباری و صحرایی. در این ماموریت به بخشهای تولیدی انستیتو پاستور واقع در جاده کرج عزیمت و نسبت به تله‌گذاری در ساختمانها و انبارها اقدام شد که جمعا ۳۰ سر جونده شکار شد. که عبارت بود از: مریون پرسیکوس، کریستیلوس، راتوس نروژیکوس - موس موسکولوس جوندگان بررسی و همگی از نظر بوریلیا و تریبانوزوم منفی بوده‌اند در این راستا در کانالهای زیرزمینی از سم فسفر دو رنگ و در داخل ساختمان از آنتی کوآگولانت (کلرات) استفاده شد.

در مورخه ۱۳۶۷/۱۰/۱۰ - ۱۱/۱ جهت ماموریت نزاچا و امور شهدا اعزام شدیم برای از بین بردن جوندگانی که پرونده‌ها را می‌خوردند در این ماموریت جونده‌های شکار شده عبارت بود از: کریستیلوس موس موسکولوس و فتوکپی حکم ماموریت انستیتو پاستور جهت اعزام اکیپ به اکنلو برای بررسی طاعون به تاریخ ۶۸/۲/۱۴ این ماموریت به مدت شش سال و بیست و هفت روز طول کشید و در این میان ماموریتی هم در استان گیلان و مازندران انجام شد و تا مورخه ۱۳۶۸/۸/۳۰ به طول کشید.

از تاریخ ۱۳۶۸/۲/۱۹ صورت جوندگان شکار شده با تعداد آنها و کیک‌های برداشت شده از روی جوندگان گزارش شده که نتایج بررسی شده و بعدا اعلام خواهد شد گفته شده است.

در گزارش مورخه ۶۸/۲/۲۱ نیز که به معاونت پژوهشی و ریاست بخش همه گیرشناسی انستیتو اعلام شده آمده است که در این ماموریت کلا ۱۳۴ سر جونده صید شد که به شرح زیر است:

مریون پرسیکوس - مریون ونیوگرادوی - مریون تریسترامی - کریستیلوس - موس موسکولوس - میکروتوس - مزو کریستیلوس -

الابیوس



تعداد کیکها نیز گزنوپسیلا ۹۸ عدد و نوزوپسیلا ۲۰۴ عدد بوده است. حیوانات شکار شده از نظر طاعون بررسی و تعدادی نیز به تهران انتقال داده شدند. طحال له شده به سوریها تزریق و یا کشت داده شد در این تست تعداد ۸۶ سر موش سوری و ۴۴ عدد بوآت کشت در محیط ژلوز خوندار به عمل آمد و نتیجه همگی منفی بوده است. در این ماموریت کارهای دیگری نیز به غیر از امور علمی انجام شد همانند سرویس آبگرمکن، تعیبه چاه جهت سوزاندن لاشه و زباله‌ها، تعمیر کلید و پرزها و غیره در نامه مورخه ۱۳۶۸/۲/۲۱ اسامی ۲۹ روستا در استان کردستان همراه با تعداد خانوار و جمعیت آنها توسط آقای حنیفی تنظیم و به ریاست بخش همه‌گیرشناسی انستیتو اعلام شده است.

## ماموریت گیلان

(در ادامه ماموریت اکنلو به مدت ۱۵ روز) ۱۳۶۸/۲/۲۳

ماموریت از گردنه حیران شروع و تا حومه شهرستان رشت و مناطق جنگلی و مرزی ادامه داشت و راههای صعب العبور را شامل می‌شد. یک نمونه سرم از خون دخترخانمی که توسط کنه گزیده شده و جای نیش تبدیل به غده شده بود تهیه و به بخش آورده شد. تعداد ۳۴۱۷ عدد کنه اکسودیده و ۹۰۰ عدد کنه آرگاز پرسیکوس از لانه طیور جمع‌آوری شد. تعداد گاوهای بررسی شده ۱۴۷۰ و گوسفند ۲۱۳ راس بوده است. همراه با گزارش رطوبت هوا، حرارت، و دیگر جزئیات بیان شده است در ضمن مردم از بیماریهای انگلی بین دامها همانند کرم کبد و زخم دهان و سم درد شکایت داشتند. (در صفحه ۱۲۴ و ۱۲۵ موقعیت روستاهای گیلان و شهرها و جاده‌ها همراه با فاصله آنها بیان شده که در کتاب فتوکپی آن ضمیمه خواهد شد).

## ادامه ماموریت اکنلو

۶۸/۳/۹

آقای مصطفی امیری واحد محسنی که بعد از رفتن من به ماموریت گیلان جهت ادامه کار به همراه آقای غضنفری به اکنلو رفته بودند کار را تعطیل و به تهران برگشتند که آقای نوروزی در اکنلو ماند.

۱۳۶۸/۶/۱۳: ماموریت مجدد شامل استان مازندران

در تاریخ فوق من به همراه آقای حامد حنیفی به موجب ابلاغ صادره از انستیتو پاستور و دانشکده بهداشت به مدت ۱۵ روز به همراه آقایان یزدان پناه و راندگی آقای حیدری به مازندران عزیمت و بعد از مراحل اداری به گنبد رفتیم و سپس به مینودشت عازم شده و اسکان نمود که به مدت ۱۵ روز کار جمع‌آوری نمونه‌ها و بررسی نقاط از پیش تعیین شده در خصوص اجرای طرح کار را از انتهای جنگل گلستان شروع و به طرف ساری و تمام راههای صعب‌العبور جنگلی را پیاده طی نمودیم. در مورخه ۶۸/۳/۲۷ به تهران بازگشته و گزارش کار خود را به شرح زیر اعلام نمودیم.

۱- تعداد کل کنه‌های جمع‌آوری شده ۲۵۶۵ عدد است که از این تعداد ۱۷۶۱ عدد کنه اکسودس بدن گاو ۱۰۴ عدد کنه اکسودس گوسفند و ۷۰۰ عدد کنه آرگاز پرسیکوس از لانه طیور جمع‌آوری شده است.

۲- تعداد گاوهای بررسی شده ۱۲۱۲ راس

۳- گوسفندهای بررسی شده ۱۰۴ راس

۴- در ضمن لیست کامل کنه‌های مناطق کار شده، رطوبت هوا، حرارت، پتوکشها در شهرها و مناطق در دو برگ گزارش

گردید.

۵- شکایت مردم از بیماریهای دام بیشتر کرمهای پهن، تاول درکبد و زخم دهان و زخم مابین سم گاوها اغلب گاو و گوسفندها و گوساله‌ها از بین می‌روند.  
مناطق شهری شامل شهرهای نامبرده زیر و روستاهایش است:  
زیرآب، ساری، نکا، قائم شهر، بجنورد، گنبد آزاد ده، علی آباد، بوشهر، گاو ۱۹۱۲ راس، گوسفند ۵۰۵ راس، کنه گاو ۱۷۶۱ عدد و گوسفند ۱۰۴ عدد و کنه آرگاز ۷۰۰ عدد بوده است.

## ماموریت مازندران

۱۳۶۸/۳/۲۸

این ماموریت در قریه آلاشت زادگاه رضا شاه انجام شد. آلاشت در جاده قائم شهر به طرف فیروزکوه بعد از زیرآب راه از سمت راست جدا شده و بیشتر آن مناطق معادن ذغال سنگ و کوهستانی است و مردم اکثر دامدار هستند.  
از تاریخ فوق لغایت ۱۳۶۸/۴/۹ ماموریت‌هایی در اکنلو و روستای آب مشکین و کهنه حصار انجام شد که در کهنه حصار گرگی به فردی حمله کرده بود و ما گرگ را کشته و سر او را جدا کرده و به تهران آوردیم تا از نظر هاری بررسی شود. در صفحه ۱۲۸ عین درخواست آقای حنیفی با زمان و مدت انجام ماموریتها در تاریخهای فوق جهت پرداخت فوق العاده ماموریت مندرج است.

## ماموریت اکنلو

۱۳۶۸/۴/۳۱ / گزارش علمی از نظر وجود طاعون مثبت:

پیرو گزارش ۶۸/۳/۳۱ از مورخه ۶۸/۴/۱ الی ۶۸/۴/۳۱ فعالیت و نتیجه کاراکیب صحرائی به شرح زیر گزارش می‌شود:

۱- حیوانات شکارشده: مریون پرسیکوس ۲۹۰

۲- مریون وینوگرادوی ۱۸ عدد

۳- مریون تریسترامی ۶ عدد

۴- کریستلوس ۴ عدد

۵- مزوکرستیلوس ۸ عدد و انواع کیک‌ها ۸۷۰ عدد و از نوع نر ۷۳۰ عدد بوده است.

مناطق آلوده یکه چالاب از صحرای روستای جبرئیل و آذربایچه از روستای جبرئیل و تیحنی از همان روستا و پسته بولا و اطراف کوه بیکه بوده است در مورخه ۶۸/۵/۱ آقای قاسمی و غیائی برای استارت کردن موتور برق بزرگ به اکنلو آمدند و بعد از انجام امور در ۶۸/۵/۱۲ به تهران برگشتند.

۶۸/۵/۶: ادامه ماموریت اکنلو در سال ۱۳۶۸

تا مورخه ۶۸/۷/۲۲ همکاران برای ارائه گزارش به تهران رفته و عده‌ای هم به اکنلو می‌آمدند در این تاریخ دکتر آسمار فرمودند من مجدداً از روستاها خون بگیرم و سرم انسانی جمع کنم زیرا سرمهای قبلی از روی اصول درست نبوده است و می‌باید داخل یخ و یخچال حمل می‌شد.

در آخرین روز ماموریت در ۶۸/۸/۱ به اتفاق آقایان سالارکیا، نوروزی، جنگلی، علی زاده، حامد حنیفی و احمد محسنی از اکنلو به تهران برگشتیم.

در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۶ من به موجب حکم ۸۵۴۴-۶۸/۸/۱۶ به همراه آقای حامد حنیفی (پسرم) و رانندگی آقای عباسی بعد از هماهنگی‌های لازم با سازمان بهداشت گیلان در منطقه طالش ساکن و شروع به جمع‌آوری نمونه کردیم. خصوصاً از نظر آلودگی کنه به عوامل اسپروکتی از نقطه مرزی حیران شروع تا به فومن و ماسوله که تماماً منطقه جنگلی و راههای صعب

العبور می‌باشد ادامه دادیم در طول ۱۵ روز ماموریت در مجموع ۴۵۶۰ عدد کینه جمع‌آوری شد که از این تعداد ۱۷۶ عدد آرگاز پرسیکوس و مابقی ۳۳۸۴ عدد اکسودس دیده بودند تعداد ۱۳۷۳ راس گاو ۳۹۶ راس گوسفند بررسی شد مردم بیشتر از بیماری خونشان (تیلریوز و یا بابزیوز) تاول در کبد و دو نوع کرم کبد و بیماریهای طیور که چشمها متورم و اطراف چشم جوش می‌زد شکایت داشتند.

همراه با گزارش لیست کامل مناطق کارشده رطوبت، حرارت، نیز پیوست شد در مورخه ۱۳۶۸/۹/۴ ماموریت تمام شده و به تهران بازگشتیم.

در صفحه ۱۴۱ و ۱۴۲ نسخه اصلی یادداشت موقعیت شهرها و روستاها و همچنین جاده‌های مواصلاتی مشخص و با دست ترسیم شده است که در هنگام چاپ کپی آن عینا باید منتقل شود.

## ماموریت تهران

در مورخه ۶۸/۱۰/۷ مناطق اطراف تهران با همکاری جهاد سازندگی واحد مطالعاتی خاک از نظر جونده‌ها مطالعه و بررسی شد که از جمله قسمت جنوبی دماوند و قسمت شمالی رودهن نرسیده به لار، در روستای ایرا مریون پرسیکوس را بنام موش سلطانی و یا فندق شکن می‌نامند.

در صفحه ۱۴۳ اسامی افرادی که در کهنه حصار و آقباغ مرشد و پیربادام نگارنده شخصا از آنها خونگیری کرده قید شده است که به ترتیب ۲۳ نفر و ۲۰ نفر و ۱۲ نفر بوده‌اند و در اکتلو هم از ده جبرئیل ۲۰ نفر و ده شاهگذار ۱۰ نفر خونگیری از نظر تب مالت انجام شد.

آقای محمد حنیفی در گزارش ۶ ماهه ۱۳۶۸ به ریاست بخش همه گیرشناسی شرح ماموریت و اسامی پرسنل به تعداد ۶ نفر را که همکاری نموده‌اند بیان نموده و می‌گوید تعداد ۱۳۵۴ سر جمعا جونده شکارشده که به تفصیل:

مریون پرسیکوس- مریون لیبیکوس- مریون تریسترامی - مریون و نیوگرادوی- کریستلوس- الابیوس- میکروتوس- مزو کریستوس- کالاموسکوس- موس موسکلوس

در این مورد تعداد ۸۲۵۷ عدد کیک جمع‌آوری شده که تعداد ۴ مورد از نظر طاعون مثبت بودند. از جوندگان شکار شده ۵ نمونه سوش طاعون جدا شد که در بخش همه‌گیرشناسی انستیتو نگهداری می‌شود.

## ماموریت گیلان

۱۳۶۹

پرسنل: آقای م. حنیفی، حامد حنیفی، صیاد علیخانی،

ماموریت از ۶۹/۲/۳۱ شروع و لغایت ۶۹/۳/۱۲ طول کشید. ماموریت در عمق جنگلهای گیلان با مشکلات زیاد انجام شد که حاصل ماموریت تعداد ۲۹۲۶ عدد کینه (۶۵ لوت Lot)، تعداد گاوهای بررسی شده ۱۵۰۹ راس، گوسفند ۲۷۰ راس، اسب ۱۵ راس.

از مورخه ۶۹/۲/۲۹ الی ۶۹/۳/۱۲ به مدت ۱۵ روز در مناطق شمالی ماموریت انجام شد که کروکی موقعیت روستاها و شهرهای انجام شده به تفصیل در صفحه ۱۴۹ ترسیم شده است. از وقایع مهم این ماموریت که برای بیماری لایم بود وقوع زلزله در مورخه ۶۹/۳/۳۱ ساعت یک و نیم بعد از نصف شب از رشت به طرف قزوین بوده که قدرت آن حدود ۷/۵ ریشتر و مرکز آن سلیمان بود خسارات جانی و مالی فراوانی به همراه داشت. در کتاب فتوکپی مناطق کار شده ترسیمی عینا منعکس خواهد شد.

## ماموریت اکنلو

۶۹/۴/۲۸

در مورخه ۶۹/۴/۶ طبق حکم ۳۹۶۸ من به همراه پرسنل حامد حنیفی و عباس به محل ایستگاه تحقیقاتی اکنلو مراجعه و در قسمت دره در حوالی آقبلاغ مرشد مربوط به استان همدان مستقر شدیم لانه پرسیکوس مریون که مشکوک به نظر می‌رسید کنده شد و تعداد ۵ سر بچه مریون پرسیکوس و ۲ سر نیز زنده بدست آمد و تعدادی کیک نیز جمع‌آوری شد که در آزمایشگاه از نظر طاعون نتیجه مثبت بود. در اطراف کوه بیگسه به طرف جبرئیل مربوط به استان کردستان (بیجار) از نظر طاعون مثبت درآمد که نمونه بیشتری جمع‌آوری کردیم. چون منطقه از نظر طاعون مثبت بود درخواست شد ماموریت تا ۱۳۶۹/۵/۵ تمدید گردد. انستیتو پاستور در نامه‌ای به فرمانداری بیجار (۶/۴/۶۹-۳۹۶۴) درخواست می‌نماید که همکاری بیشتری با اکیپ به عمل آید. (فتوکپی نامه موجود است) مشابه این نامه به استانداری همدان و بخشداری قید دار (زنجان) نوشته شده که فتوکپی آنها موجود است.

## ماموریت اکنلو

۱۳۶۹/۵/۱۴، بررسی طاعون وحشی بین جوندگان:

پرسنل: م. حنیفی، حامد حنیفی و عباسی

گزارش عملی ماموریت: از مورخه ۶۹/۴/۷ الی ۶۹/۵/۹ در مناطق پیش‌بینی شده قیدار زنجان، بیجار و همدان مشغول انجام ماموریت تحقیقاتی بودیم. جوندگان شکار شده و تعداد آنها به شرح زیر است:

مریون پرسیکوس- مریون و نیوگرادوی- مریون تریسترامی- میکروتوس سوسیالیس- موس موسکلوس- الابیوس لوتی سینس

حیوانات آزمایشگاهی: ۸= سر، ۱۸۳= سر، سوشهای جمع‌آوری شده و اکتوپارازیتها ۱۸ لوت میباشد/ تعداد لامهای مثبت تهیه شده ۴۰۰ عدد بوده است.

سوشهای جدا شده تماما از مریون پرسیکوس و اکتوپارازیت آنها بوده است.

## ماموریت سرخس

۱۳۶۹/۶/۳-۱/۲۳: من و ۱۰ نفر پرسنل از جمله دکتر امیرخانی در تاریخ فوق حرکت کردیم و شب را در قبرستان

امامزاده گنبد خوابیدیم. در مورخه ۱۳۶۹/۶/۵ از گنبد به مشهد رفتیم و شب در کنار خیابان خوابیدیم آقای نیکوئی در مشهد ماند و بقیه به سرخس رفتیم.

در تاریخ ۶۹/۶/۶: آقای نیکویی به سرخس آمد و آزمایشگاه صحرایی را دایر و آقای امیری را مسئول گذاشت. من پیشنهاد کردم مقداری پنجه- فرمالین و چند عدد سرنگ به من بدهید زیرا بنده کاری اینجا ندارم و در صحرای فعالیت می‌کنم و جوندگان شکار شده را توسط راننده به آزمایشگاه می‌فرستم. قبول کردند در مورخه ۱۳۶۹/۳/۲۳ ماموریت به تهران برگشت.

در صفحه روبروی ۱۵۷ نقشه و کروکی دقیق و دستنویس روستاها و مناطق کار شده در منطقه سرخس با دست ترسیم شده است که کپی آن در کتاب اصلی خواهد آمد.

جوندگان و سایر جانوران شکار شده در ماموریت سرخس به شرح زیر است که شکارهای دیگر را نیز شامل است:

۱- مریون پرسیکوس ۲- مریون لیبی کوس ۳- مریون مرید یانوس ۴- اسپر موفیلوس ۵- رومبومیس ۶- مارکبرا ۷- روباه

۸- گربه وحشی ۹- کریسی تلوس

۱۳۶۹/۶/۲۵ ماموریت گرگان: این ماموریت تا مورخه ۱۳۶۹/۹/۱۲ به طول انجامید در این ماموریت کنه‌های زیادی از گونه‌های مختلف جمع‌آوری شد در صفحه روبروی ۱۵۹ کروکی روستاها و مناطق کار شده در این ماموریت با اسامی آنها قید شده است که در کتاب اصلی خواهد آمد.

در این ماموریت ۹۸۷ عدد کنه اکسودس رسینوس جمع‌آوری شد.

در مورخه ۶۹/۱۰/۶ شهرداری طی نامه شماره ۱۰۷۵-۶۹/۹/۲۱ به معاونت آموزشی و پژوهشی انستیتوپارستور می‌گوید که نتیجه عملیات قبلی مبارزه با موشها هنوز اعلام نشده است و هنگامی این عملیات می‌تواند مفید باشد که تداوم داشته و نتایج قبلی معلوم شده باشد و همچنین در مورخه ۶۹/۹/۸ مجدداً اذعان نموده که عملیات مبارزه با موشها از نظر اجرایی و کمیت و کارائی و نحوه تاثیر سموم مورد استفاده بسیار مفید بوده است و در ضمن خواهش می‌کند که متخصصین امر اکیپهای اجرایی راهنمایی نمایند تا بتواند موضوع را به صورت علمی و مدون به پیش ببرند. در مورخه ۶۹/۹/۱۴ نیز عملیات مبارزه بر علیه موشها را در اماکن خصوصی و مسکونی خواستار گردیده است.

سازمان سامان دهی و انتقال صنایع مزاحم شهرداری طی نامه مورخه ۶۹/۱۱/۱۳ از دکتر آسمار تقاضا کرده است که چون جهت مبارزه با موشها وجود افراد ماهر و با تجربه ضروری است لذا به آقای من ماموریت داده شود مدت ۶ ماه با آن سازمان همکاری نماید. کپی نامه ضمیمه کتاب خواهد شد.

## ماموریت استان گیلان - هشتم

۱۳۷۰/۲/۲۵

از مورخه ۱۳۷۰/۲/۱۰ الی ۲/۲۴ به مدت ۱۵ روز من بعد از هماهنگی‌های لازم به هشتمین عزیمت کردم. ماموریت امکان آلودگی کنه‌ها به اسپیروکت را از نقطه مرزی شروع کردم که شامل حومه شهرستان سالم و تمامی مناطق جنگلی و راههای صعب العبور بود. ماموریت را انجام دادم در این ماموریت گزارش کار همراه با مناطق کار شده با رطوبت هوا و درجه حرارت و تا امور انجام شده ارائه شده است تعداد کنه‌های جمع‌آوری شده در این ماموریت ۳۱۸۸ عدد که ۶۵۰ عدد آرگاز پرسیکوس و بقیه اکسودپده (کنه سخت) بوده‌اند. همچنین تعداد ۵۰۷ راس گاو و ۳۵۰ راس گوسفند بازدید شده است در صفحه روبروی ۱۶۴ کروکی و موقعیت شهرها و روستاهای کار شده با دست و با دقت ترسیم شده است.

از مشاهدات جالب این ماموریت ۳ مورد بسیار جالب بود.

۱- قریه‌ای به نام طول که اطرافش تماماً گورستان است مردم قبرها را کنده و اعتقاد دارند که اینجا زمانی پادشاهی زندگی می‌کرده و این شهر بزرگی بوده است.

۲- بل داهی: دارای یک درخت بزرگ است که در کنار جاده روئیده هرکس که کمردرد داشته باشد به سنگی که کنار آن درخت است کمرشان را می‌مالند تا خوب شود.

۳- تربه یا زیارتگاه: کسی که دستش زگیل داشته باشد از خاک زیر این درخت بزرگ مقداری خاک روی برگ همان درخت ریخته روی سنگ قرار می‌دهد اگر باد برگ را حرکت دهد و خاک رویش به زمین ریخته شد معنی آن این است که زگیل دست آن فرد نیز ریخته خواهد شد.

## جلسه تصمیم‌گیری در رابطه با ادامه فعالیت‌های مربوطه به طاعون

۱۳۷۰/۷/۱۸: صورتجلسه رسمی این جلسه که در تاریخ فوق و در نامه رسمی ۱۳۷۰/۸/۱۸-۱۰۲۱۷ منعکس گردیده و

مقرر شده که فعالیت‌های پژوهشی در رابطه با طاعون ادامه داشته و به شکل عملی‌تر و منسجم‌تر پیگیری شود.

در این جلسه دکتر زالی معاونت پژوهشی وزارت بهداشت و درمان نیز حضور داشته و آقایان دکتر کریمی، دکتر آسمار، دکتر امیرخانی و خانم دکتر منصور به سوالات مربوط پاسخ و اهمیت طاعون مطرح نمودند و خلاصه‌ای از سابقه آن در ایران و اقدامات انجام شده و در این زمینه روابط با دیگر کشورها بیاناتی ایراد شد که فتوکپی اصلی و تایپ نشده صورتجلسه عیناً در کتاب آورده خواهد شد.

## ماموریت اکنلو

در مورخه ۱۳۷۰/۳/۱۹ به مدت ۷ روز به همراه راننده آقای عباسی به اکنلو اعزام شدیم در این ماموریت وضعیت کانونی طاعون از نظر اپی زئوسی بررسی شده و در عین حال تحویل موتور آب ۳ اینچ آقای م. صادق حکیمی انجام شد در این مدت لانه جوندگان و محوطه پایگاه سم گذاری شد و موتور پمپ آن نیز راه اندازی گردید محوطه ایستگاه نیز توسط یک کارگر پاکسازی و نظافت شد.

لانه‌های جوندگان در روستاهای پیربادام و کلک و کهنه حصار مخصوصاً حساس به طاعون (مریون و نیوگرادوی-مریون تریسترامی) مشاهده شد اما به دلیل اینکه اطراف لانه‌ها با علف پوشیده بود اینکه از بین رفته و یا به دلیل فصل مهاجرت از لانه‌ها رفته‌اند امکان تشخیص وجود نداشت. مناطقی به اسامی آقبلاغ، خانباغی و جبرئیل قبلاً توسط کارگر علامت گذاری شده بود اما من با مراجعه مجدد به آنها متوجه شدم که وضع با قبل یکسان است.

در مورخه ۱۳۷۰/۱۱/۲۰ در ناحیه تجریش مجموعه ورزشی نهاد ریاست جمهوری از نظر تله‌گذاری برنامه‌ریزی می‌شد که تعدادی را توس راتوس شکار شد از نظر ابتلا به بورلیا و تریپانوزوم بررسی شد که نتیجه منفی بود. در مورخه ۱۳۷۱/۸/۲ من بنا به درخواست مدیریت ایثارگران نزاجا به مدت ۲۰ روز به ساختمانهای پایگاه که جوندگان مودی نفوذ کرده بودند اعزام شدم که جونده‌هایی از نوع موس موسکولوس و کریس تلوس شکار شد که در آزمایشات مربوطه از نظر طاعون و تب‌های بازگرد همه موارد منفی بوده‌اند.

## برنامه ماموریت آموزشی اکنلو

۱۳۷۲/۲/۱۸ (گزارش به معاونت آموزشی انستیتو پاستور ایران)

در گزارش مورخه ۷۲/۲/۱۸ آقای حسن نیکویی اظهار می‌نماید که به همراه آقای م. حنیفی و حامد حنیفی به همراه گروه تعمیراتی از بخش فنی به سوی اکنلو حرکت نموده و بعد از اسکان در ایستگاه تحقیقاتی شروع به بررسی جوندگان تله گذاری جمع آوری و بررسی به طاعون نمودیم در مورخه ۷۲/۲/۲۴ اعضا شرکت کننده در این کارگاه دکتر روئین تن، حسین نوروزی و امیری و دیگر شرکت‌کنندگان از دیگر استانها وارد اکنلو شدند، در این کارگاه ۱۲ تن از استانهای مختلف شرکت داشتند برنامه از روز شنبه ۷۲/۲/۲۵ با سخنرانی آقای دکتر آسمار شروع و تا ۷۲/۲/۳۰ با برنامه‌های صحرائی صبح و عصر ادامه یافت و در دو شب نیز تا ۳/۳۰ بامداد برگزار گردید.

مواردی از سرفصل‌های آموزشی به شرح زیر بوده است:

بررسی اکولوژی منطقه توپوگرافی لانه جوندگان، نحوه تله‌گذاری، آشنایی با انواع تله‌ها و طعمه‌های آن، صید جونده‌ها و تعیین هویت آنها، روشهای جداسازی اکتوپارازیتها، کالبدگشایی و شناسایی علائم پاتولوژیک، نمونه برداری از ارگانهای داخلی و تهیه سوسپانسیون از آنها (طحال)، تزریق به حیوانات آزمایشگاهی و خوچه هندی از طریق پوست، انواع کشته‌ها و محیطهای کشت.

بررسی جوندگان و محیطهای کشت، تست باکتریوفاژ، روشهای شکار در شب، تهیه خون برای سرولوژی.

در این دوره تعداد ۷۸ سر مریون پرسیکوس، ۶ سر مریون تریسترامی، ۲۰ سر مریون و نیوگرادی، ۳۲ سر مریون لی بیکوس، ۴ سر میکروتوس، ۳ سر کریستلوس شکار شد که کلیه روشها بر روی آنها آزمایش شد و تعداد ۲۰۳ کیک از جنس گزنوپسیلوس و ۵۲ کیک از جنس نروپسیلا از جوندگان شکار شده جدا شد که بعد از بررسی معلوم شد از نظر طاعون منفی هستند. و در مجموع ۱۰ روستای مورد نظر و مشکوک بررسی شد.

لازم به ذکر است که در هفته اول و دوم به دلیل بارندگی و خرابی جاده‌ها فعالیت‌های صحرایی به کندی صورت گرفت در این کارگاه مجموعاً ۱۶ نفر شرکت داشتند.

## ماموریت اکنلو

۱۳۷۲/۳/۲۰ (آقای نیکویی)

گزارش آقای حسن نیکویی به معاونت پژوهشی انستیتو پاستور ایران:

در تاریخ فوق آقای نیکویی به همراه م. حنیفی و ۳ نفر دیگر از همکاران به منطقه طاعون خیز کردستان (اکنلو) عزیمت نموده و بعد از بررسی نقشه هوایی به مقیاس ۱/۱۰۰۰۰ موجود در پایگاه و علامت‌گذاری محل‌های مورد نظر، بررسی اکولوژیکی و توپوگرافی آغاز شد. طبق شواهد توپوگرافی وجود اپی زئوسی در سال گذشته بود به طوری که جوندگان حساس به حداقل یافت شد. در این ماموریت به شعاع ۴۳ کیلومتر روستاهای و بیابانهای اطراف بررسی شد. در این ماموریت ۸۵ سر مریون پرسیکوس، ۲ سر مریون و نیوگرادی، ۶ سر میکروتوس و ۱ سر مریون تریسترامی صید شد.

نمونه‌ها بعد از پاکسازی اکتوپارازیتها به پایگاه انتقال داده شد و بعد از نمونه برداری به حیوانات آزمایشگاهی تزریق شد و همچنین بر روی محیط مخصوص کشت داده شد. اکتوپارازیتها عبارت بودند از ۵۹۶ سر گزنوپسیلا، ۱۰۸ سر نروپسیلا، این کیکها بعد از پاک شدن توسط الکل ۷۰٪. با سرم فیزیولوژیک له شده و سوسپانسیون آنها به حیوانات آزمایشگاهی تزریق و به محیط کشت برده شد. تعداد لامهای بررسی شده ۱۱۴ عدد بود. به موردی از بیماری برخوردار نشد، محیط‌های کشت با احتیاط به بحث همه‌گیر شناسی انتقال تا نتیجه قطعی معلوم گردد. سرم خون جوندگان نیز جمع‌آوری شد تا از روشهای سرولوژیک به جستجوی آنتی بادی طاعون پرداخته شود. بطور کلی مناطق عاری از طاعون بود.

گزارش ماموریت بندرعباس جهت بررسی جوندگان (موشهای انباری و صحرایی) ۱۳۷۳/۸/۲۳ تیم تحقیقاتی من به اتفاق سه کارشناس در تاریخ یاد شده به دعوت دکتر بهداشت بندرعباس به آنجا عزیمت و موقعیت جوندگان را در وسط شهر و حومه ارزیابی کردیم. شهر را با استفاده از نقشه به چندین بلوک از غربی‌ترین نقطه الی شرقی‌ترین نقطه تقسیم و با استفاده از تله‌های زنده‌گیر سیمی و چوبی مخصوص صید جونده توسط دو تیم تحقیقاتی شروع به فعالیت نمودیم. از آن تاریخ تا کنون ۱۳۸۹ نقطه از ۹ بلوک بررسی و سه بلوک دیگر در دست مطالعه است نتیجه عبارت از اسفناک بودن فراوانی موش‌های انباری بود به دلیل حضور موش موضوع در سطح قابل مطالعه و کنترل نیست بلکه فراوانی آنها از نظر بهداشتی و اقتصادی هم فراتر رفته است صید موش در بعضی از نقاط خیلی سریع است بیشترین آلودگی در نقاط شهری با زباله فراوان (ماهی فروشان)، اسلام‌شهر، ۲۲ بهمن، نیروی هوایی و نخل ناخدا است بدلیل وجود جوندگان، اکتوپارازیت‌های خونخوار نیز زیاد است که ماهیها می‌توانند آلودگی را به انسانها منتقل نمایند. در بررسی آزمایشگاهی به موردی خاص برخورد نشده و نمونه‌های مشکوک از نظر انگلهای خونی در دست بررسی تکمیلی است.

چنانکه اقدام عاجلی درصدد مبارزه با جوندگان صورت نگیرد درآینده خسارتهای اقتصادی و بهداشتی افزایش خواهد یافت لذا ضرورت دارد این مورد از اهم مسائل بهداشتی تلقی گردد.

چند نمونه محل خدمت توسط انستیتو پاستور به پرسنل از جمله انتقال دکتر محمد و حسن زرگران (داروساز) به پایگاه اکنلو به عنوان داروساز (۹۵۵۵-۶۶/۱۰/۳۰) و شروع بکار ایشان، دکتر ناصر نقدی بعنوان کارشناس آزمایشگاه شیمی در آن پایگاه و دکتر عارف امیرخانی بعنوان سرپرست ایستگاه تحقیقاتی یاد شده و آقای حسن نیکویی از اول تیرماه ۶۷ به مدت ۳۶ ماه در پایگاه تحقیقاتی اکنلو.

درمورخه ۱۳۸۸/۲/۲۷، نوشته‌های جناب آقای م. حنیفی کارشناس آزمایشگاه توسط اینجانب دکتر محمدعلی جوادی ویرایش و تنظیم و تدوین گردید. سعی شده عزیزان یاد شده در این کتاب که عمری را در تلاش و کوشش در اقصی نقاط کشور عزیزمان سپری کرده اند، بطور شایسته‌ای بیان و نوشتار گردد. باشد که آیندگان و دانش‌پژوهان و دانشجویان گرامی ارج و منزلت این همکاران گرامی را بدانند و ادامه دهنده راه آنان باشند.